نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال شانزدهم – شماره ۷۲۲ – یک شنبه ۸ دی ۱۳۹۲ – ۸ صفحه – ۵۰۰ تومان



چگونگی رحلت پیامبر اکرم (ص)

آیت الله سید مصطفی حسینی

صفحه ۳



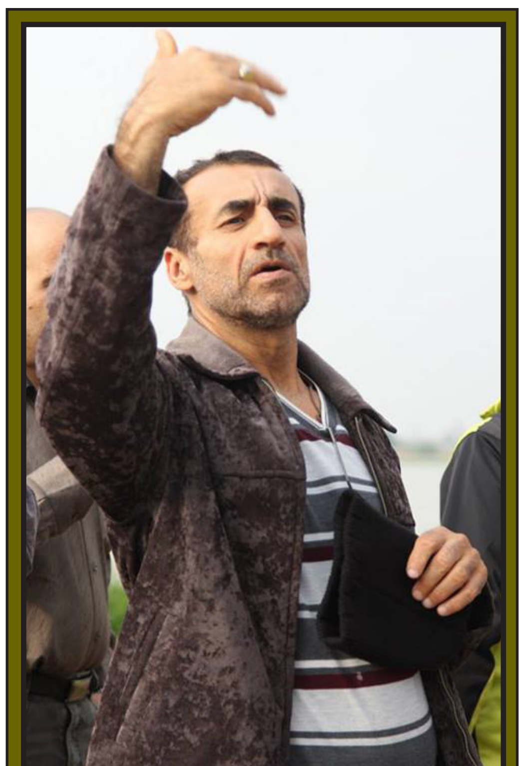
انتظار تغییر فضای بسته فرهنگی و مطبوعاتی

صفحه ۸

بیانیه جوانان اصلاح طلب حامی دکتر روحانی در اجتماع اصلاح طلبان استان بوشهر:

استاندار به روند تغییر مدیران در استان شتاب ببخشد





چگونگی اعزام اولین رزمندگان بوشهری به جبهه

خاطره ای منتشر نشده از

پرویز قوسی

سردار هشت سال دفاع مقدس

خبر
شماره ۷۲۲- یک شنبه ۸ دی ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

رئیس شورای شهر بوشهر:

راضی به ضایع شدن حقوق کارکنان شهرداری نیستیم



رئیس شورای شهر بوشهر گفت: شورا راضی به ضایع شدن حتی یک ریال از حقوق کارکنان پرتلاش شهرداری نیست.

به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، عبدالخالق برزگرزاده در جلسه شورای شهر بوشهر ضمن عرض تبریک به مناسبت تولد حضرت عیسی مسیح (ع) در مورد ضرورت توجه به وضعیت پرداخت حقوق کارکنان شهرداری اظهار داشت: با توجه به اینکه نیروی انسانی مهم‌ترین سرمایه هر نهاد و سازمان است اگر ما توجه ویژه به سرمایه‌های انسانی داشته باشیم می‌توانیم کارایی نیروها را افزایش دهیم و سازمان را در رسیدن به اهداف تعریف شده‌اش به نحو بسیار مطلوبی یاری کنیم.

رئیس شورای شهر بوشهر ادامه داد: نیروهای شهرداری تلاش‌های زیادی برای خدمت‌رسانی به شهروندان انجام می‌دهند و در بین این نیروها عده‌ای هستند که بیشتر از توان شان برای کارها انرژی می‌گذارند و زمان زیادی از وقت متعلق به خانواده‌هایشان را صرف خدمت به شهروندان می‌کنند بنابراین لزوم توجه بیشتربه چنین کارکنانی ضروری است.

وی در رابطه با توجه ویژه به وضعیت کارکنان شهرداری افزود: اعضای شورا با درنظر گرفتن مزایا و پرداخت پاداش به کارکنان پرتلاش شهرداری که براساس قانون و ضابطه باشد هیچگونه مخالفتی ندارد.

برزگرزاده ادامه داد: تعدادی از کارکنان شرکتی شهرداری درباره تعویق در پرداخت اضافه کاری‌های شان انتقاداتی را مطرح کرده‌اند و شاید چنین موضوعی را به شورا مرتبط بدانند ولی شورا در همین جا اعلام می‌کند که حاضر به ضایع شدن حتی یک ریال از حقوق کارکنان زحمت کش شهرداری نیست بلکه شورا معتقد است که ضمن پرداخت تمامی حقوق کارکنان باید با دید ویژه به خواسته‌های به حق آنها توجه شود.

رئیس شورای شهر در ادامه تأکید کرد: بطور کلی در مورد پرداخت حقوق و مزایا،شورا بر این عقیده است که همه پرداختی‌ها باید با ضابطه و قانونمند باشد.

وی خاطرنشان کرد: با توجه به اینکه به پایان سال نیز نزدیک می‌شویم لازم است که ضمن پرداخت هرچه زودتر حقوق معوقه کارکنان شرکتی با در نظر گرفتن خدمات انگیزشی موجبات دلگرمی آنها را فراهم کنیم و رضایت هرچه بیشترآنها را جلب کنیم که در این راستا شورا آمادگی هرگونه همکاری را با مجموعه ی شهرداری دارد.

وی پیرامون نیروهای پیمانکاری نیز اظهار داشت: با توجه به اینکه شهرداری در وضعیت کنونی اعتبارات لازم برای پرداخت مطالبات نیروهای پیمانی را ندارد امید است با درایت همکاران درمجموعه شهرداری زمینه پرداخت مطالبات نیروهای پیمانی نیز فراهم شود.

استاندار بوشهر حکم شهردار آبپخش را امضاء کرد

حسین عباسی، عضو و سخنگوی شورای آبپخش به عنوان شهردار این شهر منصوب شد. به گزارش اتحاد جنوب؛ حدود دو ماه پیش و طی انتخاباتی که در شورای شهر آبپخش صورت گرفت، حسین عباسی توانست با سه رای موافق، یک رای ممتنع و یک رای مخالف به عنوان شهردار این شهر انتخاب شود اما متاسفانه به دلایلی، امضای حکم شهرداری وی از سوی استانداری بوشهر صورت نگرفته بود تا اینکه، حکم شهرداری وی از سوی استانداری امضاء و حسین عباسی به عنوان شهردار آبپخش تایید شد. گفتنی است پیش از این شهرداری آبپخش با سرپرستی اسماعیل سلیمانی اداره می شد.

ممیزی املاک خارگ انجام می شود

معاون شهرداری خارگ گفت: ممیزی املاک خارگ جزء امور اساسی و زیربنایی در مدیریت شهری است که امیدواریم به‌زودی در خارگ انجام شود.

به گزارش فارس؛ محسن دهقان در نشست ممیزی املاک خارگ، ضمن با اهمیت دانستن پروژه ممیزی املاک گفت: این طرح که جزء امور اساسی و زیربنایی در مدیریت شهری است با امیدوارم با همکاری مسئولان هرچه زودتر اجرایی شود. وی با اشاره به فواید این طرح خاطرنشان کرد: گردآوری تمام اطلاعات املاک و معابر اطراف آنها در مجموعه‌ای به نام بانک اطلاعات املاک و قابلیت استفاده برای تمام قسمت‌های مورد نیاز در شهرداری از اهداف این پروژه است که تا سال‌های سال مورد استفاده نه تنها شهرداری بلکه بسیاری از ادارات خارگ قرار خواهد گرفت. دهقان با اشاره به مزایای این پروژه خاطر نشان کرد: مزایای آن، وجود کروکی تمام املاک به صورت منظم با ابعاد برداشت شده و همچنین وضعیت املاک از نظر نوع استفاده، برداشت اطلاعات تمام واحدهای تجاری، مشخص کردن املاکی که به طریق غیر قانونی ساخت شده‌اند یا استفاده تجاری بدون مجوز دارند، مشخص کردن بافت‌های قدیمی و آسیب پذیر و مشخص کردن املاک شهرداری خواهد بود.

حسین داربویی رئیس شورای اسلامی شهر خارگ اظهار کرد: امروزه با توجه به پیشرفت‌های صورت گرفته نیاز به جمع‌آوری اطلاعات در زمینه شهری دیده می‌شود.

مسئول هماهنگی امور ایثارگران نهاد ریاست جمهوری در گردهمائی اصلاح طلبان بوشهر:

۸ سال را به سختی گذراندیم/ با حرکت مدبرانه اصلاح طلبان به هدفمان رسیدیم



گردهمائی فعالان اصلاح طلب ستاد روحانی در استان بوشهر با حضور حجت الاسلام علی یونسی، دستیار ارشد رئیس جمهور در امور اقوام و اقلیتهای دینی و مذهبی، حجت الاسلام سعید آگاه مسئول هماهنگی امور ایثارگران نهاد ریاست جمهوری، و چهره های سرشناس اصلاح طلب استان نظیر جوانشیر کدخداپور، مجید حسینی کنگانی، الهام بارگاهی، حمیده ماحوزی، دکتر زرین فر، حجت الاسلام رزمجو، ... و حضور پرشور جوانان فعال اصلاح طلب برگزار شد.

به گزارش "پایگاه اطلاع رسانی بُنا"؛ در این گردهمائی حجت الاسلام سعید آگاه، مسئول هماهنگی امور ایثارگران نهاد ریاست جمهوری به سخنرانی پرداخت که گزیده ای از آن در زیر می خوانید:

– اینگونه که متوجه شده ام روحیه اصلاح طلبی در استان بوشهر بیشتر از جاهای دیگر کشور است.

– با مقاومتی که انجام دادیم ۸ سال را به سختی گذراندیم و اینک باید صبر داشته باشیم تا با تدبیر مشکلات کشور رفع شود.

– آرای آقای روحانی حاصل یک جنبش اجتماعی عظیم مردمی بود که پایه های آن از ابتدای انقلاب شکل گرفته بود.مردم بدنبال عقلانیت بودند و می خواستند فردی بیاید که با تدبیر مشکلات را حل کند.

– نیروهای اصلاح طلب ما را از ناامیدی به سمت امیدواری سوق دادند.

– افرادی که در مسند قدرت بودند کلامی که از دهانشان بیرون می آمد و رفتاری که می کردند، چیزی جز مقابله نبود.

– رئیس جمهور وقت به عربستان رفت و آنجادر مورد فلسطین وعده هائی به پادشاه عربستان داد و مورد استقبال آنها قرار گرفت، اما ایشان پیش از ورود به تهران مصاحبه ای کرد و همه جا منتشر شد و همه چیز بهم ریخت.بی تدبیری و بی وفائی در دولت گذشته بسیار بود و این را بعنوان یک نمونه خدمتتان عرض کردم.امام معصوم می فرمایند: اگر سخن می گوئید، سخن صادق بگوئید.

– در جریان انتخابات نیروهای اصلاح طلب دچار تردید بودند، اما وقتی قرار شد پشت سر آقای روحانی قرار بگیرند در عرض چند ساعت موج عظیمی شکل گرفت.از زمانی که آرای آقای روحانی با آرای اصلاح طلبان همراه شد، شرایط بسیار تغییر کرد. حرکت مدبرانه اصلاح طلبان که با صندوق های رأی آشتی کردند در بازده زمانی کوتاه باعث شد تا به هدفمان برسیم.

– نظرات آقایان خاتمی و هاشمی و نیروهای اصلاح طلبی که در آن شورا حضور داشتند و همچنین کار بزرگی که آقای عارف کرد باعث موفقیتمان شد.اگر آقای عارف در صحنه می ماند امروز شاهد این رخداد شیرین نبودیم.امروز افتخار می کنیم که نیروهای اصلاح طلب در بدنه ی مردم بعنوان نیروهای راستگو و ارزشی بشمار می روند.البته منظورم از نیروهای ارزشی آن چیزی نیست که بعضی ها به خودشان چسباندند.چرا که منظور از ارزشی بودن یعنی دروغ نگوئیم.



مردم به اصلاح طلبان اعتماد کردند، چون می خواستند حرف راست را بشنوند.بقول آقای خاتمی اگر تلفن هایمان را شنود می کنید، اقلاً نروید خلاف واقع را بیان کنید و دروغ بگوئی.

– ما در فضای ۸ ساله همراه با ناامیدی بسر می بردیم، اما خوشبختانه اینک فضا تغییر کرده و باید قدر بدانیم.وظیفه ی همه ما قطعاً نقد دولت است. نیامدیم رئیس جمهوری را انتخاب کنیم که حالت مرید و مرادی باشد.هرجا که نیاز باشد باید سئوال بپرسیم.قبلاً شاهد بودیم که بدنه ی کارشناسی تیم رئیس جمهور ذره ذره آب می شود، اما نه می توانستیم حرفی بزنیم و نه کاری کنیم.در جلساتی هم که دولت از نمایندگان دعوت می کرد، به آنها بی مهری می شد که آقای پورفاطمی خود شاهد این ماجراست.

– ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی روی دست دولت افتاده است که ۷۴ هزار میلیارد آن بدهی به بانکها، ۵۵ هزار میلیارد تومان بدهی به پیمانکاران و مابقی نیز مربوط به بخشهای دیگر است.

– تازه داریم متوجه می شویم که در دولت پاکدست رانتی بوجود می آید که یک نفر می تواند ۳۰ هزار میلیارد تومان بدست بیاورد.

– احمدی نژاد بین مردم حاضر می شد و می پرسید ۵۰ میلیارد تومان خوبه به استان شما اختصاص بدم؟ مردم هم می گفتند نه کمه.می گفت باشه می کنیمش ۱۰۰ میلیارد.برای همین اوضاع اقتصادی اینگونه شده است.آقای روحانی نمی تواند این مسائل را مطرح کند تا مردم بدانند شرایط کشور چگونه است.با مشکلاتی که وجود دارد مردم باید تحمل کنند.

– به آقای خاتمی اقلاً دو سال مهلت دادند، اما اینها بعد از ۳، ۴ ماه شروع کرده اند دولت را می زنند.حالا هم بدنبال استیضاح وزیر صنایع هستند.اگر اجازه بدهند تا دولت تدبیر و امید کارش را انجام دهد می تواند مشکلات را حل کند.

– دولت آقای روحانی همانگونه که مدیون اصلاحات است، توجهی هم به نیروهای اصولگرایان راستین و دلسوز دارد.

– صدا و سیما باید مقداری محبتش را به دولت بیشتر کند و کسانی که قلمشان را تند و تیز کرده اند کمی به دولت فرصت دهند و منصفانه بنویسند.آیا هجمه هائی که به دولت می شود در راستای منویات رهبری است؟!

– دین ما دین اخلاق است، اما فقر جامعه را به سمت بی اخلاقی سوق داده است.۸ سال بی اخلاقی و بی توجهی کشور را فرا گرفت.آنچه که امروز از لابه لای پرونده های شرکت شستا، صندوق بازنشستگی و ... می بینیم اینست که احمدی نژاد ۸ سال به مردم دروغ گفت و اخلاق زیر سئوال رفت.

گفتنی است، در پایان این گردهمائی جلسه پرسش و پاسخی برگزار شد که حاضرین سئوالات خود را از حجت الاسلام سعید آگاه (مسئول هماهنگی امور ایثارگران نهاد ریاست جمهوری) مطرح کردند.

حجت الاسلام آگاه در پاسخ به یکی از سئوال کنندگان در خصوص استفاده دولت از چهره هائی نظیر محمد دادفر، جوانشیر کدخداپور، اسماعیل تبادار و محمد جواد حق شناس، گفت: این افراد از نیروهای تأثیرگذار و توانمندی هستند که بی شک دولت از توانائی هایشان استفاده خواهد کرد، اما باید به استاندار جدید که تنها دو هفته است مدیریت استان را عهده دار شده فرصت بدهید؛ چرا که طی نشستی که با آقای سالاری داشتم ایشان نیز دغدغه هائی داشت، اما این نوید را می دهم که طی هفته های آینده اتفاقات خوبی در تغییرات مدیریت در سطح استان رخ خواهد داد.

استاندار بوشهر:

نفت، مصوبات دولت در بوشهر را اجرایی کند



استاندار بوشهر گفت: وزارت نفت مصوبات دولت که مرتبط با زیرساخت‌های حوزه صنعت نفت است در استان بوشهر اجرایی کند.

به گزارش روابط عمومی استانداری بوشهر؛ دکترمصطفی سالاری در نشست با دستیار ویژه رئیس جمهور و مسئولان دستگاهای اجرایی استان بوشهر با بیان اینکه استان بوشهر در بخش شیلات، کشاورزی و تجارت دارای ظرفیت‌های اقتصادی است، اظهار کرد: مدیران این بخش‌ها باید با فراهم کردن زمینه جذب سرمایه گذار خصوصی زمینه توسعه زیرساختهای کشاورزی، شیلات و تجارت را در استان مهیا کنند.

وی تصریح کرد: جذب اعتبارات ملی، سرمایه گذار بخش خصوصی و ارائه طرح‌های متناسب با شرایط و مزیتهای استان از جمله ملاکهای ارزیابی مدیران دستگاههای اجرایی استان بوشهراست.

دکترسالاری اظهار کرد: پاسخگویی به مطالبات و احترام به مردم از سیاست‌های دولت است که مدیران دستگاه‌های اجرایی باید به آن توجه داشته باشند.

وی افزود: امسال سامانه پاسخگویی به انتقادات، شکایتها و نظارتهای مردمی در استان بوشهر با هدف رسیدگی به مشکلات و نیازهای مردم به روز رسانی می شود.

استاندار بوشهر با تاکید برضرورت پرداخت عوارض آلایندگی در استان بوشهر گفت: پرداخت عوارض آلایندگی به‌ویژه در شهرها و روستاهای همجوار با صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در استان بوشهر ضروری است.

وی تصریح کرد: پرداخت به موقع و کامل این عوارض سبب عمران و آبادانی مناطق همجوار با صنایع نفت و گاز می شود که شاهدیم این عوارض کامل پرداخت نمی شود و از مشاور رئیس جمهوری می‌خواهیم به این امر رسیدگی شود.

استاندار بوشهر گفت: همچنین برخی از مصوبات دولت مربوط به سالهای قبل که مربوط به وزارت نفت است از جمله راه آهن، طرح جامع بندر بوشهر، بزرگراه دیر- بوشهر، بزرگراه اهرم- برازجان- دیلم به خوزستان، شهرک فرودگاهی و برخی از طرح‌های آموزش عالی در استان برای تکمیل نیازمند تخصیص اعتبارات است.

همایش قرآنی گرامیداشت یاد شهید گنجی در برازجان بوشهر برگزار شد

همایش قرآنی یادبود شهید گنجی سفیر پیشین فرهنگی ایران در لاهور پاکستان، با حضور حجت الاسلام علی یونسی دستیار ویژه رییس جمهوری در امور اقوام و اقلیت های دینی و مذهبی در برازجان بوشهر برگزار شد.

به گزارش ایرنا، در این همایش که استادان و پیشکسوتان عرصه قرآنی و قاریان ممتاز کشوری شهرستان دشتستان حضور داشتند.

همچنین یادواره شهید صادق گنجی نیز با حضور دستیار ویژه رییس جمهوری در امور اقوام و اقلیت های دینی و مذهبی در برازجان برگزار خواهد شد. شهید گنجی سفیر فرهنگی ایران در لاهور پاکستان روز ۲۸ آذر سال ۱۳۶۹ به دست تروریست ها به شهادت رسید.

۴۰ درصد شرکت های فن آور زیر پوشش پارک بوشهر

رئیس پارک علم و فناوری خلیج فارس بوشهر گفت:۴۰ درصد شرکت‌های فناوری زیرپوشش پارک‌های علم و فناوری هستند.

به گزارش از فارس؛ مهدی محمدی در گردهمایی دو روزه روابط عمومی‌های پارک‌های علم و فناوری کشور در بوشهر با بیان اینکه استان بوشهر دارای ظرفیت‌های بالقوه‌ای در بخش‌های مختلف است، اظهار کرد: وجود ۷۰۷کیلومتر مرز دریایی با خلیج فارس، سواحل طولانی و ظرفیت‌های بخش انرژی گاز و پتروشیمی و نیروگاه اتمی بوشهر استان بوشهر با دیگر نقاط کشور متمایز کرده است. وی با بیان اینکه بسیاری از کشورها از دریا در تولید آب شرب، تولید مواد غذایی متنوع و دیگر کارکردها استفاده می‌کنند، تصریح کرد: جایگاه و بهره جستن با نگاه علمی هنوز برای ما به عنوان یک ظرفیت مهم قلمداد نمی‌شود که رویکرد پارک‌های علم و فنآوری استان بوشهر در این راستاست.

رئیس پارک علم و فناوری خلیج فارس بوشهر افزود: پارک علم و فناوری با تکیه بر ظرفیت‌ها و قابلیت‌های استان بوشهر و با تشویق و حمایت از مراکز فناوری برای معرفی ظرفیت‌های خود به جوامع هدف و پشتیبانی از ایده‌های نوین در زمینه‌های مختلف ضمن کسب مزیت رقابتی در تولید محصولات دانش‌بنیان برای توسعه علمی و فناوری، تجاری‌سازی دانش و توسعه اقتصادی استان ایفای نقش می‌کند. وی اظهار کرد: نگرانی ما در پارک‌های علم و فناوری در بخشهای استقرار، استمرار و ارتباطات است که باید با ظرفیت‌سازی و تقویت حضور بین المللی زمینه حضور در عرصه‌های جهانی را فراهم کنیم.

محمدی با تاکید بر معرفی پارک‌های علم و فناوری اضافه کرد: هر چند در کشور ۳۰ پارک علم و فناوری در حال فعالیت هستند ولی هنوز در بخش بین‌الملل نیازمند رایزن علمی هستیم که باید این عرصه برای پارک‌ها در کشور فراهم شود. رئیس پارک علم و فناوری خلیج فارس استان بوشهر گفت: پارک‌های علم و فناوری باید به همه حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مشرف و فعالیت داشته باشند.

درخواست جوانان جزیره خارگ از بابک زنجانی



حضور جناب آقای بابک زنجانی

سلام علیکم، احتراماً به استحضار حضرتعالی می رساند ساکنین جزیره خارگ سالهای زیادیست که از کمبود خدماتی رنج می کشند و با توجه به مصوباتی از طرف دولتهای قبل مصوبات عملی نشده و مشکلات مردم برطرف نگردیده ما جوانان خارگی از شما بعنوان نخبه اقتصادی خواستاریم که به ما کمک کنید. کمکهای شما نیز بصورت سرمایه گذاری باشد ما کمک بلاعوض نمی خواهیم و مشکلات در ذیل قید شده است. امید است در برطرف کردن مشکلات موجود ما را کمک و یاری رسانید.

۱- ایاب و ذهاب دریایی که با خرید کشتی مسافربری در مسیرهای خارگ به بوشهر و گناوه و بالعکس. و با در اختیار گذاشتن دو فروند کشتی که ظرفیت هرکدام سیصد نفر باشد مشکلات ایاب و ذهاب برطرف می گردد.

۲- اشتغال فرزندان ساکنین جزیره که برخی از مسئولین کم لطفی کرده اند شما با ایجاد کارخانه ای در بندر ریگ یا گناوه برای آنان شغل ایجاد کنید که نخواهند التماس کنند همانگونه که در حال حاضر همین گونه است.

۳- ایجاد سرپناهی برای مردم نه اینکه بسازید و اهدا کنید بدلیل اینکه زمینهای جزیره خارگ دارای سند مالکیت نمی باشد جوانان و مردم نمی توانند از بانکها تسهیلات مسکن دریافت کنند و خود نیز سرمایه ای ندارند شما می توانید ساخت و ساز را انجام داده و از تسهیلات بانکهای بیرون از جزیره آن سرپناه را بصورت اقساطی در اختیار مردم بدبخت جزیره قرار دهید.

۴- ساخت پارک آبی و پارکی مدرن و ساخت استخر در این جزیره که باعث ایجاد شادی در بین کودکان ، نوجوانان و جوانان خواهد شد.

۵- با توجه به افسردگی بالا در بین مردم بعلت نبود امکانات تفریحی با برگزاری جشنها به مناسبتهای مختلف که این موضوع باعث شادی مردم و دعاگوی جنابعالی.

۶- ساخت هتل در جزیره خارگ

۷-ایاب و ذهاب هوایی که جزیره خارگ با داشتن فرودگاه پروازهای موجود در اختیار مردم ساکن نمی باشد و با توجه به صلاحدید خود پروازهایی را از خارگ به شهرهای دیگر ایران زمین از جمله مشهد مقدس برنامه ریزی نمایید که این پروازها ماهی یک بار هم صورت گیرد کافیست.

ما جوانان از شما عاجزانه درخواست داریم . نمایندگان و مسئولین که برای ما کاری انجام نداده اند.

جمعی از جوانان جزیره خارگ

منبع: خارگ نیوز

معاون استاندار بوشهر خبر داد

درآمد ۲۷۰۰ میلیارد تومانی گمرک و امور مالیاتی بوشهر



معاون برنامه‌ریزی استاندار بوشهر گفت: درآمدهای گمرکات و امور مالیاتی استان بوشهر سالانه ۲۷۰۰ میلیارد تومان است.

به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، رضا عوض‌پور در گردهمایی مدیران روابط عمومی پارک‌های علم و فناوری کشور در بوشهر با اشاره به اینکه استان بوشهر از ظرفیت‌های بالقوه‌ای در بخش‌های مختلف اقتصادی، معیشتی و فرهنگی برخوردار است، اظهار کرد: ظرفیت‌های استان بوشهر در نظام ملی توسعه مهم و قوی دارد به‌گونه‌ای که بخش عمده‌ای از درآمدهای کشور از این استان تامین می‌شود.

وی با اشاره به اینکه پارک‌های علم و فناوری در ۳۰ استان کشور شکل گرفته است، تصریح کرد: نخستین پارک علم و فناوری کشور در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در عسلویه ایجاد شد که این خود نشان‌دهنده اهمیت این منطقه در این بخش است.

معاون استاندار بوشهر با بیان اینکه مراکز علم و فناوری در تولید و ثروت نقش ارزنده‌ای دارند، تاکید کرد: هم‌اکنون مراکز علم و فناوری با رویکرد جدیدی که تا سال ۱۴۰۴ طراحی شده است تولید ثروت می‌کنند و هم‌اکنون مهم‌ترین نقش در جایگاه علمی و فناوری دارد.

عوض‌پور تاکید کرد: ایران اسلامی در بخش علم و فناوری جایگاه نخست در منطقه خاورمیانه دارد و استان بوشهر نیز در این پارک‌ها نقش موثری ایفا می‌کند.

وی با بیان اینکه استان بوشهر با خلیج فارس هم‌مرز است، تصریح کرد: پارک‌های علم و فناوری رسالت مهم در احیا نام خلیج فارس و طرح‌های علمی و بنیادی و زیربنایی در این بخش دارند و ما برای حمایت از پارک‌های علم و فناوری استان بوشهر حمایت‌های لازم را انجام می‌دهیم.

معاون استاندار بوشهر رتبه اعتبارات عمرانی استان را پنجم اعلام کرد و افزود: این رتبه در بودجه سال آینده به سوم ارتقاء خواهد یافت.

عوض پور با بیان اینکه درآمدهای گمرکات و مالیاتی استان بوشهر سالانه ۲۷۰۰ میلیارد تومان است، خاطرنشان کرد: استان بوشهر با ظرفیت‌هایی که در اقتصاد ملی دارد می‌تواند تامین‌کننده درآمد خود در بخش‌های مختلف باشد که این مهم با تسریع در اجرای پارک‌های علم و فناوری محقق می‌شود.

نسیم جنوب ۳
مقاله
شماره ۷۲۲- یک شنبه ۸ دی ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

چگونگی رحلت پیامبر اکرم (ص)

آیت الله سید مصطفی حسینی



پیغمبر (ص) چند روزی قبل از رحلت خود لشکری را به فرماندهی اسامة بن زید ترتیب داد که به جنگ رومیان رود و همه اصحاب بخصوص معاریف آنها را به همراهی آن لشکر امر فرمود و در این باره به زیادت تأکید نمود و از تخلف از آن لشکر به شدت نهی نمود و اسامه را فرمود در جرف نزدیکی مدینه توقف کند تا افراد به وی بپیوندند. در این حال پیغمبر بیمار شد، آن بیماری که به وفاتش منتهی گشت و چون احساس مرض کرد برخاست و دست علی بگرفت و جمعی از اصحاب نیز به همراه آمدند و متوجه قبرستان بقیع شد و فرمود: مرا فرمان داده اند که جهت مردگان بقیع آمرزش طلبم و چون به بقیع رسید مردگان را خطاب نمود و فرمود: مرگ، شما را گوارا باد که در میان مردم نمی باشید، فتنه ها بسان شبهای تار متعاقب هم روی آورند. سپس مدتی به طلب آمرزش جهت مردگان پرداخت آنگاه رو به علی کرد و فرمود: جبرئیل هر سال یک بار قرآن به من عرضه می کرد و امسال دو بار، چنین به نظر می رسد که اجلم نزدیک شده باشد.

سپس علی را به اموری وصیت کرد و به خانه بازگشت و سه روز در بستر بیماری بسر برد و روز سوّم از بستر برخاست و در حالی که سر خویش را به عصابه بیماری بسته و یک دست به دست علی و دست دیگر به دست فضل بن عباس داشت به مسجد رفت و بر منبر برآمد و فرمود: ای مردم اجل من نزدیک شده و چیزی نمانده که از میان شما رخت بربندم، هر که را وعده ای از من بود بیاید تا به وعده خویش وفا کنم یا طلبی دارد طلبش را بدهم، ای مردم هیچ رابطه میان خدا و بندگانش که خیری از جانب خدا به وی برساند یا شری از او دفع سازد جز عمل نیک نباشد، سوگند به آنکه مرا به حق مبعوث نمود که نجات بخشی جز عمل و رحمت پروردگار نباشد و اگر من نیز خدا را عصیان نموده بودم رهسپار دوزخ می شدم. خدایا رساندم؟

آنگاه از منبر به زیر آمد و نمازی کوتاه ادا نمود و به خانه بازگشت، و آن روز حضرت در خانه ام سلمه بود و پس از یکی دو روز دیگر عایشه آمد حضرت را به حجره خویش بخواند و از دگر همسران نیز درخواست نمود که مرا اجازه دهید سرپرستی پیغمبر را من به عهده بگیرم. حضرت پذیرفت و به خانه عایشه منتقل گشت. مرض روز به روز شدت یافت تا هنگام صبحی بود ناگهان بلال وارد شد و اعلان نماز کرد، حضرت فرمود: یکی از خودتان امامت کند که حال من مساعد نیست. عایشه گفت: ابوبکر را بگوئید امامت کند، و حفصه گفت: عمر را. چون پیغمبر این صحنه را بدید فرمود: هنوز من زنده ام و شما بر این امر نزاع می کنید؟! ساکت باشید که شما به زنان فریبنده یوسف می مانید.

و شتابان با شدت ضعفی که داشت و به علی و فضل بن عباس متکی بود و پاها یارای حرکت نداشت به مسجد رفت، ابوبکر را در محراب ایستاده دید به دست خود به وی اشاره نمود که به عقب رو. وی به واپس رفت و حضرت نماز را از سر گرفت و چون نماز به پایان رسید به خانه بازگشت و عمر و ابوبکر و جمعی که



در مسجد بودند به حضور خواند و فرمود: مگر من به شما نگفتم به لشکر اسامه بپیوندید؟! ابوبکر گفت: آری اما برگشتیم که با تو تجدید عهدی کنیم. عمر گفت: ما دل ندادیم که در این حال از شما جدا گردیم و خبر حال شما را از مسافران بپرسیم. در این حال پیغمبر (ص) فرمود: شما مأمورید که لشکر اسامه را مجهز سازید. و این جمله را سه بار تکرار نمود و از هوش برفت.

همه حاضران به گریه و فغان درآمدند و پس از اندی به هوش آمد و فرمود: دوات و استخوان شانه حیوانی (که متعارف بود اسناد را بر آن می نوشتند) به نزد من آرید تا چیزی بنویسم که هرگز گمراه نشوید. این بگفت و باز از هوش برفت. در این حال کسانی برخاستند که دوات و قلم و کتف حاضر سازند عمر گفت: برگردید که وی هذیان می گوید. (این عبارت در صحیح بخاری نیز آمده است و در صحیح مسلم آمده که گفتند: پیغمبر هذیان می گوید و بخاری و مسلم هر دو گفته اند که عمر گفت: بیماری بر پیغمبر غالب آمده و کتاب خدا در نزد شما هست کتاب خدا ما را بس است) و چون حضرت مجدداً به هوش آمد بعضی گفتند: ما دوات و کتف حاضر سازیم؟

حضرت فرمود: پس از آنکه چنان سخنی به زبان راندید؟! ولی این را می گویم که اهلبیت مرا ملحوظ بدارید; و روی خود را از آن جمع برگردانید آنها نیز پس از این ماجرا برخاستند و جز عباس و فضل بن عباس و علی و خانواده خاص پیغمبر همه بیرون شدند.

عباس گفت: یا رسول الله اگر می دانی امر خلافت در میان ما بنی هاشم ثابت می ماند به ما مژده بده و گرنه در باره ما وصیتی کن. حضرت فرمود: شما پس از من خوار می شوید و ساکت باش. در این حال حاضران از حیات پیغمبر (ص) نومید گشتند، حضرت دیده بگشود و فرمود: برادرم و عمویم عباس به حجره بازگردند. علی و عباس برگشتند. حضرت به عباس فرمود: ای عم آمادگی داری وصیتم را بپذیری که وعده هایم را انفاذ داری و دیونم را ادا کنی؟ عباس گفت: من مردی عیالمند و ناتوانم، کجا توانم وعده های تو را که دریای کرم بوده ای انفاذ کنم. رو به علی کرد و فرمود: تو آماده ای وعده ها و دیون مرا به عهده گیری و پس از من خانواده ام را سرپرستی کنی؟ عرض کرد: آری. فرمود: پس نزدیک آی. چون نزدیک آمد حضرت وی را در آغوش کشید و انگشتر خویش را از انگشت بیرون کرد و فرمود: این را به انگشت خویش کن و سپس شمشیر و زره و جمیع آلات جنگ خود را طلبید و به علی تسلیم نمود حتی کمربندی را که هنگام جنگ به کمر می بست نیز به وی داد و فرمود: به سلامت به خانه خود شو.

فردای آن روز حال پیغمبر سنگین شد و دگر به کسی اجازه ورود نداد اما علی ملازم حضور بود. اتفاقاً علی جهت کاری ضروری بیرون شد حضرت چشم بگشود علی را ندید، فرمود: برادرم و یارم را بخوانید بیاید. این بگفت و از ضعف ساکت شد و دیده بر هم نهاد، عایشه گفت: بگوئید ابوبکر بیاید. ابوبکر حاضر شد و به بالین حضرت نشست ; چون چشم بگشود و او را دید روی از وی برگردانید. ابوبکر برخاست و گفت: اگر با من کاری داشت می گفت. باز فرمود: برادرم و یارم را بخوانید. حفصه گفت: بگوئید عمر بیاید. وی نیز آمد ولی چون بی اعتنائی پیغمبر را دید وی نیز برخاست و بیرون شد. پیغمبر مجدداً همان را تکرار کرد. ام سلمه گفت: بگوئید علی بیاید که او را می خواهد و با دگر کس کاری ندارد. علی را بخواندند، آمد، چون نزدیک شد حضرت به وی اشاره کرد که نزدیک آی. علی سر خود را نزدیک آورد که گوشش محاذی دهان پیغمبر قرار گرفت; مدتی طولانی در گوش علی به راز سخن گفت، و چون سخنان حضرت تمام شد علی به کناری نشست و پیغمبر از هوش برفت. مردم به علی گفتند: پیغمبر با تو چه گفت؟ علی گفت: هزار باب علم به من آموخت که از هر بابی هزار باب دیگر گشوده می شود و تکالیفم را به من یاد داد. در این حال فاطمه (ع) نزدیک آمد و همی به چهره پدر می نگریست. پیغمبر چشم بگشود و به وی اشاره کرد که نزدیک آی. فاطمه نزدیک شد. حضرت سخنی در گوش فاطمه گفت که وی شکفته گشت و تسلّی یافت. در حدیث آمده که بعداً از فاطمه پرسیدند; پدر به تو چه گفت؟ گفت: مرا مژده داد که من نخستین کس از اهلبیتش باشم که به وی بپیوندم.از امام باقر (ع) روایت شده که حضرت رسول (ص) در سنّ شصت و سه سالگی به سال دهم هجرت دوشنبه دو شب به آخر ماه ربیع الاول مانده دار فانی را وداع نمود. در قصص الانبیاء وفات آن حضرت در روز دوشنبه دو شب از ماه صفر مانده یازدهم هجرت ذکر شده. شیخ طوسی همین قول را تأیید کرده. مجلسی از تهذیب مرحوم کلینی آورده که وفات آن حضرت دوشنبه دوازهم ربیع الاول بوده.

بیانیه ی جوانان اصلاح طلب حامی دکتر روحانی در اجتماع اصلاح طلبان استان بوشهر:

استاندار به روند تغییر مدیران در استان شتاب ببخشد



جوانان اصلاح طلب حامی دکتر روحانی در استان بوشهر در بیانیه ای بمناسبت گردهمائی فعالان اصلاح طلب ستاد رئیس جمهور آورده اند: ما فعالان جوان اصلاح طلب استان بوشهر ضمن اعلام حمایت از استاندار محترم بوشهر که خود از نیروهای بومی و از معتقدان به سیاست های اصلاحی دولت تدبیر و امید است، انتظار داریم که ایشان به پشتوانه حمایت های مردمی و نیز برخورداری از پشتیبانی دولت روند تغییر در استان را شتاب ببخشد و با به کارگیری نیروهای توانمند و در عین حال مومن و پاکدست زمینه های توسعه ی استان و جبران عقب ماندگی ها را فراهم سازد.

متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:

به نام خداوند جان و خرد

تاریخ پر فراز و نشیب ایران پراست از وقایع و حوادثی که هر کدام در سرنوشت این سرزمین بزرگ و کهن تاثیری بس شگرف داشته است. ملت بزرگ و صبور ایران در گذر تاریخ، هر بار بر سیل خروشان و بعضا ویرانگر این حوادث پلی زده اند و با ابزار صبر و متانت و تدبیر از آن گذشته اند و باعث نجات خویش و ایران عزیز از فروپاشی و ویرانی شده اند. در یکصد و پنجاه سال اخیر ملت ما تلاش کرده است تا همپای تحولات جهانی سرنوشتی نو را برای خود رقم بزند و خویشتن را در مسیر پیشرفت و ترقی و توسعه قرار دهد.

این تلاش های صبورانه و گاه بسیار پرهزینه که در قیام مشروطه شکل عینی و عملی به خود گرفت و تا حدودی با تشکیل اولین مجلس قانونگذاری به ثمر نشست تا به امروز همواره ادامه داشته و هر بار با فراز و نشیب های فراوان و حوادث تلخ و شیرین زیادی همراه بوده است.

این تلاش ها گاه طعم شیرین پیروزی را به همراه داشته و گاه تلخی شکست ذائقه



ی مردم ما را آزرده است. با این همه حاصل این پیروزی و شکست ها کسب تجربه و رسیدن به بلوغی نسبی بوده است تا مردم دقیقا در بزنگاهی که باید در تغییر سرنوشت خود و روند نامطلوب و گاه خطرناک حوادث رنگ تغییر بزنند، وارد شوند و سرنوشت خویش و وطن خویش را در دست گیرند. بی شک یکی از بزنگاه های مهم تاریخی که بلوغ فکری و سیاسی مردم ما و مسئولیت پذیری شان را به نمایش گذاشت، حضور آگاهانه و در عین حال واقع بینانه شان در انتخابات ریاست جمهوری ۲۴ خرداد ۹۲ بود که ضمن تغییر روندی که ۸ سال کشور را در بحران فرو برده و ایران عزیز را تا لبه ی پرتگاه و افتادن در ورطه جنگ و ویرانی کشانده بود، امور و مقدرات خویش را به دست کسانی داد که از پیرایه ی خرد و تدبیر و دلسوزی برخوردارند. از این رو انتخابات ۲۴ خرداد را می توان نقطه ی عطف دیگری در تاریخ پرماجرای ایران اسلامی دانست که حاوی روشن ترین پیام برای تغییر در وضع نامطلوب موجود بود.

ما فعالان جوان اصلاح طلب استان بوشهر ضمن اعلام حمایت از استاندار محترم بوشهر که خود از نیروهای بومی و از معتقدان به سیاست های اصلاحی دولت تدبیر و امید است، انتظار داریم که ایشان به پشتوانه حمایت های مردمی و نیز برخورداری از پشتیبانی دولت، روند تغییر در استان را شتاب ببخشد و با به کارگیری نیروهای توانمند و در عین حال مومن و پاکدست زمینه های توسعه ی استان و جبران عقب ماندگی ها را فراهم سازد.

پیامی که با شکلی آرام و خردورزانه به گوش مسئولان نظام رسید و بحمدالله با استقبال و پذیرش مواجه شد و موجی از امید و اعتماد به اصلاح امور را در دل مردم پدید آورد. اینک بیش از شش ماه از این واقعه ی بزرگ و تصمیم ستودنی ملت می گذرد و بحمدالله دولت تدبیر و امید که با شعار تغییر در رویکردها و سیاست های نادرست دولت گذشته بر سر کار آمده است، توانسته در همین اندک زمان با استمداد از عنایات خداوندی و با اتکا به حمایت های مردم و نیز با پشتوانه ی خرد و تجربه و دوراندیشی، برخی از گره های کور در مسیر توسعه و ترقی ایران عزیز را بگشاید و اگر چه هنوز در آغاز راه این مسیر پر فراز و نشیب قرار دارد، اما در صورت تداوم حمایت های مردم و مسئولان بلند پایه می تواند موانع موجود را یکی پس از دیگری از پیش پای بردارد و اگر چه جبران خسارات وارد آمده بر ارکان مختلف کشور در طی هشت سال گذشته بسی سهمگین و دشوار



به نظر می آید اما چنان که در مساله ی هسته ای شاهد آن بودیم، عزم و اراده ی واقعی حل مشکلات به همراه تدبیر وکاردانی مسئولان می تواند چشم انداز امید به آینده را روشن تر سازد.

با این حال همه ی این موفقیت های فرضی مشروط به یک چیز است و آن هم وفاداری دولت به ویژه رئیس جمهور محترم به عهد و پیمانی است که با مردم بسته و به واسطه ی آن از ملت رأی گرفته است. عهد و پیمانی که می توان سر فصل های آن را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱–مهم ترین شعار رئیس جمهور محترم شعار تغییر بود. این تغییر بنا به وعده ی جناب آقای دکتر روحانی باید شامل همه ی سیاست هایی شود که گره در کار پیشرفت و توسعه ی ایران انداخته است. اگر چه رئیس جمهور محترم از همان آغاز اولویت هایی را برای سیاست تغییر خود قرار داده و فی المثل حل مشکلات موجود در روابط خارجی و کاهش تحریم های ظالمانه و به تبع آن گره گشایی از اوضاع وخیم اقتصادی را اولویت نخست دولت خود اعلام نموده است اما رئیس جمهور محترم نباید وعده های خود را در تلاش برای تغییر در سایر زمینه ها از جمله زمینه های سیاست داخلی، فرهنگ و شکستن فضای امنیتی و رفع حبس ها و حصرها، توجه به حقوق زنان و اهتمام در تامین حقوق اقلیت ها و تامین حقوق قومیت های مختلف را از یاد ببرد.

۲– لازمه ی تغییر در سیاست های دولت گماشتن مدیرانی است که به سیاست ها و شعارهای دولت جدید مومن و مفید باشند از این رو لازم است دولت محترم ضمن به کارگیری خرد و تدبیر در تغییر مدیران ارشد و میانی در تغییر مدیران ضعیف بازمانده از دولت قبل که به سیاست های دولت جدید و منتخب مردم اعتقادی ندارند، با سرعت بیشتری عمل کند.

۳– انتظار می رفت و همچنان انتظار می رود که دولت محترم برخاسته از رای مردم فراموش نکند که روی کارآمدن خویش را مدیون و مرهون فراخوان فداکارانه دو شخصیت بزرگ انقلاب و ایران یعنی آیت الله هاشمی رفسنجانی و حجت الاسلام سید محمد خاتمی است که دعوتشان از مردم موج فراگیری از ملت را که اکثریتشان خواهان اصلاح و تغییر بودند، به میدان انتخابات کشاند و به همراه از خودگذشتگی تاریخی آقای دکتر عارف این اتفاق تاریخی را رقم زد. بنابراین مردم متوقع اند که ضمن حفظ شأن این بزرگواران، همچنان از مشاوره های دلسوزانه آنان که متکی به ۱۶ سال زمامداری در بالاترین ارکان مدیریتی است، بهره بگیرد.

۴– تردیدی نیست که پیروزی جناب آقای روحانی و استقرار دولت تدبیر و امید مرهون حضور همه ی اقشار مردم در سراسر کشور و مدیون اعتماد قومیت های مختلف این کشور پهناور است. یکی از ضعف های اساسی در همه ادوار مدیریتی کشور نادیده گرفتن خواست ها و انتظارات قومیت ها و فراموش کردن وعده های داده شده پس از استقرار دولت ها بوده است.متاسفانه در چند ماه گذشته از عمر دولت هم چندان نشانه های درخشانی از عزم و اراده واقعی برای توجه به خواست قومیت ها و به ویژه اقلیت های کشور مشاهده نمی شود. ما همچنان امیدواریم که دولت محترم در توجه به این خواست های مشروع جدیت بیشتری



از خود نشان دهد.

۵– در به کارگیری مدیران، نگاه عادلانه به سهم همه ی استان های کشور از نکات کلیدی و مهمی است که متاسفانه به نظر می رسد در دولت تدبیر و امید نیز چندان مورد توجه واقع نشده و دست کم در مورد استان بوشهر وضعیت از دولت قبل نیز بدتر شده است. زیرا در دولت فعلی علاوه بر عزل چند مدیر بوشهری که در ارکان مدیریتی و دست کم در سطح معاون وزیر در دولت پیش حضور داشتند، نه تنها بر خلاف انتظار ما هیچ مدیر بوشهری در کابینه به کارگرفته نشد، بلکه در سطح معاون وزیر نیز از مدیران بوشهری استفاده نشده است. این در حالی است که برخی از فرزندان این دیار جزء فعالان مشهور عرصه ی سیاست کشور و حتی فعال در ستاد جناب آقای روحانی بوده اند از جمله جناب آقای دکتر حق شناس که از مدیران مجرب و توانمند کشور به شمار می رود. بنابر این انتظار می رود دولت محترم در آینده ای نزدیک از توان ایشان و همچنین نیروهای شایسته و توانمند دیگر این استان از جمله مهندس اسماعیل تبادار استاندار موفق و محبوب دوره اصلاحات در بوشهر، مهندس جوانشیر کدخداپور مدیر با سابقه در حوزه های مختلف وزارت کشور، محمد دادفر نماینده موفق بوشهر در مجلس ششم و سایر نیروها در رده های ارشد مدیریتی کشور استفاده نماید.

۶– مجددا تاکید می کنیم که انتظار می رفت روند تغییر در عرصه ی مدیریتی کشور چنان که رئیس جمهور محترم در معرفی کابینه اش به مجلس در پیش گرفت با سرعت بیشتری پیگیری شود اما حرکت های بعدی از جمله انتخاب استانداران به ویژه استاندار بوشهر که بیش از سه ماه به طول انجامید و بسیاری از توان و انرژی فعالان سیاسی استان را گرفت و بعضا باعث ایجاد اختلاف و تشتت در صفوف حامیان دولت نیز شد، هرگز قابل توجیه و مورد انتظار نبوده و نیست. متاسفانه دراستان بوشهر پس از گذشت شش ماه از عمر دولت هیچ تغییر مدیریتی احساس نمی شود و به نظر می رسد همچنان عده ای



صاحب زور و قدرت قصد مقاومت در روند تغییر مدیران ضعیف و نالایق قبلی را دارند و با حساسیت تراشی های نابجا و عامدانه مانع از انتصاب نیروهای توانمند و خوشنام می شوند و تاسف بارتر این که مدیران برخی نهادها که در هشت سال گذشته همه ی توان خود را در امنیتی کردن فضای استان متین و آرام و بافرهنگ بوشهر به کاربسته بودند همچنان بر سر کارند و متولی پاسخ به استعلام مدیران احتمالی دولت جدیدند و از پیش مشخص است که پاسخ این استعلام ها چه خواهد بود. این در حالی است که انتظار می رفت تغییر مدیریت این نهادها در اولویت نخست دولت محترم باشد.

بنابر این ما فعالان جوان اصلاح طلب استان بوشهر ضمن اعلام حمایت از استاندار محترم بوشهر که خود از نیروهای بومی و از معتقدان به سیاست های اصلاحی دولت تدبیر و امید است، انتظار داریم که ایشان به پشتوانه حمایت های مردمی و نیز برخورداری از پشتیبانی دولت روند تغییر در استان را شتاب ببخشد و با به کارگیری نیروهای توانمند و در عین حال مومن و پاکدست زمینه های توسعه ی استان و جبران عقب ماندگی ها را فراهم سازد.

در پایان متذکر می شویم که جوانان اصلاح طلب استان بوشهر ضمن اعلام حمایت مجدد از سیاست های دولت و دعوت مردم عزیز به صبر و بردباری و تداوم حمایتشان از دولت منتخب، بر این نکته مهم و حیاتی واقف است که حل انبوه مشکلات پیش روی دولت به زمان کافی، بردباری، دوراندیشی و همراهی و حمایت نیاز دارد. از این رو نه تنها حامیان دولت را به پشتیبانی از آن فرا می خواند بلکه به مخالفان منصف دولت فعلی نیز توصیه می نماییم که با درک موقعی حساس و خطیر کشور به یاری دولت بشتابند و از هرگونه سنگ اندازی در مسیر حرکت سیاست های جاری کشور که بی شک برخاسته از مصلحت بینی بالاترین ارکان نظام است، اجتناب ورزند. در عین حال از دولت محترم و به ویژه ریاست جمهور نیز انتظار داریم که از یاد نبرند که حضورشان در جایگاه فعلی مرهون حضور مردم و فداکاری فعالان سیاسی به ویژه خیل نیروهای خواهان تغییر و اصلاح بوده است و انتظار داریم که فراموش نکنند که عمر حضور در چنین جایگاهی کوتاه است و بی شک موفقیت دولت و رئیس جمهور جدید در سال های آتی نیز بسته به حمایت همین نیروها است. پس مباد که این نیروها و فداکاری ها و مشقت هایشان که منبعث از خواسته های مشروع و متکی به شعارهای رئیس جمهور بوده، در هنگامه تقسیم غنایم پس از پیروزی فراموش شود که حاصل چنین اتفاقی سرخوردگی مردم و سلب اعتمادشان و در نتیجه قطع حمایت هایشان خواهد بود و چه بسا که در چنین حالتی مقدرات کشور دوباره به دست کسانی افتد که دستپخت سیاست هایشان وضعیت امروز کشور است.

جوانان اصلاح طلب حامی دکتر روحانی در استان بوشهر

جامعه ما

پذیرش اشتباه، راه اصلاح

امید سعیدی



شهامت پذیرش اشتباه در جوامع توسعه یافته معنای کاملا متفاوتی با جوامع جهان سومی و حتی در حال توسعه دارد. در جوامع جهان سوم اعتراف به اشتباه یعنی کنار گذاشته شدن از تمامی مسئولیت های ممکن در آن جامعه. چنان پذیرش اشتباه هولناک است که ممکن است برای مدت ها دستاویزی شود برای رقبا برای به زیر کشیدن شما و نشان دادن عدم لیاقت شما در پذیرش مسئولیت. اما در جوامع توسعه یافته اعتراف به اشتباه و پذیرش اشتباه به معنای این است که متد و راهی که آن شخص انتخاب کرده اشتباه بوده و این باعث می شود که آن مسئول به دنبال راه دیگری برای حل مسئله و یا مدیریت خود پیدا کند. در پاره ای از مواقع پذیرش اشتباه در جهان اول با استعفای فرد مسئول همراه می شود که ممکن است به این شکل تفسیر شود که یا آن شخص توانایی انتخاب و اجرای راه دیگری را ندارد و یا عواقب اشتباه در انتخاب راهش باعث بروز حوادثی شده که منجر به استعفای او شده است.

به هر حال نکته در این است که پذیرش اشتباه همیشه راهی را برای اصلاح امور جامعه باز می گذارد اما اگر شخصی بر اشتباه خود اصرار ورزد و هیچ راهی را هم برای دیگران باز نگذارد که اشتباه او را بدیشان گوشزد کنند، جامعه به آهستگی رو به ویرانی پیش خواهد رفت.

علت عدم پذیرش اشتباه توسط مسئولین در جوامع عقب افتاده منش دیکتاورمآبانه ایست که قرن ها در آن جوامع ریشه دوانیده است.

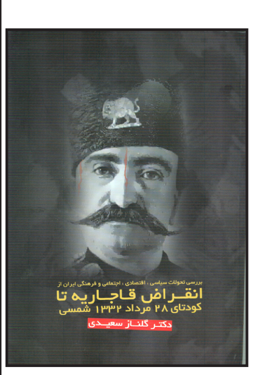
در کشورهای غربی، بچه ها از دوران دبستان و حتی پیش دبستانی برای پذیرش مسئولیت و عواقب پذیرش آن آموزش دیده می شوند. آن ها یاد می گیرند که در صورت اشتباه براحتی فضا را برای ایده جدید و راه جدید باز بگذارند زیرا اگر این کار را نکنند خود به خود و به شکل بسیار بدی از جامعه بیرون رانده خواهند شد زیرا جامعه به دنبال بهترین روش های رسیدن به موفقیت و در کمترین زمان ممکن است.

در بعضی از بافت های اجتماعی، پذیرش اشتباه شفاهی و یا رسمی اتفاق نمی افتد بلکه با خودکشی آن مسئول خود را نشان می دهد مانند جامعه ژاپن.

جامعه ما نیاز به مسئولینی دارد که بدون ترس به سخره گرفته شدن، اشتباهات خودشان را بپذیرند و فکر نکنند که آن ها انتخاب شدند چون راه و روش آن ها تنها راه ممکن و روش بدون خطایی است که باید اجرا شود.

معرفی کتاب

بررسی تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران از انقراض قاجاریه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شمسی

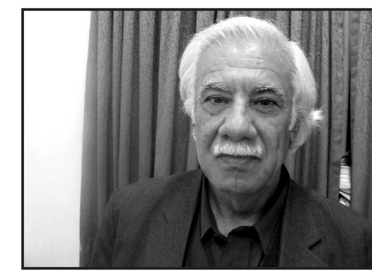


این کتاب توسط نویسنده بوشهری دکتر گلناز سعیدی، به چاپ رسیده است. تاریخ ایران در دوران معاصر آبستن حوادث پرشمار و گوناگونی بوده و هست. از زمان جنگهای ایران و روس و حملات ارتش تزاری به مناطق وسیعی در شمال غربی ایران تا دوران کنونی، ایران حوادث متعدد و عظیمی را پشت سر نهاده که در کتاب حاضر نگاهی تحلیلی و مستند به مهمترین این رویدادها در فاصله ی دوران سقوط قاجاریه تا روی کار آمدن دولت دکتر مصدق و دوران مبارزات مردم ایران برای ملی شدن صنعت نفت، انداخته شده است.

در این کتاب در ابتدا بخشی از این تحولات مانند اوضاع ایران در اواخر عهد قاجار و چگونگی به سلطنت نشستن احمد شاه قاجار و سپس سقوط قاجاریه بررسی شده و آنگاه نحوه قدرت گیری رضاخان و تأسیس حاکمیت خودکامه و مستبدانه وی بازگو شده است. در ادامه ی تحولات عهد سلطنت رضاخان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت حوادث ایران در دوران وقوع جنگ دوم جهانی و اشغال ایران و سقوط حکومت استبدادی رضاخان مورد تحلیل قرار گرفته است تا خواننده با دنبال کردن سیر این حوادث بتواند به تصویر روشنی از وقایع تاریخی ایران در سده ی اخیر دست یازد. این دوران از مهمترین ادوار تاریخ معاصر ایران است، چرا که با به قدرت رسیدن محمدرضا شاه و تبعیت وی از قدرت های بیگانه، جدی ترین مبارزات مردم ایران به رهبری روحانیون و رجال وطن پرست علیه سلطنت استبدادی خاندان پهلوی آغاز می گردد. از این رو کتاب حاضر می تواند برای دانشجویان رشته ی تاریخ به عنوان یک منبع مطالعاتی مفید واقع شود. این کتاب توسط انتشارات لیان چاپ شده است.

NASIM JANOUB
ادب و هنر
شماره ۷۲۲- یک شنبه۸ دی ۱۳۹۲

عبدالمجید زنگویی



روز شمار زندگیم
نانوشته ماند
یا آنچه هم که هست
مغشوش و بی فروغ گشته و ناخوانا
مقبول یا مقلوب یا مغلوب
معلوم نیست
سفید برگش بخوانم
یا سیاهکاریِ نامفهوم
روزگار
در اختیار من نیست
دیگر کسان
تاریخ و سرنوشتم را
رقم می زنند
موج زمانه می گذرد از سرم سریع
پیری چنان رسید
کز روزگار جوانی، جز درد
نقشی به ذهن و خاطره ی خسته ام
باقی نمانده است
فانوسهای سبز تفاهم، هم
در پیش پای ما
در چهارراه حوادث
پیوسته سرخ می شوند
تا ما را
از رفتن باز دارند
خورشید بخت من، هنوز
دیواره ی زمخت شبانگاهی را
نشکافته است.
برگیر قلم را، ای دوست!
از تاک دوستی
و از، آبشخور صداقت و یکرنگی
روز شمار زندگیم را
بر صفحه ی منوّر تاریخ
بنگار
تا
فرزند زادگانم
بهتر مرا بخوانند و
بهتر، مرابشناسند.

***

مینا درعلی



سردرد هایت
بلند می شوند
و سرخپوستی روی دیوار
آزادی را دود می کنند

دخترکی گل فروش
آفتاب های در بند
در خیابانهای بن بست می فروشد
و من
با سری پر درد
هنوز هم آفتاب گردانت مانده ام
و به تو فکر می کنم
و به اینکه معجزه هم که نباشی
قلب مرا شکافته ای
و هزار کبوتر یاغی
از چاهی
به چاهی دیگرکشاندی ام

***

قاسم مختاری

آتش تو به قلبم زدی و آخ نگفتم
با مژه خدنگم زدی و آخ نگفتم
از گوشه ی بام تو پریدن نتوانم
صد بار به سنگم زدی و آخ نگفتم
رنگ رخم از آتش رخسار تو زرد است
هی طعنه به رنگم زدی و آخ نگفتم
پیر آهوی صحرای غمت تشنه دواندی
چنگال پلنگم زدی و آخ نگفتم
از لعل لبت جز می حسرت نچشیدم
در جام شرنگم زدی و آخ نگفتم
گویند، گریزان بشود صید زصیاد
دیریست به دام توام و آخ نگفتم
بی کند اسیرم، نبود حاجت زنجیر
بر پای لهنگم زدی و آخ نگفتم
تا چشم تو دیدم علم صلح گرفتم
بر طبله ی جنگم زدی و آخ نگفتم
با صاف دلی سر بکشیدم می عشقت
صد حیله و رنگم زدی و آخ نگفتم
در شهر همه صحبت رسوایی من بود
بد نامی وانگم زدی و آخ نگفتم

فیلم «تنهای تنهای تنها»، قصه تنهایی بوشهر و بوشهری است

نامه محمد مظفری کارگردان تئاتر و روزنامه نگار بوشهری به احسان عبدی پور کارگردان فیلم سینمایی «تنهای تنهای تنها»



سلام یار دبستانی
احسان عزیز
امیدوارم این روزها حالت خوب باشد، بخصوص اینکه شنیده ام داری کارهای تدوین فیلم جدیدت «سیاه و سفید» را انجام می دهی. حیفم می آید همین اول نامه این را ننویسم و به تو نگویم که من هم مثل خیلی از هم استانی های خوبمان از اینکه برای اولین بار یک فیلم سینمایی مستقل و کاملا بوشهری بر روی پرده سینماهای کشور در حال نمایش است در پوست خود نمی گنجم و از شما تقدیر می نمایم.
احسان جان! هفته گذشته به همراه تعدادی از دوستان روزنامه نگار برای دیدن فیلم «تنهای تنهای تنها» به سینما بهمن بوشهر رفتیم تا دومین فیلم خوبت را ببینم با این تفاوت که اینبار به همراه خانواده بودم...
خوش گذشت؛ هم خندیدیم، هم گریه کردیم، هم ذوق کردیم. خلاصه از اینکه دوباره این فیلم را می دیدم و با نگاه تازه تر به اثرت نگاه می کردم خوشحال بودم. بعد از پایان فیلم هم با تعدادی از دوستان درباره فیلم صحبت کردیم.
دوست خوبم
ساختن یک فیلم تاثیر گذار و موفق بدون پشتوانه مالی و با کمترین امکانات کار بسیار دشواری است که تو به آن دست یافتی. موفقیت یک فیلم را همیشه حضور چهره ها وبازیگران بزرگ سینما تضمین می کنند. ولی تو با بازیگران کم نام ونشان توانستی فیلم در خور توجهی را در معرض عموم قرار دهی.
احسان عزیز
فیلم تنهای تنهای تنها سرشار است از صحنه های زیبا و پیام های بزرگی که به مخاطب می دهد. بزرگترین پیام تو که همان نفرت از جنگ و صلح دوستی ایرانیان است را همگان بر پرده سینما دیدند و از زبان شخصیت های فیلم شنیدند. تیزهوشی و نکته سنجیت را می توان در فریم به فریم این فیلم دید .
هنرمند دوست داشتنی
چه بسیار مخاطبینی که با دیدن فیلم در لحظه لحظه نمایش آن با دو بازیگر اصلی فیلمت همزاد پنداری کردند و با گریه هایشان گریه و با خنده هایشان خنده کردند، اما دوست خوبم؛ من تنهایی سرزمین مادریمان بوشهر را در فیلم تنهای تنهای تنها بیشتر از تنهایی "الگ" روسی و "رنجروی" بوشهری دیدم !
شکی نیست که یکی از دغدغه های تو در این فیلم و فیلم های دیگرت معرفی بوشهر بوده است. اما چه بوشهری؟ بوشهری که من در تنهای تنهای تنها دیدم بوشهر ما نیست، یا بهتر است بگویم بوشهر امروز ما نیست.
احسان عزیز
تا دیروز و در فیلم های کارگردانان مرکز نشین مان وقتی فیلمسازان نا آشنا به بوشهر و فرهنگ دیرین آن با نگاهی از بالا به پائین به مردم، فرهنگ، سبک و شیوه زندگی و حتی شغل بوشهری ها نگاه می شد غصه مان می گرفت که چرا فرزندی از فرزندان هنرمند بوشهر فیلمی نمی سازد تا بوشهر را آنچه که هست بر پرده سینما نشان دهد.
ولی با دیدن فیلم تحسین شده "تنهای تنهای تنها" باز غصه ام گرفته که چرا ما خودمان باز در همان دام تصویر های غیر واقعی گیر افتاده ایم، تصویر های نادرستی که فیلم سازان نا آشنا به توانمندی های بوشهر و فرهنگ غنی آن از این شهر ترسیم کرده اند.
متاسفانه با تمام شایسته گی های فیلم، باید گفت همه نشانه ها و نمادهایی را که نشانی از عقب افتادگی دارد را می توان در چهره، رفتار وبیان کارکترهای بوشهری "تنهای تنهای تنها" دید؟



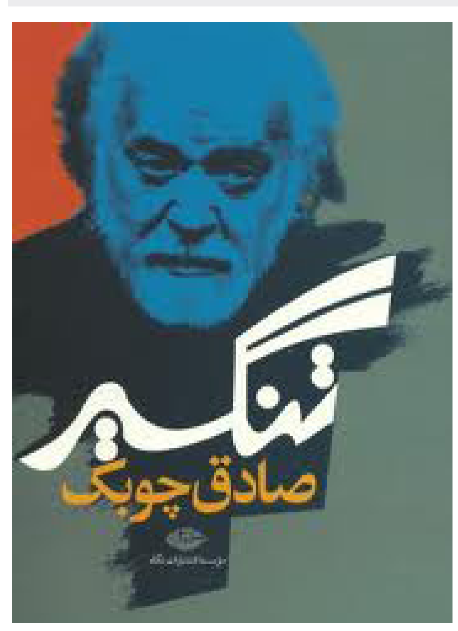
تا کی بوشهر را باید با لباس های پاره و مندرس نشان داد و محل زندگی آنها را خانه های کلنگی نیمه ویران و خشتی مربوط به حداقل صد سال پیش معرفی نمود؟ تا کی رنگ و روی همه بوشهری ها باید تیره باشد؟ تا کی باید بوشهری ها را آدم هایی کم سواد و نا آشنا به علم روز معرفی نماییم؟



احسان عزیز
شاید یکی از دغدغه های تو معرفی بوشهر به ایران و حتی در صحنه های بین المللی بوده، ولی در حالیکه این فیلم در سال ۱۳۹۱ هجری شمسی در بوشهر اتفاق می افتد چرا چهره ای عقب افتاده ای از بوشهر برای معرفی از شهر نشینی بوشهری ها نشان داده می شود. تا کی برای پیدا کردن مخاطب برای فیلم هایمان باید بوشهر را فدا کنیم. تا کی برای خنداندن مخاطبان فیلم هایمان و افزودن چاشنی طنز به آن فرهنگ و نژاد و زندگی و رنگ وچهره افراد را دستمایه قرار دهیم؟!
چرا روس های فیلم "تنهای تنهای تنها در بوشهر سوار ماشین های شیک و آنچنانی می شوند و بوشهر ها نه؟ چرا کافی شاپ روس ها امروزی و شیک است و قهوه خانه های بوشهر با وضعیت اسفبار و چرا لباس پوشیدن کارکترهای بوشهری فیلم باید در برابر کارکترهای روسی اینقدر اختلاف داشته باشند و... پرسش های ذهن من و شاید بسیاری از بینندگان این فیلم بوشهری است.
چه اصراری هست مدرسه ها و سیستم آموزشی بوشهر را این همه سردرگم و پریشان و مضحک نشان داد. چرا بیشتر معلم های بوشهری فیلم نمی توانند در کنار قهرمان فیلم قرار بگیرند. چرا بافت منحصر به فرد معماری قدیم بوشهر را به شکل زیباتری نشان نمی دهیم؟ یا بهتر بگویم از بناهای زیباتر و بازسازی شده استفاده نکرده ایم؟ چرا هیچ کدام از متخصصان نیروگاه اتمی بوشهری نیستند؟! چرا پست ترین شغل های فیلم را به بوشهری ها داده ایم؟
چرا در فیلم برخلاف واقعیت، ارتباط بوشهری ها و اتباع خارجی بخصوص روس ها اینقدر دور نشان داده می شود و بدتر از همه بوشهری ها را در برابر اتفاقات اجتماعی پیرامونی شان (مثل صحنه ای که پدر پسر روسی برای بردن پسرش به در خانه رنجرو می آید) این همه بی کلاس نشان می دهیم؟
عبدی پور عزیز
کوتاه سخن اینکه خیلی خوشحالم فیلمت که دارای صحنه های زیبا و ماندگاری نیز هست، توانسته مورد نقد و تحسین بسیاری از منتقدین سینمایی قرار بگیرد ولی در یک جمله و به اعتقاد من فیلم تنهای تنهای تنها به لحاظ عدم تلاش برای به تصویر کشیدن توانمندی های استان بوشهر، قصه تنهایی بوشهر و بوشهری است .

ادبیات و سینما

ابراهیم مهدی زاده



رابطه ی ادبیات و سینما، مخصوصا ادبیات داستانی، ارتباطی تنگاتنگ و کلیدی است. این مهم برای جوامع در حال رشد و گسست فرهنگی از سنت به مدرنیته، که هنوز سینمای "قصه گو"، حرف اول و آخر را می زند، غیر قابل کتمان است. سینمای غیر " قصه گو" البته نه تنها مذموم و منفی نیست، بلکه مفید به فایده و کمال مطلوب وغایت سینمای آوانگارد است و مخاطب خاص خود را دارد. اما چه تعداد؟ سینمای سهراب شهید ثالث مخصوصا دو فیلم "یک اتفاق ساده" و "طبیعت بی جان" یک سینمای شخصی است و به قول خودش که صادقانه می گوید فیلم هایش "نه از موضوع خاصی صحبت می کند و نه آغازی دارد و نه پایانی". هر چند نگاهش شریف و انسانی است. سینما، نوشتن یک کتاب شعر و کشیدن یک تابلو آوانگارد با هزینه محدود شخصی نیست. ورود به این مقوله در بضاعت صاحب این قلم نیست. هرچند بسیار بدیهی ست و همگان با هزینه ی سنگین ساخت حداقل یک فیلم ساده و ظاهراکم خرج آشنا هستند. می ماند سینما گران مؤلف. آیا سینماگران مؤلف ما چه تعداد هستند؟ آیا تاکنون موفق بوده اند؟
ناگفته نماند راقم این سطور، سینمای ایران را سینمای شریفی می داند و مخاطب نیز این شرافت را ارج می گذارد و با استقبال از این سینما پاسخ خود را می دهد. سینمایی که می تواند بدون جاذبه های متداول صرفا تجاری و در فقدان استفاده ی ابزاری از ترفندهای سکسی و چهارچوب ها و محدودهای قطعا سلیقه ای و مراکز متعدد تصمیم گیرنده، مخاطب را جذب کند، حتما حرفی، پیامی، پیشنهادی، فلسفه ای، طرح سوالی، معضلی اجتماعی یا فرهنگی و یا اخلاقی، تخیلی، اندیشه ای برای خود دارد. اما با نگاهی عمیق به این گونه سینما و ارزیابی کلی متوجه این نقیصه می شویم که اهالی سینما مخصوصا کارگردان های پیشرو و صاحب سبک به ادبیات به ویژه ادبیات داستانی ما توجه ای ندارند و یا بی خبرهستند. نگاهی به فیلم های ماندگار و کلاسیک ما، میزان توفیق و عدم توفیق این کارگردان ها را مشخص می کند. فیلم های "سیاوش در تخت جمشید" ، "شب قوزی" ، "آقای هالو" ، " قیصر" ، " شازده احتجاب" ، " تنگسیر" ، "گاو" ، " آرامش در حضور دیگران" ، "پستچی" ،"رگبار" ، " داش آکل" ، "کندو" ، " تنگنا" ، " دونده" ، " پنجره" ، "سفر سنگ" ، "خانه دوست کجاست" ،... تا فیلم های بعد از انقلاب از قبیل " نقطه ضعف" محمدرضا اعلامی و "زیر پوست شهر" و "روسری آبی" بنی اعتماد، "چهارشنبه سوری" ، و"درباره الی" و "جدائی نادر از سیمین" و فیلم اخیر "گذشته" فرهادی و بعضی از کارهای مجیدی، افخمی، مهرجویی، بیضایی، بهمن قبادی، زنده یادان محمدرضا اعلامی و رسول ملاقلی، و... همگی دستکم در زمینه فیلم نامه با قصه های محکم و با جفت و بست قوی توانسته اند به کارنامه قابل قبولی دست یابند. این ها سینمای فاخر و قابل دفاع و ماندگار ما هستند. هیچ کدام جای دیگری را تنگ نکرده است. تمام این فیلم ها یا مستقیم از ادبیات داستانی ما اخذ شده اند و یا اقتباسی از داستان های کوتاه و یا طرحی با مشارکت نویسنده با کارگردانی نوشته شده اند. سینما یک حرکت جمعی است. به بیان دیگر، سینما هنری است ترکیبی و جمع همه ی هنر ها، به زبان تصویر و در خدمت تصویر. یعنی کارگردان از بازیگران، بازی ، از موسیقی دان، حس و حال عاطفی، از فیلمبردار، رنگ، زاویه، تصویر، مکث، نما و پلان های متعدد، از صدابردار، هارمونی ضبط طبیعی صداها و گفتگوی پرسوناژها، خلاصه، از دیگر عوامل، نیازهای لازم اخذ، تا میز مونتاژ و تدوین، که حرف اول و آخر را می زند. همگی و همه چیز، در حقیقت، حاصل کار مدیریت اوست. هیچ کس، کارگردانی را به خاطراستفاده از این عوامل سرزنش نمی کند. پس اقتباس و یا تبدیل داستان و یا رمانی به فیلم نامه، نه تنها عیب نیست بلکه حسن و به کارگردان فرصت خلاقیت می دهد تا با فراغ بال اندیشه های خود را گسترش و عمیق تر کار خود را به پایان برساند. در حقیقت کارگردان با برداشتن بار قصه از دوش خویش و با انتخاب درست قصه ی فیلم نامه و برداشت آزاد و آفرینش خلاق خویش از چهارچوب موجود پا را فراتر می گذارد و ناخودآگاه تبدیل به کارگردان غیر" قصه گو" می شود. امروز در فرانسه، جایی که برای اولین بار مقوله ی سینمای مولف مطرح شد، این مقوله دیگر یک حسن به حساب نمی آید بلکه بحث از غیر حرفه ای بودن و تمامیت خواهی مطرح است.
مثالی ساده از استقلال و استفاده ی کیمیایی در فیلم "داش اکل" شاید به بحث ما کمک کند. آشنایان با داستان "داش اکل" هدایت می دانند که خواستگار مرجان در قصه ی هدایت، از نظر ریخت و چهره، از داش اکل، هم پیرتر و در مجموع مناسب تر و مطبوع تر نبود و این از نظر هدایت، شاید مسکنی عرفانی برای"داش اکل" محسوب می شد. اما مسعود کیمیایی چهره خواستگار به مراتب زیبا تر از"داش اکل" انتخاب، تا درد او را پیچیده تر و ویرانگی او را، در جهان بی رحم درد عشق، به اوج برساند. همین انتخاب آزادانه و خلاق کیمیایی حاکی، از تمایز، مهر و نشان او را بر"داش اکل" است تا جهان کیمیایی، جهان هدایت را معاصرتر و یران تر کند. مگر نه عشق و آگاهی و درد، آغاز ویرانگی است؟
مثال دیگر اقتباس دیل واسرمن، نمایش نامه نویس مشهور امریکایی از دون کیشوت سروانتس است که حاصل آن می شود روایتی معاصر بنام "مردی از لامانچا" به کارگردانی آرتور هیلر که یکی از شاهکار های تاریخ سینما جهان را رقم می زند. آیا کسی به علت استفاده ی آرتور هیلر از این نمایشنامه درسال ۱۹۷۲ تا کنون ایرادی گرفته است؟ و یا فیلم یول (yol محصول ۱۹۸۱ ترکیه) ساخته شریف گورن براساس فیلم نامه ی ایمازگونی و یا فیلم ساز معروف مصری و سازنده ی فیلم "مومیایی" شادی عبدالسلام، که خیلی داستان های " نجیب محفوظ " را به فیلم نامه تبدیل کرده است. استفاده از ادبیات داستانی به کارگردان، فرصت خلاقیت می دهد تا با کار خویش، به جان و جهان ویژه اش، ابعاد تازه ای بدهد. یعنی با انتخاب و استفاده از ادبیات داستانی موجود، به نوعی، بدون دغدغه ی قصه، فیلم غیر " قصه گو" را، روایت و با مهر و نشان خویش، جهان خویش را به تصویر و چالش بکشد.

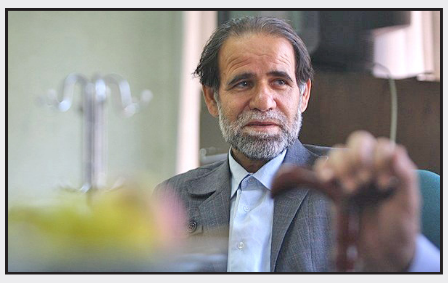
اثر نویسنده بوشهر کتاب فصل ایران شد

کتاب "معماری بوشهر در دوره زند و قاجار" تألیف فراز غلامزاده به عنوان کتاب فصل جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.
در بیست و ششمین دوره جایزه کتاب فصل که توسط خانه کتاب جمهوری اسلامی ایران برپا می شود، برگزیدگان و شایستگان تقدیر در بخش علوم اجتماعی، فلسفه، شعر، ادبیات، تاریخ و... مشخص شده اند. براین اساس در بخش تاریخ، کتاب "معماری بوشهر در دوره زند و قاجار" شایسته تقدیر اعلام شده و قرار است در آئینی رسمی از مولف آن در تهران با اهدای جوایزی تجلیل شود.
این کتاب نوشته فراز غلام‌زاده و در ۴۸۸ صفحه است که با قیمت ۱۳۰ هزارتومان و از سوی نشر آبادبوم راهی بازار کتاب شده است. کتاب دربردارنده مستندنگاری بناهای قدیمی استان بوشهر است که بیشتر به بناهای شهر بوشهر می‌پردازد. تالیف «معماری بوشهر در دوره زند و قاجار» نتیجه ۱۲ سال کار و پژوهش میدانی نویسنده است و در آن سرگذشت تاریخی بناها و کاربری آن‌ها را با بیش از ۲۵۰ عکس و حدود ۷۰ نقشه شرح داده و برخی از تصاویر کتاب به صورت سه بعدی تهیه شده‌اند.
بر اساس این گزارش، در بیست و ششمین دوره جایزه کتاب فصل ۱۰ اثر برگزیده و ۳۰ کتاب شایسته تقدیر شناخته شده‌اند. این آثار از میان ۴۰۰۵ عنوان کتاب منتشرشده در فصل تابستان انتخاب شده‌اند.
مراسم پایانی جایزه اخیر کتاب فصل با حضور معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در سرای اهل قلم برگزار می شود.



دلنوشته ای بعد از اولین سالمرگ زنده یاد خلیل عمرانی

سید مرتضی کراماتی



مدتی با خود کلنجار رفتم که بنویسم یا ننویسم راستش را بخواهید از زمان بستری اش در بیمارستان قلب تهران در شامگاه تاسوعا تا روز نوزدهم آذرماه سال گذشته و بیستم آذرماه امسال که بهانه گرامیداشت سالگرد درگذشتش بود، پریشان حالی عجیبی بسراغم آمده بود و احساس کردم باید بنویسم تا شاید روح خلیل هم به مددم بیاید تا همیشه ی ایام ، خلیل از نظر دیدگاه و تفکر سیاسی در جریان مخالف من بود. البته در انتخابات سال ۱۳۷۶ که حامی ناطق نوری بود و یک دوره که خودش کاندیدای مجلس بود و دوره ی قبلتر که حامی مهندس شهریاری بود با هم بودیم حتی در جریان سفر ناطق نوری به شهرستان دیّر در زمانی که ناطق رئیس مجلس بود ، حرفهایی ناخوشایند و تهمت هایی نیز شنید. خلیل آن موقع معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر و در زمان مدیریت علی افراشته (معاون اجرایی فعلی مجلس شورای اسلامی و حبیب الله قلیشلی رئیس فعلی شورای اسلامی گرگان) بود ، حکایت آن روزهای خلیل و مخالفت گروه باصطلاح راست در شهرستان دیّر با راه و روش و منش او شاید خیلی ها منکر شوند اما اظهر من الشمس بود تا جایی که در دوره ی بعد که باز خواست برای انتخابات مجلس شرکت کند و حتی ثبت نام نمود بخاطر همان سنگ اندازیها از طرفی و به وحدت نرسیدن افراد همفکر برای یک گزینه، او بخاطر مصلحت و به گفته ی خودش ولایت کناره گیری نمود و گذشت زمان و حتی اختلاف سلیقه ما باعث نشد تا دوستی و رفت آمدها خراب شود که در هر سفر که به تهران میرفتم منزل خلیل بودم. در بحث شاعری اش و احترامش به صاحبان خرد با هر دیدگاهی ارادتش به قیصر امین پور و سید حسن حسینی تا منوچهر آتشی تا احمد شاملو تا سیمین بهبهانی تا جلال آل احمد که حتی نوشته ها و شعرهایی هم برای آنها دارد و در کتابهایش آمده، تا تاسیس انجمن های شعر تا پرورش استعدادها و حتی سر و سامان دادن زندگی خیلی ها از آن نمونه هایی که در کشورمان کمتر یافت می شود. تا آن اتفاق تلخ و سفر بی بازگشتش ... روزهایی که در بیمارستان بستری بود به دیدارش رفتم اما در کما بود شاید مرا می دید و صدایم را می شنید اما من خاموشی اش را با خود آوردم و تا صبحی که زنگها بصدا درآمد و برادر همیشه همراهش عبدالله خبر رفتنش را داد... مات و مبهوتی هجرانش از یک طرف و اینکه جایگاه آرامش دنیوی اش کجا باشد دغدغه ای بود که دوستانش را بخود مشغول کرده بود تا اینکه تصمیم بر دفنش در زادگاهش پیش آمد و هرچند دوستان و شاگردان و حتی برخی از نزدیکانش قطعه ی هنرمندان بهشت زهرای تهران را پیشنهاد دادند که انگار خدا خواست تحقق شود این بیتش که : برگشته ام ادامه ی جانم را ...
و روح و تنش در سفری غمبار از تهران تا دیّر را در نوردد...
خبر تشکیل ستاد بزرگداشت و تشییع اش توسط استاندار سابق فریدون حسنوند احساس خوشایندی را برای اهالی ادب دوستان و نزدیکانش بوجود آورد و به عقیده ی من استاندار همتش را بکار بست اما متاسفانه حال و روز مدیران ارشد شهرستان دیّر با بی برنامگی و سهل انگاری و کوته فکری باز هم روح خلیل را آزرد که شرح بیان ماجرا خود کتاب قطوری می گردد تا جایی که ناهماهنگی در مراسم تشییع و حتی حکایت جای مزارش تلخی مرگش را دوچندان نمود. جلسه ی شب تشییع اش در منزل یکی از دوستان و خودخوری علی هوشمند و محسن عمرانی و غلامرضا زارعی و رسول صالحی و مختار زارعی و برادر و فرزندش همیشه در ذهنم موج می زند و مطئمن بودم اگر این اتفاق در زمان مدیریت اصلاح طلبان در شهرستان دیّر بود، علیرغم اختلاف فکری و جناحی با آن زنده یاد، چه بسا مراسمی در خور و شان و جایگاهش برایش برگزار می شد که نمونه ی کوچه این کج سلیقگی اینکه تا هنوز نتوانسته اند (علیرغم مصوبه ی شورای اسلامی دوره سوم بندر دیّر و یادداشت آن روز سایت خبری دیر نیوز) میدان یا خیابان یا مرکزی فرهنگی را علیرغم توصیه های وزیران آموزش و پرورش و فرهنگ و ارشاد اسلامی در دو دولت دهم و یازدهم ، استاندارو معاون سیاسی استاندار و حتی اصحاب رسانه و جامعه ی فرهنگی هنری بنامش نامگذاری شود. هرچند در روز رفتنش خیلی ها خود را برای نام نانی به آتش زدند و چه زیبا عبدالجبار کاکایی در اولین مطلب وبلاگ و فیس بوکش همان روز نوشت :
نزاع بر سر تابوت مردگان نکنید
خلیل عمرانی دوست من بود ... معلم جنوبی صاف و ساده ای که مهربانی تا چهل و هشت سالگی بدرقه اش کرد... اگرغبار این سال ها اجازه می داد بیشتر و بیشتر هم دیگر را می دیدیم که انسان بودنش برجسته تر از مناصب و مشاغلش شده بود... بریده بریده خبر رنج و درد و مرگش را دنبال کردم ... اگر چه ستون های سربی خبر آلوده به اغراض وامیال است اما خلیل عزیز شرافتمندانه از آتش نمرود زندگی رنج آور گذشت وبه گلستان یادها و بودها پیوست ...
حالا چند روز از سالگرد وفاتش گذشته است، الحمدالله به سعی و تلاش دوستان و همراهی شاعران جوان اسلامشهری و دعای خیر بی بی سیده هاجر و فرزندان نجیبش بخصوص امین و برادر رشیدش عبدالله و برخی ادارات و سازمانها مراسمات خوبی به بهانه ی اولین سالگردش در شهر دیّر و بردستان و بوشهر و اولی و تهران و اسلامشهر برگزار گردید اما بازهم جای کار هست. همراهی شاعرانی همانند کامران شرفشاهی مصطفی علیپور مصطفی محدثی خراسانی، رضا اسماعیلی، منوچهر علیپور و همت بخش ادبیات انقلاب اسلامی خبرگزاری فارس و وزارتخانه های آموزش و پرورش فرهنگ و ارشاد اسلامی، حوزه ی هنری، بسیج هنرمندان، استانداری بوشهر، انجمن شعر بسیج کشور ستودنی است اما ناگفتنی هایی هم مانده که خوبست دوستان جوابگو باشند اینکه چرا در سری مجموعه های چاپ شده ی تکاء در زمان حیاتش کتاب خلیل چاپ نگردید، اختلاف خلیل با برگزارکنندگان دو دوره ی جشنواره ی شعر فجر و دیدار سالیانه ی شاعران با رهبر انقلاب در پانزدهم رمضان چه بود و حرف آخر چرا همفکران به ظاهر همخطی خلیل در شهرستان دیّر از نام و مرام و نشان و نامگذاری مکانی بنام او میترسند؟اما مطمئن باشید با برنامه ریزی های صورت گرفته با عنایت مسئولین خوش فکر که گوشه ای از این همراهی را این روزها در دولت جدید دیدیم شاهد خواهیم بود.

نسیم جنوب
هامون ۶۳
شماره ۷۲۲- یک شنبه۸ دی ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

در باب مفهوم «معلولیت»

به بهانه ی روزجهانی معلولین

مهدی ناصری*



به نظر من فرهنگستان زبان فارسی در کنار کلمات وارداتی مانند کامپیوتر و ترمینال که جایگزین هایی برایش درست کرد باید به داد بسیاری از کلمات قدیمی و مبهم و ناکارآمد مانند "معلول" هم برسند. در فرهنگ عمید معنی معلول اینچنین آمده است : (صفت) [عربی] (ma'lul) ۱-علیل... (۲.) آنچه چیز دیگر سبب آن باشد؛ نتیجه (اسم، صفت) [مقابلِ علت] (فلسفه)۳. (اسم، صفت) [قدیمی] (بیمار)

در زبان انگلیسی برای افرادی که به هر علتی عضوی از اندام جسمانی شان از کار افتاده و یا درصدی دچار آسیب شده است کلمه ی Special (ویژه) را بکار می برند. مانند اسپشیال مَن یا اسپشیال وُمَن...

موضوع این است که کلمه ی معلول که برای افراد آسیب دیده ی جسمی استفاده می شود کاملن در بیان وضع فرد آسیب دیده ی جسمی گنگ و نامفهوم و گاهی حتی توهین آمیز است. اینکه اسم صفت علت را برای بخشی از افراد جامعه بکار ببرند خیلی مضحک و ناکارآمد است. بخاطر این اسم صفت عموم جامعه و نهاد های اجتماعی و مسئول کاملن روشن و شفاف به کسی که دچار ضایعه ای در اندامی از بدنش شده است نگاه نمی کنند. در واقع در مملکت ما بشکل عجیب و غریبی نگاه به معلول نگاه به ناتوانی جسمی اوست و فرضن کسی که یک پایش را از دست داده را فردی کاملن ناتوان بحساب می آورند در صورتی که پای دیگر و اندام های دیگر او سالم است و او هم تمام حقوق شهروندی از جمله حق تحصیل و اشتغال و ده ها حق دیگر را دارد. در قانون مدنی ۱۳۷۶ مملکت خودمان در ماده ی ۹۵۶ آماده است «اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود»

در ضمن در قانون جامع حمایت از معلولین مصوبه ی مجلس شورای اسلامی در همه ی شانزده ماده یی آن برای بهبودی شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و رفاهی نیز راهکارهایی ترسیم شده، اما در اجرا کم کاری های بسیاری وجود دارد.

حال پرسش من این است آیا در مملکت ما فردی که پاهایش را از دست داده است به راحتی فردی که پاهایش سالم است می تواند به استخدام یکی از وازرت خانه ها یا نهادهای دولتی درآید؟ بسیاری از مشاغل اداری پشت میز صورت می گیرد و نیازی به پاهای سالم برای انجام وظیفه یا مسوولیت نیست. چرا فردی با ناتوانی جسمی خاصی نباید توانایی های دیگرش بحساب آید؟ یک لیسانسه ی حسابداری با ناتوانی پاهایش، چه فرقی با یک لیسانسه ی حسابداری با دو پای سالم دارد؟! به نظر من برای پرداختن به مشکلات معلولین در ابتدا باید مسئولین فرهنگستان زبان فارسی معادل شایسته تری را جایگزین کلمه ی "معلول" کنند. چند سال پیش شنیدم کارشناسی که در بهزیستی شهر کاشان مشغول خدمت بود خواستار جایگزینی کلمه ی "توانجو" بجای معلول شده بود.

*عضو جامعه کنشگران مدنی برازجان

عکس نوشت

«دوستدار معلولین باشیم»

رضا شبانکاره

معلولین از اقشاری است که ضرورت دارد هم نهادها و مجمع های معلولین و هم نهادهای جامعه مدنی اعم از مطبوعات، رسانه های گروهی مستقل، دانشگاه ها، تشکل های صنفی و ... نسبت به حقوق و پرداختن به مصائب آنها حساس و پی گیر باشند. از این رو آشنایی و دست یابی به شناخت از گروه های مختلف معلولین ضروری به نظر می رسد. بر اساس تعریف سازمان ملل معلولیت شامل گروه های زیر می باشد. ۱) افراد با صندلی چرخدار ۲) افراد نابینا و ناشنوا ۳) افراد با توانایی راه رفتن محدود (افراد مسن و کودکان) افراد با دید کم (کم سو)

شایسته است همه ی نهادهای مدنی برای حضور اجتماعی روزافزون افراد دارای معلولیت، همکاری های منسجم تر و به سامان تری با نهادهای مرتبط با معلولین ترتیب دهند. صفحات هامون از آغاز انتشار هفتگی صفحات خود، نسبت به این مهم توجه کافی و لازم را داشته و همواره همکاری خود را با تشکل های غیردولتی (N.G.O) و تشکل های صنفی معلولین اعلام داشته و می دارد.

برای فراهم ساختن زندگی بهتر برای افراد دارای معلولیت، هم در قوانین جاری کشور و هم در قوانین و کنوانسیون های متعدد بین المللی به آنها توجه شده است. اما نقطه پاشنه آشیل آن، مشکلات اجرایی کردن و بسط دادن این قوانین در همه ی کشورهاست. مصوبه ی کنوانسیون بین المللی حقوق افراد دارای معلولیت، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، مجموع قوانین و... دستورالعمل هایی است که برای زندگی شایسته و بهتر معلولین می تواند چشم اندازی بهتری برای معلولین تصویر کند.



مبلمان معلولین

درنگی بر آسیب شناسی مبلمان شهری بوشهر- ویژه معلولین

عباس جاودانی -کارشناس ارشد برنامه ریزی و جغرافیای شهری

شهر برای تمام افراد طراحی و ساخته می شود و همه افراد حق دارند از امکانات آن استفاده نمایند. با این وجود گروهی از افراد جامعه مانند معلولان(نابینایان، ناشنوایان، ناتوانان جسمی- حرکتی و ذهنی و...) به خاطر شرایط و موقعیتی که دارند از دستیابی به حقوق کاملشان محروم مانده اند. هر چند که نص صریح سازمان ملل است که معلولان حق دارند از امکاناتی بر خوردار باشند که بتوانند به طور مستقل در جامعه حضور پیدا کنند و زندگی کنند. در ماده ۲ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در کشورمان نیز آمده: «کلیه وزارتخانه ها، موسسات و سازمان ها و شرکت های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظف اند در طراحی، تولید و احداث ساختمان ها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره مندی آنها برای معلولان همچون افراد عادی فراهم شود.»

موارد بالا به بخشی از مبلمان شهر ویژه معلولان اشاره دارد. اما بانگاهی به آنچه قانون گفته و شرایط موجود، می بینیم که بیشترموارد یاد شده در شهرهای کشورمان اجرایی نشده است.

پروفسور "سایمون بل" پژوهشگر حوزه شهری و استاد دانشگاه ادینبورگ انگلستان در بازدیدی که از تهران داشته می نویسد: من ساکن شهر ادینبورگ هستم، در این شهر دسترسی به فضاهای باز برای تمام افراد از جمله سالمندان و معلولان کاملن امکانپذیر است و جزئیات به دقت بررسی شده است. موتور سوارها و رانندگان اتومبیل ها به هیچوجه وارد پیاده رو نمی شوند و تمامی پیاده روها دارای یک رمپ مخصوص جهت عبور معلولان است. ولی من در کمال تعجب دیدم که در شهر تهران در ابتدای بسیاری از پیاده روها موانعی کار گذاشته شده تا موتورسوار ها و ماشین ها امکان ورود نداشته باشند. هر چقدر فکر کردم که معلولان چطور از این موانع عبور می کنند به نتیجه ای نرسیدم. همچنین در پیاده روها سنگ فرش هایی تعبیه شده است برای هدایت نابینایان ولی به هیچوجه اصول اجرای بین المللی در آن بکار نرفته است.این مورد مشت نمونه خروار توجه به مبلمان شهری ویژه معلولان در کشور است. شهر بوشهر بخاطر موقعیت بندری و مرکزیت سیاسی، علیرغم امکانات مالی خوبی که دارد نتوانسته در حق این قشر از جامعه کارهای لازم را انجام دهد. که این امر باعث انزوای معلولان شده و پیامد این انزوا در درازمدت هزینه های گزاف اجتماعی- اقتصادی را برای جامعه در پی خواهد داشت. از جمله نیازهای یک معلول مانند دیگر افراد عادی حضور در جامعه می باشد اما سیستم ناکارآمد حمل و نقل عمومی عملن این امکان را از آنان گرفته است. نوع اتوبوس ها و تاکسی ها ی شهری موجود در شهر بوشهر فاقد رمپ های متحرک برای سوار یا پیاده شدن افراد معلول با صندلی چرخدار (ویلچر) هستند. در داخل اتوبوس ها و تاکسی ها نیز جایی مناسب برای قرار گرفتن ویلچر در نظر گرفته نشده است. خیابان های شهر برای تردد نابینایان و ناشنوایان مناسب سازی نشده و فضای مخصوصی در پیاده روها برای عبور آنان پیش بینی نگردیده است.



معمولن برروی پایه چراغ های راهنمایی رانندگی وسیله ای برای افراد نابینا نصب می شود که می توانند بفهمند که چراغ سبز یا قرمز است، اما در بوشهر چنین چیزی به چشم نمی خورد. به علت قیمت بالا و عدم حمایت مالی مناسب از این قشر ویلچرهای موجود در شهر بوشهر فاقد موتور بوده و دستی می باشند که این امر استفاده از آن را برای مسافت های دور غیر ممکن نموده است. مناسب سازی در داخل ساختمان ها و اماکن عمومی نیز بدرستی انجام نگرفته است. مثلن مطب بیشتر پزشکان متخصص در طبقات دوم وسوم ساختمان های خیابان امام(سنگی) واقع شده اند که فاقد آسانسور مخصوص معلولان می باشند. به سرویس های بهداشتی ویژه معلولان که بسیار ضروری است در اغلب مراکز خصوصی و دولتی شهر مانند پارک شغاب، دانشگاه آزاد بوشهر و اداره کل آموزش و پرورش استان توجهی نشده است. در بخش های تجاری شهر مانند پاساژ لیان، آزادگان و ملت وجود مانع، اختلاف ارتفاع سطوح و نبود صندلی های چرخدار و سبدهای خاص معلولان امکان تردد در تمام غرفه ها را غیر ممکن ساخته است. باجه های خودپرداز بانک ها با ارتفاع زیاد از سطح زمین برای استفاده معلولان مناسب نیست. رمپ خودپرداز بانک تجارت خیابان سنگی علاوه بر اینکه بخشی از پیاده رو را اشغال نموده به علت شیب تند مناسب برای استفاده آن ها نمی باشد. هر چند خدمات اندکی از سوی برخی ادارات برای معلولان انجام گرفته که ناکافی است. ایجاد کیوسک تلفن همگانی ویژه معلولان در کنار کیوسک های عادی در چند نقطه شهر از جمله در جنب مخابرات مرکزی شهر نمونه ای از این خدمات می باشد. اگر از بحث مشکلات تردد و سفر معلولان صرف نظر کنیم در شهر بوشهر مکان های خاصی که آ نان بتوانند اوقات فراغت خود را در آن سپری کنند اندک می باشند. مثلن کدام پارک شهر برای معلولان جسمی- حرکتی مناسب سازی شده؟ در فضای ساحلی شهر سهم آن ها چه مقدار است؟ در کدام پارکینگ شهر جای مخصوصی برای پارک وسایط نقلیه آن ها وجود دارد؟ شهرداری که متولی مستقیم ارایه خدمات شهری به شهروندان می باشد نتوانسته عدالت خدماتی خود را نسبت به معلولان بوشهر ادا نماید. شایسته است مسئولان استان وبخصوص اداره بهزیستی به عنوان یک نهاد مسئول گام های ارزنده تری را در راستای احقاق حق معلولان بردارند. البته برخی از نهاد های دولتی مانند کتابخانه مصلحیان با راه اندازی بخش ویژه نابینایان توانسته اند سهمی در پر کردن اوقات فراغت این قشر از جامعه داشته باشند.

باید پذیرفت که معلولان بخشی از پازل توسعه هر جامعه بشمار می روند که بی توجهی به آن یعنی محروم شدن جامعه از یکی از اهرم های توسعه است. آنها سرشار از پتانسیل های نهفته اند که با برنامه ریزی مناسب می توان توان های بالقوه آنان را به بالفعل تبدیل نمود. درخشش معلولان هم استانی در میادین ورزشی نمونه ای از این توانمندی هاست. مبلمان شهری خاص معلولان در بیرون کشیدن آنان از کنج خانه ها نقش ممتازی داشته ومی توان گفت که در موفقیت آنان سهیم می باشند. نظر به اهمیت مبلمان شهری در پیشرفت جامعه معلولان لازم است در مبلمان شهری بوشهر بازنگری شود تا معلولان این شهر حضوری پررنگ تر در جامعه داشته باشند.

معلولیت و ضرورت تغییر نگاه

حسین پورمودت

این گونه عادت کرده ایم که وقتی شخصی را با ویژگی های خاص جسمی و ذهنی می بینیم، سریعن موتور مقایسه گر ذهن خود را روشن کنیم و به مقایسه این فرد با افراد دیگر و حتا خودمان بپردازیم. در اکثر اوقات نتیجه تفکرمان نیز یکسان است: این شخص دارای فلان معلولیت است پس نمی تواند به خوبی زندگی کند، از کیفیت خوبی در انجام کارها برخوردار نیست و سربار دیگران است!

حال چه باید کرد که فرد مورد نظر کیفیت زندگی خود را بازیابد؟ هر کس می تواند راه کارهای متفاوتی پیشنهاد کند از تصویب قوانین حمایتی گرفته تا آموزش حرفه و فنون متناسب با فیزیک معلولین.

هرکاری که به فکر و ذهن ما می رسد می تواند نتیجه خوبی باشد اما همه بخشنامه ها و قوانین روی کاغذ مانده اند و حتا آموزش های تئوری و عملی معلولین زمانی به بار می نشیند که این قوانین و ایده ها مجری خوبی داشته باشد. حالا مجری خوب از کجا بیاوریم؟!

به عنوان یک معلم عقیده دارم پاسخ پرسش در آموزش نهفته است؛ اگر به جملات ابتدایی این نوشته دقت کنیم متوجه می شویم که طرز فکر ماست که مسبب این اتفاقات می شود. اگر طرز تفکر ما باعث می شود که معلول را با معلولیتش ببینیم باید نوع تفکرمان را تغییر بدهیم و جنبه مثبت قضیه را پیدا کنیم.

باید یاد بگیریم نقاط قوت هر شخص را هم ببینیم و با توجه به آن توانمندی ها برنامه ریزی کنیم و بخشنامه صادر کنیم... متاسفانه دید جامعه ما نسبت به معلولین در اکثر اوقات کاستی های فراوانی را می بیند. اگر جامعه آموزش ببیند که توانایی های معلول را هم ببیند حتمن در آینده شاهد این خواهیم بود که معلولین بتوانند از کیفیت زندگی بهتری برخوردار شوند و در زندگی اجتماعی مشارکت بیشتری داشته باشند.

یک تجربه

سال قبل در کلاس سوم راهنمایی دانش آموزی داشتم که مادرزادی معلول بود و نمی توانست راه برود اما در مدرسه عادی درس می خواند و همراه با بقیه دانش آموزان به مدرسه می آمد و در مسایل درسی هم جزو متوسط ها بود با وجودی که معلول بود، اما دوستان زیادی داشت و همکلاسی هایش ارتباط خوبی با او برقرار می کردند. یک نکته جالب که از او در ذهنم مانده این است که بعضی زنگ های تفریح با ویلچر می آمد به حیاط مدرسه و روی نیمکت می نشست و دوستانش که سالم بودند با ویلچر او بازی می کردند. قطعن دوستان او در آینده، درک بهتری نسبت به دیگران درباره معلولیت خواهند داشت که اگر این دانش آموز مثل بقیه در مدارس استثنایی درس می خواند، دوستان او فرصت «تغییر نگاه» را از دست می دادند.

به داد کودکان برسید

مطالبه ی یک کنشگر مدنی در حوزه کودکان از استاندار جدید

فریده دهملایی





برای داشتن جامعه ای سالم باید کودکانی سالم پرورش داد.حال برای این معماران آینده چه برنامه ای داریم کودکانی که گروه سنی هفت تا هجده سال را در بر می گیرد و تا چه حد برای سلامتی روح، جسم و نفس آنها سرمایه گذاری نموده ایم. این امر مهم بعد از خانه بر عهده خانه دوم آن ها یعنی مدرسه؛ که به تعبیری دیگر خانه اول را نیز تحت شعاع قرار داده، واگذار شده است. و اما این وزارت خانه موسوم به وزارت آموزش و پرورش به صورت کجدار و مریز این رسالت مهم را به دوش می کشد چنانچه بخواهیم راهکارهایی برای خروج از این بن بست بیابیم بطور خلاصه به چند موارد اشاره می کنیم؛ که امید است که هر شخص با حس مسئولیت در آینده این کودکان راهکارهایی ارائه دهد، ابتدا باید به مقوله پرورش توجه شود که شاید یکی از این راهکارها اختصاص ساعتهایی برای این امر است. قطعن اگر بخواهیم با موعظه روی بایدها و نبایدها برای دانش آموزان وقت بگذاریم، بازدهی بسیار کمی خواهد داشت بنابراین با واگذار کردن این کار به خود آن ها و با نظارت مسئولین بسیار عالی جواب خواهد داد، مثلن از آن ها خواسته شود در مورد موضوعی با یک نمایش و اجرا در حضور شاگردان دیگر به صورت بسیار ساده و قابل فهم پیام آن موضوع مورد بحث را برسانند، بدین گونه کودکان ما ادبیات سخن گفتن را نیز می آموزند. چنانچه نهادینه شود که یکی از دروس کلاسی به درس بازاریابی اختصاص پیدا کند، یک گام بزرگ برای آینده فرزندانمان برداشته ایم بدین گونه کودکان ما با ابزار کار ونحوه ایجاد اشتغال آشنا می شوند به طور مثال: با توجه به گروه سنی ومقطع تحصیلی از دانش آموزان بخواهیم در ساعتی که به این درس اختصاص دارد برای یک کار خیریه با یک کار گروهی محصولی چه به صورت خوردنی یا یا کاردستی وحتا یک نمایش برنامه ای تدارک ببینند و دست آورد خود را با تشکیل بازارچه مدرسه ای و با دعوت از والدین و... به معرض دید بگذارند و هزینه بدست اورده را خود به نیازمندان اهدا کنند.بدین طریق علاوه بر حس انسان دوستی همکاری و روح تعاون به آنها آموخته ایم که دست آوردهای انها تا چه حد می تواند مفید وبرای خودو جامعه مفید و با ارزش باشند.که این همدلی و همراهی والدین معلمین و مسولین الگوی موثری برای دانش آموزان خواهد بود. علاوه بر تمام این موارد علم واگاهی کودکان ما به جامعه ای که در آن زندگی می کنند، ضروری است.ن باید شناخت کودکان ما از استانشان در دوره دبستان وراهنمایی در این حد خلاصه شود که مردمی خونگرم و استانی دارای آب وهوای گرم وخشک دارد و در دوره دبیرستان متوجه می شود در ردیف استانهای محروم و در دوره کنکور جزو سهمیه منطقه سه است. اینگونه است که کودکان ونوجوانان ما تصورشان از استان بوشهر استانی است بدون صنعت وپس از اتمام دوره دانشگاه و پایان دوره سربازی ومدتی بیکار بودن متوجه می شوند که عسلویه متعلق به استان خودشان است ونه تنها هر کسی به انجا رفته معتاد نشده بلکه عظیم ترین پروژه های صنعتی کشور در انجا اجرا می شود.ان زمان است که دست افسوس بر پیشانی نهاده که ای کاش کتاب درسی جغرافیای استان به معرفی بیشتر وبا ارزشتر ومهم تر بودن صنایع استانمان تأکید می کردند ومسئولین با تأکید بر منابع عظیمی که برای اشتغال در استان داریم سیستم اموزشی را هدفدارتر میکردند و اینجاست که بخاطر ضعف سیستم آموزشی موجب لطمه ای جبران نا پدیر به جوانان می شونداین کودکان دیروز وجوانان امروز بدون درک مناسبی از آینده در رشته ای تحصیل می کنند که عاقبت ان بیکاری است وچنانچه وارد بازار کار شوند مرتبط با رشته تحصیلی آنها نیست.

آموزش ابتدایی تا راهنمایی مرحله بسیار مهمی است که در تمام دنیا بر روی آن سرمایه گذاری زیادی صورت گرفته اما در ایران اهمیت چندانی داده نمی شود ودر استان بوشهر(که موضوع این نوشتار است) آن قدر ضعیف است که به عنوان مثال تقریبن تمام کسانی که در مقطع راهنمایی درس می خوانند (مقطع پر اهمیتی که پس از ان شخصیت دانش اموز ومسیر زندگی او شکل واضح تری به خود می گیرد) از امکانات استان خود در جهت اشتغال چیزی نمی دانند.انها نمی دانند که نود در صد نفت صادراتی ایران متکی به جزیره کوچکی به نام خارگ است.وبنا براین تمامی اقتصاد ایران متکی به همین جزیره کوچک است. انها نمی دانند که حجم پروژه های عسلویه ودر امد ان,به قدری عظیم است که شریک جنوبی ایران درپارس جنوبی(قطر) را مبدل به ثروتمندترین کشور دنیا کرده است.انها نمی دانند که محل کار بهترین شرکتهای نفتی ایران(فلات قاره,نفت وگاز پارس وپایانه های نفتی) در استان بوشهر است وتقریباً تمامی شرکتهای خصوصی معتبر ایران وخارجی و خصوصی با زمینه فعالیتهای مختلف در عسلویه کار می کنند ویا نمایندگی دارند .البته شاید تا حدودی در مورد نیروگاه اتمی بدانند اما نمی دانند که مطابق قانون وتلاش دلسوزین استان!!!! تمام شرکتهای دولتی وخصوصی موظف هستند که حداقل پنجاه در صد نیروی کارگرمورد نیاز خود را از ساکنان بومی استان تآمین کنند! مسلمآ برای این شرکتها بهتر وبا صرفه تر است که محل زندگی نیروی کار انها در نزدیکی محل کارشان باشد. چرا باید در استانی که ثروتمند ترین استان کشور است,پیشرفته ترین صنایع کشور را در خود جای داده است وبه تنهایی بیشترین سهم را در گرداندن چرخ های اقتصاد یک کشور هفتاد میلیونی دارد به جای مشاهده جوانانی در بهترین مشاغل وپستها با ید تنگ زشت اعتیاد وبیکاری وبزهکاری را ببینیم برای اینکه قبل از دیپلم برروی این بچه ها اموزشهای لازم واطلاعات مناسب صورت نمی کیرد لازم به یاداوری است که قرار نیست همه به دانشگاه بروند اگر دانش اموزی علاقه مند به ادامه تحصیل نباشد وبه حقوق خود اشراف کامل داشته باشد و میدانست که یک جوشکار دارای تخصص وتوانایی در کار خود در صنایع پارس جنوبی ماهیانه بین دو تا سه ملیون در امد دارد مسلمآ مسیر زندگی خود را بهتر انتخاب می کرد هر چند بحث پیمانکاران بماند که سهم بسزایی در فقر و بیکاری دارند.

اینها گوشه هایی از ویژگی ها وتوانمندی های استان است. با تمام بحثها استان بوشهر دارای توانمندیهای قدرتمندی در زمینه های دیگر نیز می باشد. استان بوشهر بزرگترین تولید کننده خرما در کشور است.دارای امکانات گردشگری وتاریخی است واز پتانسیل خوبی در زمینه تولید صنایع دستی مانند :گلیم گبه وفرش برخوردار است واین استان مرزی دارای بنادر اقتصادی که این مسئله توانایی استان را در زمینه تجارت دو چندان میکند .بزرگترین مرکز صید ابزیان در این استان می باشد که متعاقباً بزرگترین صنعت کشتی سازی نیز در استان بوشهر میباشد جناب دکتر سالاری شما استاندار چنین استان ثروتمندی هستی اینها همه فرصتهای برتر شغلی هستند اما تنها زمانی به صورت عملی در می آیند که برای کودکانمان که جوانان آینده هستند برنامه مدون وپیشرفته تدارک ببینیم تا خود با توجه به علاقه مندی هایشان وپیدا کردن جایگاهشان به آن منزلتی دست پیدا کنند که سزاوارند.

*فریده دهملایی؛ مدیر و موسسه آموزشگاه هنری آرتا و فعال مدنی حقوق کودک - پرورش هنرجویان کودک در طی سال های متمادی و هدایت هنرجویان به سمت کسب ۴۰ مقام بین المللی در حوزه هنرهای تجسمی- عضو جامعه کنشگران مدنی برازجان

نهضت بین المللی معلولین

به بهانه ی ۳ دسامبر، روز جهانی معلولین

نسرین غلامزاده -کارشناس امور توانبخشی تنگستان



شعار سال ۲۰۱۳ : "موانع را بشکنید، درها را باز کنید: بسوی جامعه ای فراگیر برای همه"

بیش از یک میلیارد نفر (معادل ۰/۱۵)جمعیت کل جهان با معلولیت زندگی می کنند (به عنوان بزرگترین و مشکل دارترین گروه) که اکثریت آنها در کشورهای در حال توسعه اند. در سرتاسر دنیا، افراد دارای معلولیت با انواع موانع فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و نگرشی روبه رو هستند که آنان را از مشارکت کامل و موثر در جامعه به عنوان اعضایی برابر بی بهره می کند.

اکثریت افراد دارای معلولیت به طور نامتناسب جزء فقیرترین افراد در جامعه بوده و از دسترسی برابر به منابع پایه اجتماعی از جمله آموزش، استخدام، مراقبت های بهداشتی و بهره مندی از سیستم های حمایتی، اجتماعی، رفاهی و قانونی محروم هستند. هم چنین افراد معلول از بالاترین میزان مرگ و میر برخوردارند.علیرغم چنین وضعیتی، پدیده ناتوانی در دستور کار برنامه توسعه فراگیر و فرآیندهای آن به نحو بارزی مغفول مانده است.

طی سالهای اخیر، نهضت بین المللی ناتوانی پیشرفت خارق العاده ای نموده است. به ویژه در سال ۲۰۰۶ با پذیرش کنوانسیون حقوق افراد معلول این امر بسیار بارز بوده است. کنوانسیون حقوق معلولان نتیجه ده ها سال کار سازمان ملل در جهت تغییر نگرش ها و رویکردها به ناتوانی بوده که به منظور نیل به مشارکت و برابری کامل افراد معلول در جامعه تلاش می کند. کنوانسیون در پی استفاده از ابزار حقوق بشر با ابعاد توسعه ای و شفافیت است. گرچه برای تحقق یافتن برابری و مشارکت افراد معلول ، آنها می بایست در فرایندهای توسعه جهانی ملحوظ گردیده و مهم تر از آن در خروجی برنامه سال ۲۰۱۵ و سالهای بعد در نظر گرفته شوند. هدف کنوانسیون، ارتقاء، حمایت و تضمین بهره مندی برابر و کامل افراد دارای معلولیت از کلیه حقوق بشر و آزادیهای بنیادین و ارتقاء احترام نسبت به منزلت ذاتی آنها می باشد. افراد دارای معلولیت شامل کسانی می شوند که دارای نواقص طویل المدت فیزیکی، ذهنی، فکری و یا حسی می باشند که در تعامل با موانع گوناگون امکان دارد مشارکت کامل و موثر آنان در شرایط برابر با دیگران در جامعه متوقف گردد.

اصول کنوانسیون حاضر عبارتند از: الف) احترام به منزلت ذاتی، خود مختاری فردی شامل آزادی انتخاب و استقلال افراد ب) عدم تبعیض پ) مشارکت کامل و موثر و ورود در جامعه ت) احترام به تفاوتها و پذیرش افراد دارای معلولیت بعنوان بخشی از تنوع انسانی و بشریت ث) برابری فرصتها ج) دسترسی چ) برابری بین زن و مرد ح) احترام به ظرفیتهای قابل تحول کودکان دارای معلولیت و احترام به حقوق کودکان دارای معلولیت در جهت حفظ هویتشان.

دولتهای عضو متعهد می گردند تحقق کلیه حقوق بشر و آزادیهای بنیادین برای تمامی افراد دارای معلولیت را بدون هر گونه تبعیض بر مبنای معلولیت تضمین و ارتقاء دهند. بدین منظور ، دولتهای عضو متعهد می گردند.

الف) تمامی تدابیرقانونی ، اداری و سایر تدابیر را در جهت اجرای حقوق برسمیت شناخته شده در کنوانسیون حاضر را اتخاذ نمایند. ب) تمامی تدابیر مقتضی از جمله قانونگذاری ، بمنظور تغییر و یا الغای قوانین موجود ، مقررات ، آداب و رسوم و اعمالی که موجب ایجاد تبعیض علیه افراد دارای معلولیت می شود را اتخاذ نمایند پ) حمایت و ارتقاء حقوق بشری افراد دارای معلولیت را در تمامی سیاستها و برنامه ها مد نظر قرار دهند. ث) تمامی تدابیر لازم جهت حذف تبعیض مبتنی بر معلولیت توسط هر فرد ، سازمان یا تشکیلات شخصی را بکار گیرد. ج) پژوهش و توسعه کالاها ، خدمات ، تجهیزات و کالاهای منطبق با طراحی جهانی مطابق با اصل ۲ کنوانسیون حاضر را انجام و یا ارتقاء بخشد. چ) پژوهش و توسعه را انجام یا ارتقاء بخشیده و دسترسی و استفاده از فناوریهای جدید شامل فناوری اطلاعات و ارتباطات ، کمکهای ترددی ، وسایل و فناوریهای امدادی جهت افراد دارای معلولیت با لحاظ اولویت به فناوریهای با هزینه مناسب را ارتقاء بخشد.

ح) اطلاعات قابل دسترس در مورد کمکهای ترددی ، وسایل و فناوریهای امدادی شامل فناوریهای نوین و سایر اشکال امدادی ، خدمات و امکانات حمایتی را جهت افراد دارای معلولیت ، تامین نماید. خ) آموزش کارکنان و متخصصانی که با افراد دارای معلولیت در زمینه حقوق به رسمیت شناخته شده در این کنوانسیون در تعامل باشند.

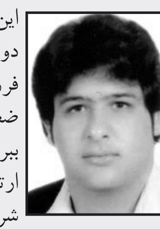
نشست عمومی سازمان ملل تاکید دارد دست یابی حقیقی به اهداف توسعه هزاره سوم و نیز سایر اهداف مورد توافق بین المللی نیازمند یکپارچگی و شامل سازی حقوق ، بهزیستی و نیز چشم انداز افراد معلول در روند توسعه ملی ، منطقه ای و بین المللی است. به منظور نیل به اهداف مذکور، در سال ۲۰۱۱ تصمیم گرفته شد گردهمایی یک روزه ای در سطح عالی در خصوص " ناتوانی و توسعه" با شرکت روسای کشورها و با موضوعیت " پیش بسوی برنامه توسعه فراگیر ناتوانی تا سال ۲۰۱۵ و پس از آن " برگزار گردد. این گردهمایی فرصت تاریخی در برنامه جهانی توسعه برای مشخص نمودن مسیر واقعی ناتوانی فراهم خواهد ساخت تا تعهد بین المللی را برای جامعه فراگیر برای افراد کم توان معطوف کرده و تغییرات واقعی و اقدام مشخص در زمینه زندگی افراد دارای معلولیت را تحکیم بخشد.

نتیجه چنین نشستی که در سپتامبر ۲۰۱۳ برگزار گردیده به طور فشرده منجر به ارائه سندی مبتنی بر اقدام شده که به نوبه خود تدوین خط مشی راهنما را بدنبال داشته و موجب تقویت تلاش های جهانی برای اطمینان از دسترسی و فراگیر شدن تمامی جنبه های اجتماعی و توسعه ای، برای افراد معلول می گردد. هم اکنون زمان آن فرا رسیده که موانع شکسته شده و درها باز شوند برای تحقق جامعه ای فراگیر برای همه

نسیم جنوب
اجتماعی
شماره ۷۲۲- یک شنبه۸ دی ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

آیا هوش کودکانمان قابل سنجش است؟

کیانوش ملاکی - کارشناس ارشد مشاوره و رواندرمانی



این روزها همه ی خانواده ها دوست دارند از سطح و کنش هوشی فرزندان خود آگاه شوند و به نقطه ضعف و قوت های فرزند خود پی ببرند تا تلاش و برنامه ریزی برای ارتقاء نقطه ضعف های فرزندشان را شروع کنند. در این میان عده ای در قالب موسسات و مراکز مختلف با نفوذ در مراکز آموزشی شهر مدعی استعداد یابی دانش آموزان هستند. این افراد با ابزار منسوخ شده و ناکارآمد از لحاظ علمی، خانواده ها را تحریک به اجرای چنین آزمون هایی در ازای پرداخت مبلغی پول می کنند. در اینجا باید متذکر شوم که هوش از قسمت های مختلفی تشکیل شده است و سنجش آن نیاز به ابزار کاملا دقیق علمی، تحصیلات مرتبط و تجربه ی آزمونگر و رعایت کامل و دقیق دستورالعمل اجرای تست می باشد. زمان اجرای دقیق ترین ابزار سنجش هوش کودکان که متشکل از یک سری ابزار و کتابچه های مخصوص است برای هر نفر بین ۱/۵ تا ۲ ساعت به طول می انجامد و پس از اجرا و نمره گذاری، تفسیر آن امری بسیار بسیار مهم است. حال ما در اینجا مانده ایم که چطور این افراد و موسسات از روی یک نقاشی می خواهند تمام جنبه های هوشی یک کودک را بسنجند و برچسب نابغه، تیزهوش، باهوش، عادی، مرزی و عقب مانده را به یک کودک بزنند و یا اینکه استعداد یک کودک را از روی نقاشی اش تشخیص دهند. برای مثال باید به این افراد بگویم که شما چطور هوش محاسباتی و یا هوش موسیقیایی کودک را از روی نقاشی آن تشخیص می دهید؟ و یا شما چطور هوش کلامی یک کودک را از روی نقاشی و بطور دقیق تشخیص می دهید؟ و ...

اینجاست که باید به همه ی خانواده ها بگویم که هشیار باشند و نگذارند عده ای در این سن حساس کودک، به آنان برچسب نابجایی بچسبانند که آینده ی آنان را رقم می زند. چنانچه توصیه ای نابجا به کسی شود که باعث شود در آینده از استعدادهای واقعی اش استفاده نکند، بزرگترین ظلم و ستمی است که می توان در حق یک کودک روا داشت. با استناد به کتاب های علمی - دانشگاهی باید بگویم که این تست های سنجش استعداد و هوشی که امروزه در مراکز آموزشی بعنوان " آزمون ترسیمی" باب شده است اعتبار کامل علمی ندارد و معرفی کردن این آزمون در کتابهای روانشناسی صرفا برای پرداختن به تاریخچه روانسنجی آورده شده است. این آزمون در سال ۱۹۲۰ در آمریکا ابداع شده است و مهمترین هدف آزمون، تعیین درجه هوشمندی سن عقلی و بهره هوشی کودک است. همچنین این آزمون را زمانی به کار می بریم که آزمونهای هوشی معتبر در دسترس نیست و می خواهیم هر چه سریعتر درباره درجه هوشی کودک به نتیجه برسیم. علاوه بر این ، اطفالی که زبان نمی دانند و قادر به سخن گفتن نیستند بهترین ابزار سنجش، این آزمون می باشند. حال باید گفت که نه زمان بر ما تنگ شده است و کودک ما زبان سخن گفتن ندارد. اینجاست که با استفاده از نقطه ضعف خانواده ها که ریشه آن عدم جستجوگری از سوی والدین و عدم روشنگری از سوی مقامات مسئول رواج پیدا کرده است، منجر به ضربه هایی جبران ناپذیر به کودکان بی گناه می شود.

منشور حقوق شهروندی، آزادی یا محدودیت شهروندان

علی دارایی



با تصویب قانون مهم و پر بار منشور حقوق شهروندی، بحث ها پیرامون نقاط قوت و ضعف این قانون، جریان یافته است. این یادداشت بر آن است که اهم کاستی ها و نواقص منشور را در راستای رعایت فن قانون نگاری و اصول حقوقی بیان کند. در ضمن، ایرادهایی که در ادامه آورده می شود، بیانگر رد کامل منشور نیست بلکه در حقیقت در پی اصلاح منشور حقوق شهروندی و توسعه حقوق شهروندی است.

۱- ایراد نخست از زاویه ای کلان به منشور می نگرد. چنانچه مطالعه و سیری در منشور داشته باشیم، آنچه که حداقل برای اینجانب روشن شده است، این است که منشور حقوق شهروندی به لحاظ ارزش و جایگاه قوانین اگر با قانون اساسی برابری نداشته باشد پایین تر از آن هم نیست. حوزه های مختلفی در باب حقوق شهروندی در منشور به رشته تحریر در آمده است. از جمله مسائل مربوط به قوه مجریه، مقننه و قوه قضاییه. در خصوص امکان تصویب و اجرای این منشور دو تحلیل و برداشت قابل تصور است: یکی اینکه با توجه به تفکیک هر یک از قوا و نهادها از یکدیگر، اصلی که مسلم است این است که هر قوه و سازمان بایستی از وظایف و اختیاراتی که در حیطه عملکردی خودش تعیین شده است، انجام وظیفه کند. و توانایی قانونی در انجام تکالیفی که برای دیگر قوا و دستگاهها تنظیم گردیده است، ندارد. بنا بر تدوین پیش نویس منشور توسط قوه مجریه و انطباق این امر با تکالیف و تعهداتی که در این منشور البته به طور اصولی و کلی، برعهده دیگر قوا نهاده شده، بسیاری از بندهای مقرر در منشور از ساحت و حوزه قوه مجریه خارج است. همانند عدالت قضایی و آزاد بودن حضور در مراسم ادیانی که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. به عبارتی روشن، قوه مجریه قانونی را مطرح نموده است که برای دیگر قوا و نهادها قواعد مقررات وضع کرده است و ممکن است به نظر برسد از حیطه اختیارات خود فراتر رفته است و تعیین تکالیف برای بقیه سازمانها کرده است. تحلیل دوم می تواند این باشد که با توجه به گستردگی حقوق و تکالیف در منشور و همچنین ارزش والایی که منشور دارد، بهتر است که طی رفراندومی به تصویب ملت برسد. به هر روی، مشکلی که در ارتباط با تصویب و اجرای این منشور وجود دارد این است که در پیش نویس منشور تکلیف اینکه حقوق و تعهدات وسیعی مدنظر قرار داده شده است، مشخص نشده است! در واقع دولت می خواهد با این مشکل چه رفتاری داشته باشد؟ آیا قوه مجریه به تنهایی قصد دارد کلیه اموری که در منشور مقرر نموده است، انجام دهد یا اینکه منشور را به همه پرسی بگذارد؟ پاسخ به سوال اول منفی است. چون که چنین اقدامی با اصل تفکیک قوا منافات دارد. پاسخ به پرسش دوم قابل بررسی و ملاحظه است و دولت می بایست در منشور نسبت به این مهم تعیین تکلیف می کرد اما با توجه به این خلا در نسخه نهایی منشور باید نسبت به این موضوع اقدام نماید.

۲- بارها توسط صاحب نظران زبان شناسی و جامعه شناسی نوشته شده است که تکرار زیاد سخنی یا نوشته ای اثربخشی یا آثار مفید آنها را -در صورت امکان عملی شدن کارکردشان- کاهش می دهد یا از بین می برد حتی به عبارتی ممکن است خنثی شود. در این قانون، قواعد و حقوق چندان قابل توجه جدیدی مطرح و نگارش نشده است. (البته نه تمامی آنها) برخی از حقوق مندرج در آن در قانون اساسی بطور دقیق و صریح و برخی دیگر از آن حقوق بطور غیر مستقیم در دیگر قوانین عادی قید گردیده است. از این رو بگمانم تعداد زیادی از اهالی حقوق، علوم سیاسی، جامعه شناسی و... در انتظار حقوق جدی و نوینی در این منشور بودند که چنین مهمی میسر نشد. همچنین تصور می رفت که حقوق بسیاری از اقوام یا افرادی که در عرف زبانی اقلیتها شناخته می شوند شناخته و تضمین گردد. ولی شوربختانه که این منشور پیش بینی و جدیتی در این امر ندارد.

۳- در هنگام تصویب یک قانون برای پیشگیری از بروز موانعی که امکان دارد در راستای اجرای آن در آینده ظهور کنند، لازم و ضروری است که در خود همان قانون نسبت به ساز و کارها و چگونگی اجرای کامل آن کلیه پیش بینی ها مقرر شود. به تعبیری بهتر بایستی در خود قانون مربوطه طریق اجرا و ضمانت اجرای آن مقرر گردد تا اولاً از پراکندگی (گسترده ای که در نظام حقوقی ما وجود دارد) قوانین جلوگیری شود و دوم اینکه با توجه به متعدد و موازی بودن نهادها و اشخاص قانون ساز در کشور، بسیار ممکن است که قوانین اجرایی بعدی این قانون که مدنظر قوه مجریه است تغییر کند یا همان مراجع و اشخاص قانون ساز نسبت به تصویب قوانین موازی که به احتمال زیاد با منشور حقوق شهروندی و مقررات بعدی آن مغایر است، اقدام نمایند. (هرچند که در این منشور اشاره شده است که هیئت وزیران مسئول تصویب قوانین اجرایی این قانون را بر عهده دارد) در بندهای متعدد و زیادی از این قانون موارد مهم و قابل توجهی وجود دارد که طریقه اجرا و تضمین آن مقرر نشده است به عنوان نمونه بنگرید به این امور و حقوق پر اهمیت: حقوق عمومی، امنیت روزنامه نگاران، سلامت اداری، نظارت از دستگاههای اجرایی توسط شهروندان،

> **در منشور حقوق شهروندی چندین مورد مشاهده می شود که گویا نویسندگان و تدوین کنندگان این منشور عجولانه و بدون اطلاع قبلی از سیستم حقوقی کشور و قانون اساسی نسبت به نوشتن و تدوین این قانون مهم همت ورزیده اند**

راهکارهای شفاف سازی توسط دولت یا تصویب قوانین برای رقابت اقتصادی، امنیت سرمایه گذاری و موارد بسیار دیگری در این منشور هستند که اجرای آن در آینده ممکن است قابلیت اجرایی نداشته باشد چون قانونی که ضمانت اجرای آن پیش بینی نشده باشد بمانند قانون متروک می ماند و تنها سخنی از آن به میان می آید و عده ای با اتکا به آن مانور می دهند. همچنین سبب می شود که حقوق و تکالیف قید شده در این منشور بصورت شعاری و اعلامیه ای مطرح و بیان می شوند و در عمل مسکوت می مانند. همچون بسیاری از اصول قانون اساسی بویژه فصل سوم مربوط به حقوق ملت.

در واقع مقرر نمودن شیوه و ساز و کار اجرای مقررات یک قانون با خود، تا حدی تضمین قانون را به همراه دارد. به عنوان نمونه در قانون مدنی آزادی ازدواج برای زنان محدود شده است و در برخی موارد اختیار تصمیم گیری برای ازدواج کردن از آنان گرفته شده است. اما در منشور حقوق شهروندی بدون استثنا کردن جنسیت شهروندان، همه افراد در ازدواج آزاد شناخته شده اند. این امر نیکی است اما می باید برای سهولت در فرآیند اجرای این آزادی، در این قانون اصلاح قانون مدنی که تعارض با این قانون دارد، مقرر می شد. به این علت که امکان دارد عرف رایج تصویب قانون در کشور از پیشنهاد اصلاح قوانین توسط مرکز ملی حقوق شهروندی جلوگیری کند یا مقررات موازی در موضوع مربوطه وضع و تصویب شوند. به هر طریق، قید حل مشکلی که وجود دارد در خود قانون احتمال دارد که از موانع بعدی در اجرای این قانون پیشگیری کند.

۴- در منشور حقوق شهروندی چندین مورد مشاهده می شود که گویا نویسندگان و تدوین کنندگان این منشور عجولانه و بدون اطلاع قبلی از سیستم حقوقی کشور و قانون اساسی نسبت به نوشتن و تدوین این قانون مهم همت ورزیده اند. برای مثال می توان از دو بند که در حقیقت به نوعی دو مورد از خط مشی های این منشور محسوب می شود و اجرای آنها مستلزم تغییر قانون اساسی است نام برد: الف) در بند ۶ ماده یک، تکلیف دولت شناسایی، توسعه، اجرا و تضمین حقوق شهروندی معین شده است. در حالی که قانون اساسی که حدود وظایف و اختیارات قوای حاکمیتی و دیگر سازمانها را تنظیم می کند، چنین اختیاری به دولت برسمیت نشناخته است و چنانچه این بند بخواهد قانونی و توان اجرایی داشته باشد باید طبق تشریفات مقرره در قانون اساسی ابتدا قانون اساسی اصلاح شود و سپس این بند اعمال گردد. به علاوه پیشنهاد اصلاح قوانین مغایر با منشور توسط مرکز ملی حقوق شهروندی در این تحلیل یا کاربردی ندارد یا اینکه آشکارا با قانون اساسی ناسازگار است.

ب) طبق بند ۵۶ ماده ۳ منشور، کلیه شهروندان در دستیابی به امکانات، خدمات و فرصت های عمومی برابر هستند. یکی از این فرصتهای عمومی حق مشارکت شهروندان در فعالیت ها و حقوق اقتصادییست. ولی مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی اکثریت بسیاری از فعالیت های اقتصادی در اختیار و کنترل شدید دولت می باشد. حال چگونه قوه مجریه توانایی انجام این بند را دارد، معلوم نیست. آنچه مشخص به نظر می آید اصلاح قانون اساسی طبق تشریفات مربوطه است تا شاید سوای اما و اگرها این بند قابلیت اجرایی داشته باشد. چنانچه از نظر نویسندگان منشور این تحلیل نادرست است پس به احتمال زیاد مفهوم امکانات و فرصت های عمومی را در این بند روشن ننموده اند تا مصادیق آنها مشخص باشد.

۵- موقعی که یک قانون خوانده می شود می باید تدوین کنندگان آن بمیزانی با ظرافت و دقت هر چه تمامتر قانون مورد نظر را نگارش نمایند که تعارضی میان مواد آن قانون به چشم نیاید. در این صورت در اجرای همان قانون خلل ایجاد خواهد شد. در منشور حقوق شهروندی چندین مورد می توان برشمرد که میان بندهای منشور و بندهای این قانون با قانون اساسی تضاد وجود دارد: الف)تناقض در منشور:

۱- در بند ۶ ماده یک منشور، به دولت مجوز ایجاد حقوق و تکالیف و یا توسعه و تضییق آنها اعطا نشده است اما پس از این منع تلویحی به دولت اجازه اصلاح و توسعه نظام حقوقی داده شده است! این دو موضوع به طور کامل با همدیگر مغایرت دارند. چگونه ممکن است که دولت در مقام ایجاد حقوق و تکالیف جدید برای شهروندان و همچنین توسعه آنها نباشد اما اختیار توسعه و اصلاح نظام حقوقی کشور را داشته باشد؟ اصلاح نظام حقوقی بدون تردید منجر به وضع حقوق و تکالیفی برای شهروندان خواهد شد. بر این اساس این دو تعهد و تکلیف دولت قابل جمع شدن با یکدیگر نیستند

۲- در منشور به علت احترام به دیگر ادیان، به والدین و سرپرستان کودکان اختیار داده شده است که در آموزش و تعلیم مذهب خود به فرزندانشان آزاد باشند. در نگاه اول با توجه به احترام گذاشتن به دیگر ادیان آنچه که به تصور می رسد، به رسمیت شناختن تعالیم دیگر مذاهب است و در خور ستایش. اما این مهم نبایستی به پایمال شدن حقوق کودکان منتج شود. اگر کودکان را عضوی از شهروندان بدانیم -که لزوماً باید بدانیم- نباید به والدین و سرپرستان آنها اختیار تحمیل باورهای مذهبی شان به کودکان داده شود. این اقتدار والدین بر کودکان به تحمیل عقایدشان بر کودکان یا چه بسا خشونت بر آنها کمک می کند.

ب) مستند به اصل ۹ قانون اساسی "هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند". بر این مبنا مقامات دولتی به هیچ عنوان و استدلالی حق صدور دستورها یا آیین نامه ها و قوانینی را ندارند که آزادی های مشروعی که در قوانین ایران برای ملت به رسمیت شناخته شده است، محدود کند یا لغو نماید. اما در بند ۳۶ ماده ۳ منشور به طرز شگفت انگیزی به مسئولان اداری اجازه محدود کردن و تاثیر گذاشتن بر آزادی های شهروندان طبق مصلحت عمومی و در چارچوب قانون اعطا شده است. بدون شک این مجوز منشور منافات با اصل مزبور قانون اساسی دارد. در رابطه با دخالت دولت در حقوق و آزادی های مردم، دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه نخست بر این باور است که چون دولت در راستای منافع و مصالح عمومی گام بر می دارد، بنا بر امتیازات ویژه ای که ناشی از قدرت عمومی دارد، اختیار تحمیل محدودیت بر آزادیهای شهروندان را دارد.

اما دیدگاه دوم با نظر پیشین مخالف است و معتقد است که منافع و مصالح ملی مفهوم مبهم و کلی دارد و مرز بین منافع عمومی و خصوصی دقیق مشخص نیست و ممکن است به بهانه مصالح ملی حقوق ملت نقض گردد. از این رو اختیار قانونی دولت در کاستن از آزادیها و حقوق شهروندان صحیح نیست. با نگاهی در بند ۳۶ ماده ۳ روشن می شود که تدوین کنندگان منشور دیدگاه نخست را پذیرفته اند. خلاصه اینکه، با توجه به منشوری که داعیه اهدا حقوق و آزادی های بسیاری برای شهروندان دارد، پذیرش چنین نظری موجب تعجب است.

مصاحبه با دکتر احمدی عضو رسمی جامعه موکلین استرالیا و نیوزلند:

حفظ پیوند با سرزمین مادری مهاجرت را هدفمند می کند

مصاحبه از حسین ایزدپناه



دکتر سیروس احمدی به خبرنگار ما گفت: درک تجربه های جدید و حس کنجکاوی انسانها را وادار می کند تا به مهاجرت دست بزنند و همیشه این رویکرد به مهاجرت از یک کشور به کشور دیگر محدود نمی شود و ممکن است از یک شهر به شهر دیگر و در همان کشور و بعضی وقتها هم به صورت معکوس مثلا از شهر به روستا و یا از یک کشور توسعه یافته به یک کشور درحال توسعه صورت پذیرد که عمدتا با هدف انسانی و اخلاقی انجام می شود

وی افزود: بسیاری از افراد در حالی از شهر یا کشور خود مهاجرت می کنند که با هیچ مشکلی مواجه نیستند اما ممکن است تنوع طلبی آنها را وادار کند تا اقدام به مهاجرت کنند اما مهاجرتی موفق است که به صورت قانونی و با حفظ ارتباط و پیوند با سرزمین مادری انجام شود.

دکتر احمدی که عضو رسمی جامعه موکلین استرالیا و نیوزلند است بیان داشت: در سالهای اخیر ما شاهد ورود بسیاری از هموطنان ایرانی همچنین کشورهای همسایه ایران از طریق دریا به استرالیا بوده ایم که متاسفانه بعضی از آنها بدون برنامه ریزی دل به دریا زدند و گرفتار طوفان و حوادث ناگوار شدند که این می تواند به عنوان یک تجربه ناگوار مورد بررسی قرار گیرد.

وی ادامه داد: بسیاری از افرادی که از این طریق قبلا موفق شدند تا به خاک استرالیا وارد شوند در حال حاضر برای دریافت ویزا، مجوز کار و یا برگشت به کشور خود دچار مشکل هستند و این نگرانی برای خود و خانواده شان وجود دارد.

این وکیل بیان داشت: باید به تغییرات اخیر در سیاستهای مهاجرتی استرالیا نیز اشاره کنم برای کسانی که از طریق دریا وارد می شوند سختگیرانه شده است. حتی در صورت قبول شدن فقط ویزای سه ساله موقت می دهند که با این ویزا عملا فرصت استفاده از بسیاری امتیازات اجتماعی را نخواهند داشت و عملا هیچ وقت شهروند نخواهند شد.

سیروس احمدی که سابقه تدریس در دانشگاه های ایران و استرالیا را دارد اضافه کرد: بهره گیری از مشاوره یک وکیل عموما در هیچ جای دنیا اجباری نیست و شاید در بعضی از امور بتوانید از حقوق خود بدون استفاده از یک وکیل دفاع کنید اما به نظر من در خصوص مهاجرت باید از مشاوره افراد صاحب تجربه بهره مند شوید، چرا قرار است شما برای آینده خود و خانواده خود در یک محیط جدید برنامه ریزی کنید. وی به دقت در انتخاب وکیل نیز اشاره داشت و گفت: کسانی که صورت رسمی و تحت نظر سازمان نظارت بر وکلای مهاجرت هر کشور مشغول به کار هستند مطابق قانون باید هر روزه با قوانین و دستورالعملهای جدید آشنا شوند و حقوق موکلین خود را مطابق استانداردهای بالای این کشورها رعایت کنند تا بتوانند پاسخگوی آنان باشند اما متاسفانه خیلی ها خارج از این موازین اقدام به کلاه برداری و سوء استفاده از سرمایه های موکلین خود می کنند. این فعال در امور مهاجرت یادآور شد: همیشه تا ۶ ماه اول مهاجرت چه به لحاظ روانشناختی و چه به لحاظ آشنا نبودن به محیط، نداشتن کار مناسب، یا تسلط نداشتن به زبان انگلیسی سخت خواهد بود اما به مرور از سختی آن کاسته خواهد شد.

روش مشارکتی در برنامه ریزی آموزشی

تنظیم کننده: ناهید قندهاری
مدیر مهدکودک و پیش دبستانی پیام انقلاب

قبل از هر چیز صحبت هایم را با یادداشت های یکی از کودکانی که از اردوگاههای مرگ هیتلر رهایی پیدا کرده بود، آغاز می کنم:

«معلم عزیز، من از یک اردوگاه مرگ آمده ام. من با چشمان خود نظاره گر تجربیاتی بودم که هیچ چشمی نباید ببیند. اتاق های گازی را دیدم که بهترین و متخصص ترین مهندسین آن را درست کرده بودند، کودکانی را دیدم که پزشکان فوق تخصص آنها را مسموم می کردند و کودکانی را دیدم که توسط پرستاران زبده و با تجربه کشته شدند. من زنان و کودکانی را دیدم که توسط کارشناسان عالی رتبه علوم شیمی به قتل رسیدند. بدین سبب من آموزش شک دارم. تقاضا دارم به دانش آموزان خود کمک کنید که انسان باشند. تلاش های شما نباید کودکان را تبدیل به فاشیست ها و نازی های حرفه ای کند. خواندن و نوشتن هر سیستم آموزشی تنها زمانی مهم است که کودکان ما انسان تر شوند.»

همکاران عزیز! پرسش مهمی وجود دارد که باید بارها و بارها از خودمان داشته باشیم و آن اینکه هدف از آموزش چیست و ما می خواهیم کودکانمان را برای چه چیزی آماده کنیم؟ آیا یک فیزیک دان برجسته شدن کافی است. حال اگر این فیزیک دان بمب های هسته ای بسازد، چه می شود؟ آیا تنها یکی شیمی دان خوب بودن ارزشمند است و اگر این شیمی دان انواع بمب های میکروبی بسازد چه؟

توسعه یک جامعه به چه قیمتی ارزش دارد؟ آیا توسعه به بهای تخریب محیط زیست، آلودگی آب و هوا و به بهای از بین رفتن تنوع زیستی حیوان ها و گیاهان می ارزد؟

به راستی وظیفه آموزش چیست و ما کودکانمان را برای چه نوع زندگی تجهیز می کنیم؟ در مهدها و مدارس ما کودکان چه چیزی و چگونه می آموزند؟ چه جنایتی در حق کودکان ما روا می دارند؟ نظام آموزشی رسمی آن نظامی است که حاصلش انسان هایی یکدست و فاقد خلاقیت است. از سوی دیگر دانش آموزان در سیستم رقابتی به این باور رسیده اند که موفقیت آنها تنها مستلزم حذف دیگران است. در این سیستم هر دنش آموز، دانش آموز دیگر را مزاحم می داند و این گونه می اندیشد که تنها خودش باشد موفق و پیروز شود. در این نظام ها فارغ التحصیلان تبدیل به انسان هایی می شوند که تنها به منافع شخصی خود فکر می کنند و به خاطر آن دست به هر عملی می زنند. آیا شما چنین افرادی را سراغ دارید؟

به همه این دلایل که نه تنها در سرزمین ما بلکه در بسیاری از سرزمین های دیگر نیز وجود دارد، مدتهاست که بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت از روش مشارکتی در آموزش کودکان استفاده می کنند. به عبارت دیگر روش مشارکتی، شیوه ای است که در برابر همه روش های غلط آموزشی سربلند کرده است.

در روش مشارکتی یادگیری یعنی دگرگونی، یعنی توانایی به ریختن عادت ها، ایجاد انگیزه درک ارزش های زندگی، توانایی حل مساله، شناخت عواطف عمیق انسانی و خودشناسی و به عبارت دیگر همه دگرگونی هایی که در مسیر رشد شخصیت انسان به وقوع می پیوندد.

یادگیری مفهوم عمیق تری از توانایی بستن یک بند کفش یا ساختن یک برج است. یادگیری رسیدن به یک بینش جدید است. بینشی که ابتدا سعی دارد محیط پیرامون خود را با همه اجزاء آن بشناسد و سپس این شناخت را درونی کند. بدین سبب دیگر نمی توانیم نسبت به محیط زیست بی تفاوت باشیم، چشممان را بر روی کشتارها و نسل کشی ببندیم، پناهندگان را نادیده بگیریم و یا حضور زنان را در زندگی حذف کرده و یا در حاشیه قرار دهیم.

در روش مشارکتی همه برنده اند و همه می توانند و حق دارند که موفق شوند. یادگیری مشارکتی به دیدگاه کل نگر تکیه دارد و به روان شناسی گشتالت معتقد است. این دیدگاه اعتقاد دارد که موجود زنده همیشه به شکلی واحد و به عنوان یک هیات کلی رفتار می کند، نه به صورت یک سلسله رفتارهای جدا و مستقل از یکدیگر. زیرا تن و روان جدا و مستقل از هم نیستند. بین اعضا و دستگاههای مختلف موجود زنده وحدت کلی وجود دارد. نمی توان دست و پای کسی را جدا از قلبش بررسی کرد و چشم کسی را نیز نمی توان جدا از عواطفش آنالیز کرد.

به همین ترتیب در یک جامعه نیز انسان ها و موقعیت ها را نمی توان جدا از هم بررسی کرد. موفقیت و شکست ما به هم وابسته است. به این خاطر در آموزش باید کل کودکان را در نظر داشت، نه تنها کودکان یک کلاس را باید به کودکان یک شهر، کشور و در نهایت این کره خاکی توجه داشت و باید به همه آنها این نکته را آموزش داد که زندگیشان به زندگی داد که زندگیشان به زندگی همه انسان های روی زمین وابسته و پیوسته است.

در این مکتب آنچه اهمیت دارد، توانایی ادراک و درک ارتباط هاست. ادراک زمانی صورت می گیرد که عواملی مانند توجه، احساس، تجربه قبلی و معنا زمینه ساز آن باشد.

انسان چیزی را می آموزد که برایش معنا و مفهوم داشته باشد و با تجربه های گذشته اش در ارتباط باشد. برای مثال اگر شما از سیستم معلم محوری آسیب دیده باشید و رشد و بالندگی کودکان برایتان معنای ویژه ای داشته باشد، بی تردید به روش مشارکتی واکنش نشان می دهید و این مفهوم را بهتر درک می کنید. در این فرآیند درک و بینش تغییر می کند. به عبارت دیگر بینش توضیح و توجیهی از ادراک است که بر اساس آن عمل و یا فعالیت آینده طراحی می شود. این دیدگاه به تجربه بیش از رفتار توجه دارد و در حال حاضر این اعتقاد مطرح است که یک کودک سالم در روند رشد خود در صورت داشتن آزادی و اختیار چیزی را انتخاب می کند که برای رشدش مناسب است.

مفاهیم و ساختار کلی روش مشارکت به مقوله کودک محور بسیار نزدیک است، این روش به ایجاد انگیزه و نیازهای مخاطب توجه می کند و به ارتقاء مهارت ها و توانایی ها می اندیشد و سعی می کند فرصت هایی را فراهم کند تا مخاطبش موفق بشود از حداکثر توانایی و استعدادهای خود استفاده کند.

اما به نوعی روش مشارکتی یک دیدگاه محاط بر روش کودک محور است. روش مشارکتی بر فراز همه روش هاست. دو عامل ارتباط، جامعه مسایل جهانی سبب می شود تا روش مشارکتی فراتر از کودک محوری قرار گیرد.

عامل اول یعنی ارتباط بدین معنی است که هر فرد در یک سیستم با بقیه افراد و سیستمی که در آن زندگی می کند وابسته است و تمامی افراد نقش اساسی در شکل گیری آن سیستم دارند. این نقش از خانواده شروع می شود و سپس به شهر، کشور و کل دنیا می پیوندد. موفقیت هر فرد منوط به موفقیت جمع است. بدین سبب برنامه ها به گونه ای است که دانش آموزان یک کلاس به سوی موفقیت و رشد حرکت می کنند. آنها در این مسیر می آموزند که باید به هم کمک کنند و همه با هم برنده شوند.

عامل دوم یعنی جامعه مسایل جهانی بدین معنی است که هر اتفاق خوشایند و ناخوشایند در زندگی ما موثر است. تخریب محیط زیست مشکل همه مردم جهان است، مساله زنان در افغانستان مشکل کل جامعه بشری است، عدم رعایت حقوق بشر در هر کشور مساله بشریت است و جنگ در بوسنی، روآندا و فلسطین معضل همه ماست. بدین سبب باید یک نگرش کل نگر را اتخاذ کرد.

اعتماد به نفس دانش آموز خود را تقویت کنید

شریعت غلامرضازاده
معاون دبیرستان و پیش دانشگاهی حجاب

عزت نفس از اصلی ترین عوامل رشد مطلوب شخصیت است و از جمله مفاهیمی است که در چند دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران و صاحب نظران روان شناسی و علوم تربیتی قرار گرفته است.



دانشمندان بسیاری به این نتیجه رسیده اند که کودکان برخوردار از «عزت نفس بالا»، افرادی هستند که با احساس اعتماد به نفس و بهره گیری از استعداد و خلاقیت خود به ابراز وجود می پردازند و به راحتی تحت تاثیر عوامل محیطی قرار می گیرند.

به اعتقاد روان شناسان، شخصیتی که از عزت نفس بالایی برخوردار است خود را به گونه ای مثبت ارزشیابی کرده و برخورد مناسبی با نظریات مثبت خود و دیگران دارد. اما در مقابل کسی که عزت نفس پایینی دارد اغلب نوعی نگرش مثبت تصنعی نسبت به جهان پیرامون خود دارد. این شخص اساساً فردی است که غرور کمی در خود احساس می کند.

عزت نفس مثبت بر چهارعامل مبتنی است که عبارتند از:

الف- ارتباطات بچه ها با والدین

ب- کنترل برخورد درباره عواطف منفی

ج - پذیرش خود

د - رفتار اجتماعی

ده روش برای افزایش اعتماد بنفس

۱- شناخت عمیق از خود ، در جهت پی بردن به توانائیهای عظیم و پنهان خویش یکی از راه های اساسی افزایش اعتماد به نفس میباشد.

۲- نقاط ضعف خود را نیز باید شناخته و در جهت رفع آنها اقدامات لازم را به کار بگیریم و در صورتی که این کار عملی نباشد ، با آنها مدارا کنیم یا از طریق دیگر به جبران آن بپردازیم ، مثلاً اگر ناتوانی و محدودیتهای جسمی مادرزادی و ارثی داریم از طریق افزایش توانائیهای علمی یا هنری خود ، این پدیده را جبران نماییم.

۳- شناخت دیگران به خصوص آشنایان خود و استفاده از توانائیهای ایشان در جهت مثبت نیز می تواند برای ما کار ساز باشد.

۴- محیط خود را نیز بهتر بشناسیم تا از آنها در جهت رشد و پیشرفت خود بهتر بهره بگیریم.

۵- استعدادهای خود را شناخته و در جهت رشد و شکوفایی آنها گام برداریم و سرانجام در جهت بهتر زندگی کردن از آنها استفاده کنیم.

۶- از معجره امیدواری واقعی بهره بگیریم و هرگز تسلیم ناامیدی نشویم که ناامیدی دشمن سعادت و موفقیت ما در زندگی است ، از طرف دیگر بر کاهش اعتماد به نفس ما می انجامد.

۷- نسبت به توانائیهای واقعی خود ایمان داشته باشیم و در نتیجه از احساس حقارت و خود کم بینی پرهیز نمائیم.

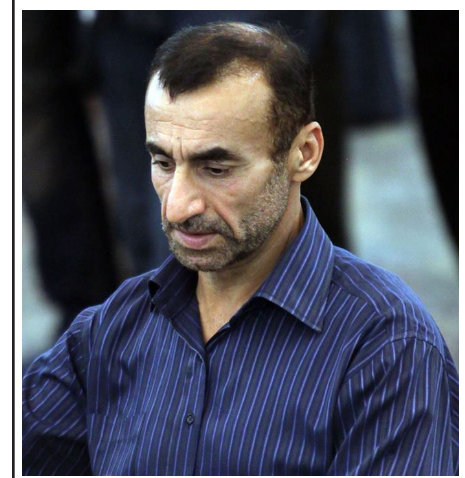
۸- از مقایسه کردن خود با دیگران جدا بپرهیزیم و تنها خود را با گذشته های خود مقایسه کنیم و اگر عقب افتادگی یا ایستایی در ما بوجود آمده باشد ، در رفع آنها گام برداریم و همیشه میل به پیشرفت و رشد را مد نظر خود قرار دهیم.

۹- به خود و توانایی های خود متکی باشیم و از وابستگی های غیر ضروری به دیگران پرهیز نماییم.

۱۰- از تلقین شکست و ناتوانی به خود پرهیز کرده و حتی تحت تاثیر تلقینات منفی دیگران در این موارد قرار نگیریم.

چگونگی اعزام اولین رزمندگان بوشهری به جبهه

پرویز قوسی



درست ۵ روز از شروع جنگ نگذشته بود که به لحاظ ضرورت و نیازبه نیروی درجبهه های جنوب از بوشهر با شتاب به فرماندهی شهید عباس کامکاری به سمت اهواز حرکت کردیم.

همگی دارای سلاح سبک ژ-۳ اما مصمم .عصر بود که به شهر اهواز رسیدیم .شهر خالی از سکنه. ورودی شهر چهارشیرجز تعدادی رزمنده هیچ فردعادی دیده نمی شود اکثرمردم به ناچار کوچ کرده بودند.

ما را به مدرسه ئی جهت اسکان راهنمائی کردند. تعداد کثیری رزمنده از سایر نقاط کشور قبل از ما مستقروبرای عزیمت به خط مقدم در حد امکان سپاه اهواز تجهیزبه سلاح های انفرادی شده بودند.

بعد از نماز مغرب وعشا هردو رزمنده رایک کنسرو لوبیا ویک نان دادن . من بعدازخوردن شام که چه عرض کنم از بس خسته بودم روی چمن های محوطه خواب رفتم

بعداز نمازصبح شهید کامکاری همه ما راجمع کرد و گفت الان ما راتوسط چند وانت به شهرشوش خواهند برد. اگر زود برسیم شاید از سقوط شهر بتوانیم جلوگیری کنیم. مقاومت درآن شهر بدلیل فشارحملات هوائی و زمینی عراقی ها و تلفات خودی کم شده. سریع آماده بشید باید تا قبل از ظهر برسیم.

سوار برچند وانت نیسان حرکت کردیم. سیاهی شهر که پیدا شد. وانت ها ازحرکت ایستاده و گفتند که دیگه از این جلوتر نمیشه رفت. بقیه راه را پیاده باید برید.

به ستون یک پشت سرهم به راه افتادیم نمی دانم به لحاظ مسافت و زمان چقدر بین راه بودیم ولی به محض اینکه وارد شهر شدیم توسط توپخانه به شدت بمباران شدیم .

راه بلدی که از سپاه برای راهنمایی ما آمده بود ما را درمدرسه ای جا دادند. از زمان ورود ما به شهر تا استقرار در مدرسه شهر یک پارچه زیر بمباران توپخانه عراق بود. خالی از سکنه و هیچ کس جز نیروهای رزمنده وجود نداشت.

بعد از قدری توجه به سمت خط مقدم و محل درگیری با عراقی ها رهسپار شدیم.

آن قدرجلو رفتیم که به رودخانه کرخه رسیدیم آن زمان رودخانه بسیار پرآب بود و رد شدن ازآن غیرممکن. مضافا به این که متوجه شدیم دقیقا عراقی ها آن ور رودخانه موضع گرفته اند.اما متوجه نزدیک شدن ما نیستند. چون بلند بلند حرف میزدند و ما آنها را از لابه لای بیشه های کناررودخانه می دیدیم که به صورت انبوه و تجمعی موضع دارند.

تعداد ما ۴۵ نفر بود اما عراقی ها یک تیپ زرهی مجهز به سلاح روز . تصمیم گرفته شد همان جا در وضعیت پدافندی موضع بگیریم و اگر عراق قصد پیشروی نمود تا آخرین نفس بجنگیم و یک قدم، پا عقب نگذاریم.

۲ روزی به همین منوال گذشت که یک روز صبح زود ما را به سوسنگرد فرا خواندند بلافاصله حرکت کردیم در بین راه متوجه شدیم که عراق وارد سوسنگرد شده و جنایت ها کرده. نزدیک ظهر بود که با عراقی ها در ۳ کیلومتری بین سوسنگرد و بستان ایجاد تماس نمودیم. درگیری با شدت تمام شروع نمودیم قبل از ما تعدادی بچه های رزمنده درگیر بودند ماکه ملحق شدیم آنان روحیه گرفتند و به هجوم خود به سمت عراقی ها شدت بیشتر داده شد.

دشت پیش رو مملو از عراقی با تجهیزات مدرن روز. در بین بچه ها من تعدای آر.پی.جی می دیدم اما بیشترما سلاح سبک ژ-۳ و تعدادمان حداکثر۲۰۰ نفر اما به همین تعداد عراقی ها با سرعت به عقب می راندیم. تعداد زیادی تانک عراقی روشن بدون خدمه رها شده بود من که تا آن زمان تانک را از نزدیک ندیده بودم. برایم جالب بود از همه آنها عبور کردیم وبه پیشروی خود باسرعت باپای پیاده به دنبال عراقی هاهمچنان ادامه دادیم تا شب.

در شب ادامه دور تک به لحاظ امکانانت کم. برای ما وجود نداشت مضافا به این که احتمال می دادیم سرعت عقب روی عراقی ها شاید بی دلیل نباشد و عمدا این کار را انجام دادند که ما را از شهر سوسنگرد دور کرده سپس هجوم نموده و ما را در محاصره قرار داده تار و مار نمایند.

تا همان جا که رفته بودیم تا صبح ماندیم. اول صبح بعد از نماز به حرکت در آمدیم و سوی بستان راه افتادیم هرچه جلو رفتیم از عراقی ها خبری نبود.

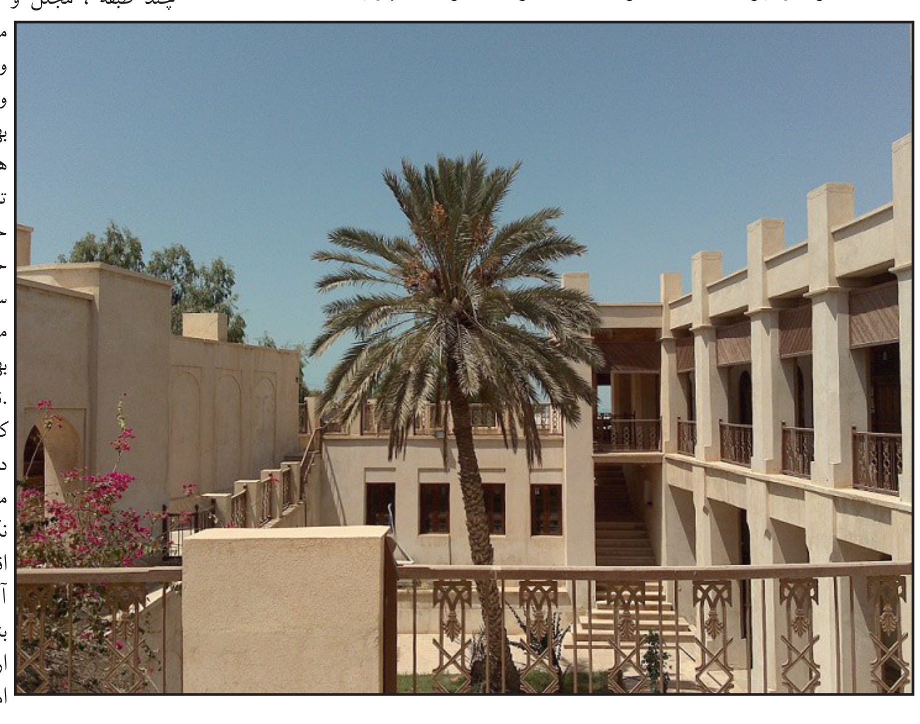
حول و حوش ظهر بود که به شهر بستان رسیدیم. شهر خالی از سکنه بود در موقع عبور عراقی ها از این شهر به سمت سوسنگرد جنایت ها کرده بودند که من شرم دارم به نگارش در آورم. مردم بومی در شهر وجود نداشتند یا همه را به اسارت برده و یا قتل عام. البته من آن روز کسی را ندیدم که در شهر مرده و افتاده باشد. اما شهر از هجوم این وحشیان ویران و خراب بود. چیزی آباد درش وجود نداشت. ما در مسجدی اسکان کردیم و حاشیه رودخانه نیسان تا صبح موضع گرفتیم. شهید مجید مرادزاده من را در نیمه شب بیدار کرد و گفت که نوبت نگهبانی توست. با حالتی کاملا خواب آلود در کنار رودخانه در سنگر نگهبانی قرارگرفتم. اما نمی دانم کی خوابم برد که پاس نگهبانی بعدی منو از خواب بیدار کرد. واقعا فکر کردم عراقیه بد جور ترسیدم.

فردای آن روز از عراقیها هیچ خبری نبود حتی دیگه به چشم هم نمی آمدند. شهید عباس کامکاری من و سه تا بچه های دیگر، جهت شناسائی منطقه از طریق رودخانه سابله توسط یک فروند قایق تا پاسگاه مرزی همه جا را تفحص کردیم اما هیچ خبری از آن متجاوزان به خاک و ناموس وجود نداشت. شهر پر شده بود از رزمندگان مصمم که اگر این بار عراقی ها با لشکرهای پی در پی هم می آمدند به جائی نمی رسیدند. چند روز در شهر به همین منوال گذشت و از بعثی ها خبری نشد. یک روز صبح شهید عباس کامکاری همه ما را جمع کرد و اعلام داشت که خرمشهر در حال سقوط است به من اعلام داشتند که فوری عازم آنجا شویم .گفت: پس برادران جم و جور کنید همین الان باید بریم اهواز و از آنجا راهی خرمشهر شویم. خیلی طول نکشید که سوار بروانت و راهی اهواز شدیم. (ادامه دارد...)

رونق تجاری بوشهر و نقش آن در شکوه معماری بوشهر

دکترعبدالرسول خیراندیش

اخیرا کتابی ارزشمند درباره معماری نواحی ساحلی شمال خلیج فارس که حاصل تحقیقات آقای غلام زاده است به دستم رسید، محتوای کتاب نشان از زحمات بسیار دارد. عنوان کتاب " معماری بوشهر در دوره زند وقاجار " است. هر چند محدوده جغرافیایی کتاب تمامی استان بوشهر و قسمتی از استان هرمزگان را در بر می گیرد. دوره تاریخی کتاب نیز با قید دوره زند وقاجار نشان می دهد که معماری قدیم محدوده جغرافیایی ذکر شده را در بر دارد. این معماری قدیم همان سبک معماری سنتی است که تا آغاز دوره مدرن یعنی دوره پهلوی تداوم یافته است . دوره زمانی مورد نظر از آن رو تا عصر زندیه در نیمه دوم قرن دوازدهم هجری برابر با نیمه دوم قرن هیجدهم میلادی عقب برده شده است که در شهر بوشهر آثاری از معماری دوره زندیه را گویا تا همین اواخر می شد مشاهده کرد. آن هنگام بندر بوشهر که در عصر نادر شاه تاسیس شده بود ، آرام آرام به صورت بندر اصلی ایران در می آمد و با استقرار تجار و نمایندگی های خارجی از رونق اقتصادی خاصی برخوردار شد. برای نزدیک به دو قرن بوشهر بندر اصلی مرزهای آبی جنوب ایران بود و بدین ترتیب دروازه تجاری و ارتباطی ایران از طریق آبهای آزاد با تمامی جهان به شمار می آمد. چنین موقعیتی موجب شد این بندر در دوره رونق و شکوه خود حوادثی تلخ و شیرین از عصر استعمار و جنگ های جهانی اول و دوم را از سر بگذراند و در مجموع در عرصه سیاست و اقتصاد ایران و نیز در عرصه فرهنگ و معماری نقش مهمی ایفا نماید. مورد اخیر یعنی معماری خود حاصل موقعیت تجاری بوشهر بود حضور مراکز حکومتی ، نمایندگی های خارجی و تجار موجب شد ثروت قابل توجهی که در این بندر جمع شده بود زمینه ساز بر پایی بناهایی ارزشمند شود که امروزه در مجموعه شهر بوشهر موسوم به " بافت قدیم " است.



ثروت جمع شده در بوشهر دوره قاجاریه از چند ماخذ زیر بوده است:

۱- هزینه ای که دولت مرکزی ایران برای استقرار کارگزاران خود اعم از دریابیگی ، حکمران بنادر ، روسای گمرک و تلگرافخانه می نمود. بخشی از این هزینه ها مربوط به بر پایی عمارات دولتی می شد که از نظر زیبایی و عظمت قابل توجه بوده اند . از این عمارات اکنون امیریه باقی مانده است.

۲- نمایندگی های خارجی مقیم بوشهر مانند کنسولگری بریتانیا ، آلمان ، فرانسه ، عثمانی و روسیه برای استقرار دفاتر خود آنچنانکه گویای شوکت و قدرت دولت هایشان باشد، بناهای قابل توجهی با صرف هزینه بسیار برپا کرده بودند. در این میان دولت بریتانیا و برای دوره ای خاص حکومت انگلیسی هند و قبل از آن کمپانی هند شرقی انگلیس واجد اهمیت بیشتری هستند زیرا علاوه بر کنسولگری مستقر دربندر بوشهر (محله کوتی) دارای یک سرکنسولگری در سبز آباد و بانک شاهنشاهی و تاسیساتی برای تلگراف خانه (هند واروپ) نیز بود بر این مجموعه منازل کارکنان و امکانات رفاهی منظم بدانها نیز باید در شمار آورده شود . هزینه چنین ساختمان های بزرگ ومجلل را دولت های متبوعشان به بوشهر ارسال کرده بودند. از چنین عمارت هایی تا حدود زیادی آنچه مربوط به بریتانیا بوده است را اکنون می توان مشاهده کرد.

۳- بناهای عمومی و عام المنفعه مذهبی و فرهنگی بخشی از بناهای تاریخی بوشهر شامل مساجد ، مدارس ، کلیساها، کنیسه ها ، بناهای یاد بود و آرامگاهی مانند قبر ژنرال یا آب انبار (مانند آب انبار قوام) یا تاسیسات دفاعی و تشریفاتی مانند برج خلعت پوشان و نظایر آن بوده است هزینه چنین ساختمان هایی را دولت ، خیرین و مراکز و متولیان مذهبی هر دینی یا پیروانشان تامین می کرده اند.

۴- سرانجام آخرین و اصلی ترین سازندگان بناهای شکوهمند بافت تاریخی بوشهر اشراف شهری این بندر یعنی تجار یا کسانی که با تجارت مرتبط بودند . مانند حمال باشی یا کلانتر و نیز مقام های تجاری همچون ملک التجار و معین التجار و رئیس التجار یا اگر بخواهیم نام ببریم سید محمد رضا کازرونی، بهبهانی و دهدشتی بسیاری بودند دیگر که در همین کتاب معماری بوشهر نام و اثر آنها را می توان سراغ گرفت.

اما حسب محتوای این کتاب لازم است شماره پنج نیز داشته باشیم

۵- مانند قلعه خورموج ، قلعه حصار ، قلعه طاهری ، دژ برازجان که هزینه ساخت آنها را خوانین و رعایایشان و گاهی حکومت فارس (مانند دژ برازجان) تامین کرده اند. از آنجا که این نوع بناهای تناسبی با معماری بافت قدیم بوشهر ندارد و بحث دیگری را طلب می کند در اینجا بدانها نمی پردازم و فقط به همان بندهای یک تا چهار و آن هم شماره چهار می پردازم یعنی بناهایی که اشراف شهری بوشهر بر پا کردند. اما در هر حال لازم است توجه داشت که ثروت بندر بوشهر زمینه ساز پیدایی معماری با ارزشی شده بود. با چنین ثروتی سنگ وچوب و گچ و شیشه لازم برای شکل گیری معماری بوشهر فراهم می شد که بطور خلاصه و به منظور تاکید آنها را بر می شمارم.

۶- ثروت قابل توجه اشراف شهری (تجار)

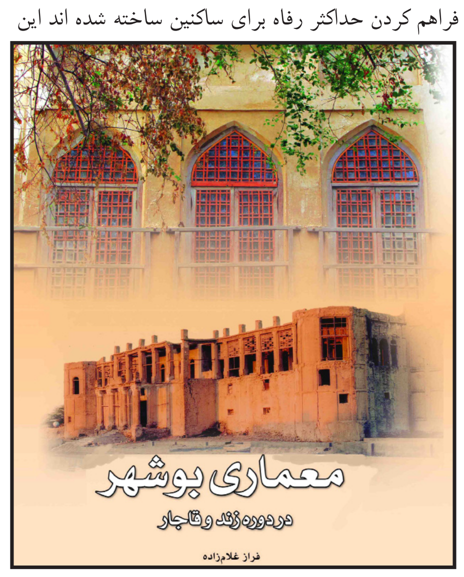
۷- وجود قشر قابل توجهی از کارگران در بندر بوشهر که بعضی از آنها در خدمات بندری (گمرک ، اسکله و باراندازها) ، بخشی در خدمات شهری (سقایی ، نگهداری چهارپایان ....) و بخشی دیگر در امور بنایی مشغول به کار بودند آنها مهاجرینی از نواحی اطراف بودند

۸-جذب تعداد قابل توجهی بنا و نجار و نقاش ماهر از شیراز و کازرون به بوشهر . اینان از یک سو به دلیل وجود بازار کار که آنهم مرهون رونق تجاری بوشهر بود ، در این بندر متمرکز شدند و از سوی دیگر کازرونی ، شیرازی ، دوانی و ..... بودن بسیاری از اشراف شهری زمینه ساز آمدن این هنرمندان به بوشهر شده بود.

۹- وجود معادن سنگ در بعضی نقاط شبه جزیره بوشهر مانند سنگی و معادن گچ در تنگستان (ساحلی) موجب شده بود به دلیل رونق اقتصادی بوشهر عده زیادی به استخراج سنگ، تولید گچ و انتقال آنها به بندر بوشهر بپردازند گاه از خارگ و جاهای دیگر نیز این مصالح تامین می شد.

۱۰- ارتباط تجاری با هند و افریقا و اروپا و گاه شرق آسیا امکان می داد به همراه کالاهای تجاری مانند ادویه و چای و کاغذ و فشنگ .... مصالحی مانند چوب و تخته ، چندل ، شیشه ، طناب ، یراق و غیره به بوشهر برسد و نیز از بوشهر به شیراز و دیگر شهرها حمل گردد به دلیل کاربرد بسیار گسترده و هنرمندانه چوب در ساخت در و پنجره، سایه بان و تزئینات داخلی بناها ، چوب هایی مانند ساج و صندل و آبنوس اهمیت بسیاری داشتند و از این جهت حتی شهرهای بزرگ نیز موقعیت بوشهر را نداشتند . پس از ثروت بوشهر و تجمیع امکانات لازم برای شکل گیری معماری بوشهر لازم است به ابعاد و جوانب دیگری از آن توجه کرد که عبارتند از :

۱۱- در محیط جغرافیایی بوشهر ، بدون برخورداری از امکانات کافی زندگی آسان نیست. تحمل گرما ، کم آبی هوای مرطوب و تهیه آذوقه و ارزاق لازم برای زندگی مستلزم اقدامات خاصی بوده است . بدین جهت خانه ای اشرافی بوشهر برای پاسخگویی به تمامی این نیاز ها و فراهم کردن حداکثر رفاه برای ساکنین ساخته شده اند این



امر در شکل گیری عناصر و اجزا داخلی خانه ها نقش تعیین کننده ای داشته است.

۱۲- پس از رفاه ساکنین که همان اعضای خانواده تجار و ماموران عالیرتبه بودند ، رقابت و همچشمی میان اشراف شهری نیز نکته مهمی بود که در شکل گیری این بناها نقش داشت. رقابت میان تجار در امور اقتصادی که گاه به عرض های سیاسی نیز تسری می یافت و به صورت پیوند با خوانین اطراف و مسیر راه های تجاری یا ارتباطات خارجی جلوه گر می شد خود بر یک بستر اجتماعی به منصه ظهور می رسید. بنیان های اجتماعی چنین رقابتی را نظام محله ای شهر بوشهر تشکیل می داد. هر محله با حضور اعیان و بالتبع خانه ها اعیانی بخشی از هویت و موجودیت خود را کسب می کرد. هر خانه اعیانی دارای یک فضای پیرامونی از وابستگان خود یا کسانی بود که خدمات لازم را برای آن ارائه می کردند. گاهی مجموعه عناصر و عوامل یک تجارتخانه نیز در شکل گیری یک عمارت اعیانی و محیط پیرامونی آن حضور می یافتند لذا یک خانه اعیانی (عمارت) در بوشهر را باید در پیوند با فضای اجتماعی محله ای که در آن قرار داشت تحلیل کرد.

۱۳- یک عمارت (اعیانی) به نوبه خود جزیی از بستر رقابت اجتماعی میان محلات به شمار می آمد مهمترین فرصت بروز این رقابت ها سوگواری های مذهبی بود لذا نه تنها موجب بر پایی بناهای مذهبی (مسجد ، حسینیه) دریک محله می شدند .

۱۴- تا آن هنگام که موسسات عمومی خدماتی شهری مانند تلفن و برق و کارخانه یخ و نظایر آنها پیدا شوند، یک خانه اعیانی در بردارنده کامل ترین مجموعه وسایل مورد نیاز یک زندگی توام با رفاه بود .حس همبستگی اجتماعی (محله ای) پیوند های خویشاوندی ، علائق مذهبی و بومی و دیگر عوامل موجب می شد ، امکانات یک خانه اعیانی به صورتی رایگان یا در مجموعه ای از دادو ستدهای متقابل در اختیار یک طیف گسترده قرار بگیرد بدین جهت خانه های اعیانی برای بخش عمده ای از ساکنان محله ، خانه هایی در گشاده بود و از یک سو حمایت از زبر دستان و از سوی دیگر اطاعت از زیر دستان را در مجموعه مناسبات شهری به دنبال می آورد چنین شرایطی بخصوص در مواقع بحران و نا امنی بخوبی کارایی خود را نشان می داد.



همه مواردی که به صورت خلاصه و اشاره تا اینجا آمد در مجموع معماری بوشهر را به صورت بناهایی چند طبقه ، مجلل و برخوردار از امکانی چون وسایل مدرن اروپایی اعم از مبل و پرده و وسایل روشنایی و گرامافون، تلفن و صندلی و میز می ساخت. بعلاوه بهره مند از قالی ایرانی و صندوقچه های هندی ... آن زمان بوشهر نه تنها بندر اصلی و بزرگ ایران در خلیج فارس ، بلکه مرکز استقرار حکمرانی بنادر بود که تقریبا تمامی سواحل جنوبی ایران و بندر های مهم آن مانند لنگه و عباس وچاه بهار و جاسک را زیر فرمان داشت .نیز انگلستان مرکزیت اداری و سر کنسولگری خود در خلیج فارس را در بوشهر مستقر کرده بود. در نتیجه معماری بوشهر مانند دیگر جهات و نکات مربوط به این شهر نماد رونق اقتصادی و موقعیت سیاسی و اداری آن هم بود. این مجتمع شهری و بندری در بردارنده ده ها عمارت ارزشمند ، باشکوه ، زیبا و مجهز بود اما متاسفانه با گذشت زمان ، زوال رونق تجاری بوشهر ، فقدان مدیرانی که قدر میراث فرهنگی و تاریخی را بدانند ، موجب شد تا بخش عظیمی از این گنجینه میراث ملی و نمونه شاخص هنر معماری ساحلی و دریایی ایران از بین برود و اکنون از آن گستره جز اندکی باقی نمانده است.

معماری قدیم بندر بوشهر ، تا کنون توجه محققان متعددی را به خود جلب کرده و موجب پیدایش آثار تالیفی متعددی شده است . اهمیت و ارزش این مجموعه معماری چنان است که انتظار می رود همچنان آثار جدیدی را در این زمینه شاهد باشیم چنانکه اخیرا کتاب "معماری بوشهر " نوشته فراز غلام زاده به علاقمندان ارائه شده است .تقریبا همه کسانی که آثاری اعم از کلی و جزیی در این باره بوجود آورده اند، فرصت حضور داشتن در خانه های قدیم و محلات بوشهر را داشته اند. به همین جهت همگی آنان به نوعی تعلق خاطری بدان داشته اند و بخشی از خاطره خود را بر آمده و همبسته با آن دارا شده اند . چنین زمینه ای موجب شده است ، بحث و گفتگو درباره معماری قدیم بوشهر بار عاطفی قابل توجهی داشته باشد . از این رو جای کنکاش های علمی و فنی درینباره خالی بوده است . اما تحقیقی که آقای فراز غلام زاده انجام داده اند ، ضمن آنکه تعلق خاطر به بافت قدیم بوشهر را در خود دارد، در بر دارنده تلاش و کوشش فراوانی برای انعکاس واقعیات مربوط به معماری بندر بوشهر است .عکس های متعدد ، توضیحات مربوط به مصالح و طرح بناها وکاربرد آنها بعلاوه نقشه ساختمان ها و تشریح جزئیات و طرح بناها و اجزای عمارات ، موجب شده است ، جدیت بیشتری در آن مشاهده شود . همچنین به صورت دائره المعارفی درباره معماری بوشهر جلوه گر شود. واقعیت آن است که معماری قدیم بوشهر گنجینه ارزشمندی از میراث فرهنگی ایران در ساحل خلیج فارس بود که متاسفانه قدر ، منزلت ، اهمیت وعظمت آن بدرستی درک نشد و اکنون بخش عمده ای از آن نابود شده است. ای کاش زودتر از این اندیشه حفظ و حراست آن شکل می گرفت و یا حداقل مستندسازی و تحقیقات علمی کافی برای آن صورت گرفته بود. زیرا در سراسر قرن نوزدهم ، معماری شکوهمند خانه ای اعیانی بوشهر ، نمونه ای منحصر به فر و بی بدیل در تمامی خلیج فارس به شمار می آمد.

در اواخر قرون هیجدهم بصره راه زوال را در پیش گرفت و هنوز قرن بیستم با درآمدهای نفتی از راه نرسیده بود که بندر های جدیدی در شمال و جنوب خلیج فارس شکل بگیرد. به همین جهت بندر بوشهر در سراسر قرن نوزدهم وحتی تا چندین دهه ی نخستین قرن بیستم نه تنها مهمترین بندر تجاری ایران بلکه اصلی ترین بندر برای تمامی خلیج فارس به شمار می آمد این خود تجارت و ثروتی را متوجه بوشهر می ساخت که بخشی از آن به صورت عمارت های اعیانی در آمده است.

در این نوشته قصد ورود به محتوا و مضمون معماری بوشهر را ندارم لذا به همین بررسی بیرونی اکتفا می کنم کتاب معماری بوشهر نوشته آقای غلام زاده که به صورتی نفیس به چاپ رسیده مطالب قابل توجهی را در خود جمع کرده است بیش از آن آقایان مشایخی، زنگنه، ریشهری، دشتی، اسدپور، سعیدیان، حمیدی، زنگویی، نبی پور و ... هر یک گوشه هایی از تاریخ فرهنگ ، معماری ... بوشهر را معرفی کرده اند این کتاب نیز با تهیه عکس ، نقشه و مطالب سودمند گام مهمی در معرفی آثار معماری بندر بوشهر و نیز نواحی مختلفی از استان های بوشهر و هرمزگان گام بلندی برداشته است امید است که مورد توجه و تشویق و حمایت قرار گیرد.

تشکّل های مدنی غیر دولتی و استاندار جدید بوشهر

محمد بحرینی فرد

هفته ی گذشته خبری غیر مستقیم به گوشم خورد که استاندار جدید بوشهر طرح ایجاد رابطه مستقیم با گروههایی از جوانان مناطق مختلف استان را در دستور کار دارند، تا به شکلی شفاف به طرح مشکلات فرهنگی- ورزشی مناطق خود بپردازند. با انجام چنین کاری، خود به خود تشکّلی غیر دولتی و البته همکار با فعالیت های دولت و برنامه های استاندار به ظهور می رسد که باید خطّ مشی خاصی را با توجه به هدف تشکیلش دنبال کند.

ضمن مثبت اندیشیدن در این مورد که ابتکاری خاص و استثنایی در استان است، به این مسئله هم پرداختم که سئوالات احتمالی در روند چنین راهکار مثبتی را ارزیابی کنم تا با دیدگاهی بازتر و منطقی و بدون آرمانگرایی به ضرورت ها، موانع و تاثیرات چنین امری بپردازیم. بنابر این با طرح چند سئوال به طرح بحث به صورتی بسیار مختصر می پردازیم :

ضرورت تشکیل تشکّل های مدنی چیست؟

- اعضای این تشکل ها باید از چه کسانی باشد؟

- تشکّل های مدنی غیر دولتی چه تاثیری می توانند بر جامعه و فعالیت های دولتیان داشته باشند؟

- این تشکّل ها در حکومت و جامعه چه جایگاهی دارند؟

- نقش روشنفکران جامعه در این میان چیست؟

- چه موانعی بر سر راه این تشکّل هاست؟

یکی از دلایل تایید چنین تشکّلی، ایجاد رابطه مستقیم و بدون دخالت شوراهای شهر و بخشداری ها و دیگر نهادها در ارائه مستندات و مشکلات بخش های مختلف است. چرا که بخاطر بسیاری از ملاحظات، بخش عمده ای از جامعه از گفتن حرف هایشان در هر دولتی که بر سر کار آمده ممانعت به عمل آمده است.... دومین دلیل اینکه چون این تشکل از بین جوانانی برمی خیزد که منصب و مقام خاصی ندارند تا از دست دادنش بترسند، بنابراین معضلات و مشکلات را بی پرده تر و بدون سانسور می توانند ارجاع دهند. سوم اینکه درست است که مسئولان از متن جامعه برخاسته اند، اما به دلیل مشغله های فراوان پس از مدتی عملاً ارتباط مستقیمشان با بخش وسیعی از مردم قطع می شود و بیشتر نشست و برخاستشان با امثال خود است و در این مورد قضیه ی «از دل برود هر که از این دیه برفت» پیش می آید.

- ضروری است که برای انتخاب افرادی که متناسب با چنین تشکلی هستند رایزنی لازم با صاحبنظران بخش های مختلف و مخصوصاً قشر جوان که عمده ی بار مشکلات و آرزوهای جامعه بر دوش آنان است صورت گیرد. تا: ۱- فردی آگاه به مشکلات جوانان. ۲- دارای تجربه در فعالیت هایی که به جوانان ربط دارد (فرهنگ و ورزش) ۳- دارای تجربه و پختگی جهت ارائه منطقی مطالبات ۴- دور از ملاحظات حزبی و جناحی انتخاب شود.

- اما موانع و مشکلاتی بر سر راه است: ۱- یکی همین مسئولان بعضی از نهادها. چون احساس می کنند رقیبی فرا دولتی پیدا کرده اند که جور دیگر دیدن را به مردم می آموزند. ۲- بعضی از روشنفکران منفی گرا که با خواندن آیه ی یأس نقش دوست گالیور و جمله ی معروف «من میدونم موفق نمی شیم» را بازی می کنند و معمولاً قبل از هر جنایتی حکم را صادر و اجرا می کنند. ۳- افرادی که ظاهراً سمتی ندارند اما وابستگی حزبی خاصی به جناح های مختلف سیاسی دارند و چون احتمال میدهند در فضای نقد گرفتار می شوند و احیاناً از جمع طرفدارانشان کاسته می شود، زیرآب چنین تشکل هایی را می زنند.۴- گروههایی که به این باور نرسیده اند که با وجود اختلاف نظر و سلیقه می توان مثل انگشتان متفاوت دست در خدمت جامعه بود.

- تاثیر تشکل های مدنی به طور کوتاه مدت و طولانی مدت و از طریق ایجاد روند مثبت برای خودآگاهی مردم، تربیت نسل جدیدی از مدیران با دیدگاه های خاص، نفوذ در بین مسئولان جهت شنیدن حرف های جوانان، برداشتن لکنت زبان از ذهن مردم، تمرین و یادگیری منطق دموکراسی و ... قطعاً خود را نشان خواهد داد. اما اینکه انتظار آنرا داشته باشیم به بیراهه خواهد رفت. چرا که هدف تعامل بیشتر برای رفع مشکلات است. این تشکل ها نه امکان پیامبر شدن و نه توان آن را دارند. بحث بر سر تاثیر گذاری نوبت به نوبت در جامعه است. فرو ریختن خیلی از بنیان های فکری سنتی و ناسالم فرهنگی، سیاسی و... نیاز به همان زمانی دارد که این نوع تفکرات خلق شده اند.

www.nasimjonoub.com
پایگاه خبری تحلیلی نسیم جنوب
خبرها و مطالب مهم
را روزانه ببینید و بخوانید

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



سلامی و کلامی... یونس قیصی زاده

انتظار تغییر فضای بسته فرهنگی و مطبوعاتی



انتخاب کاندیدایی که بیشترین اختلاف را با سیاست های رسمی دولت اصولگرای احمدی نژاد داشت، روشن ترین پیامش رویگردانی مردم از آنچه در هشت سال گذشته بر کشور رفته و ایجاد تغییر در بخش های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ... دولتمردان بود.

اکنون دولت روحانی بر سرکار است و استاندار دولت تدبیر و امید در بوشهر، کلیددار برنامه هایی شده است که مردم انتظار دارند با اجرای آنها، شاهد تغییرات اساسی در زندگی خود باشند. بی شک چنان حجم آسیب ها به بخش های مختلف جامعه در هشت سال گذشته زیاد بوده است که می توان هزاران مطالبه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را برای داشتن یک زندگی عادی ردیف نمود، اما آنچه به عنوان یک فعال مطبوعاتی در این مطلب کوتاه می توان به آن اشاره نمود، پرداختن به وضعیت وخیم فرهنگی خصوصا عرصه مطبوعاتی در استان بوشهر است.

وجود دیدگاهی طالبانی و اجرای سیاستی متحجرانه در عرصه فرهنگ و خصوصا رسانه، در طی ریاست متحجران فرهنگی در استان بوشهر، لطمات زیادی را متوجه این بخش نموده است که عملا فضا را برای فعالیت های فرهنگی و رسانه ای مستقل به شدت محدود نمود و آسیبی که به دلیل مدیریت طالبانی به این بخش وارد آمد، فعالیت های فرهنگی و مطبوعاتی را دچار خسران عظیمی نمود که برای التیام آن، سالها فرصت نیاز است. بی شک تاریخ از عاملان این خیانت در حق فرهنگ بوشهر به تاریکی یاد خواهد نمود اما آنچه در شرایط کنونی، فوری به نظر می رسد توجه ویژه استاندار دولت تدبیر و امید به مقوله فرهنگ، هنر و مطبوعات و مدیریت فرهنگی در استان بوشهر است.

برای خروج از وضعیت وخیم فرهنگی و مطبوعاتی کنونی، نیاز به بکارگیری مدیرانی دلسوز، اهل فرهنگ، شجاع، باتجربه، با برنامه و ... است که از بدنه اهل فرهنگ برخاسته و اشراف کامل بر مسائل و مشکلات فرهنگی استان بوشهر داشته و معتقد به اجرای برنامه های فرهنگی وعده داده شده روحانی باشند.

انتظار اهالی فرهنگ و قلم از دولت روحانی و نمایندگان آن در استان بوشهر این است که در مقابل هجوم بی وقفه متحجران فرهنگی به عرصه فرهنگ و فعالیتهای فرهنگی، مقاومت کرده و برای اعتلای فرهنگ غنی این مرز و بوم، در مقابل فشارهای افراد خودسر و گروههای بانفوذ، حامیشان باشند.

در فرصتی که از سوی مردم در اختیار دولتمردان تدبیر و امید گذاشته شده، هر گونه سهل انگاری و بی توجهی به مقوله فرهنگ و اهل فرهنگ و قلم، نابخشودنی است و واکنش اهل فرهنگ و قلم را به همراه خواهد داشت. کوچکترین انتظار تغییر فضای بسته فرهنگی و مطبوعاتی استان، آماده سازی فضای فرهنگی برای فعالیت نهادهای مستقل صنفی همانند خانه مطبوعات مستقل استان بوشهر، حمایت از انجمن های فرهنگی و هنری، رفع مشکلات و تنگناهای فعالیت مطبوعات مستقل بوشهر، اجازه فعالیت و اجرای گروههای موسیقی محلی و... می باشد. امید است که بزودی ثمرات حضور دولت روحانی را در فضای فرهنگی و مطبوعاتی استان بوشهر شاهد باشیم.

رئیس ستاد ائتلاف اصلاح طلبان استان بوشهر :

۲۴ خردادماه قدرت اصلاح طلبان نمایان شد



رئیس ستاد ائتلاف اصلاح طلبان استان بوشهر در گردهمائی فعالان اصلاح طلب ستاد روحانی ضمن قدردانی از کسانی که برای رشد و تعالی اندیشه تلاش کرده اند، گفت: بعنوان کوچکترین عضو مجموعه اصلاح طلبان از تمامی کسانی که نقش آفرینی کردند تا ۲۴ خردادماه رقم بخورد قدردانی می کنم؛ چرا که در این روز قدرت اصلاح طلبان نمایان شد.

به گزارش "پایگاه اطلاع رسانی بُنا"؛ مسعود شکوهی با اشاره به اینکه این گردهمائی، دومین گردهمائی اصلاح طلبان استان در سالجاری است، خاطر نشان کرد: تاکنون نشستهای مختلفی را برگزار کرده ایم، و با توجه به اینکه هوای سیاسی تغییر کرده نشستهای ادواری اصلاح طلبان را برگزار نمائیم.

وی هدف از برگزار چنین نشستهائی را حفظ وحدت و انسجام میان طیف اصلاحات عنوان کرد و گفت: بخاطر اینکه بعداً شائبه ای بوجود نیاید هیچ درخواستی برای استفاده از امکانات دولتی نکردیم.

وی در پایان خطاب به فعالان اصلاح طلب ستاد رئیس جمهور در استان بوشهر گفت: با توجه به شرایط پیش آمده همه را به روزهائی همراه با امید نوید می دهم.

پورفاطمی دٍر همایش اصلاح طلبان حامی روحانی در بوشهر:

فعلاً به دولت فرصت می دهیم

انتظار می رود از نیروهای توانمند استان که محبوب قلوب مردم هستند در مسئولیت های استانی استفاده شود

نماینده دشتی و تنگستان تصریح کرد: اگر حمایت های هاشمی و خاتمی نبود، موج روزهای آخر تبلیغات انتخاباتی برای رییس جمهور پیش نمی آمد و ایشان امروز بر مسند قدرت نبود.

به گزارش «خلیج فارس»؛ سید محمد مهدی پورفاطمی در همایش اصلاح طلبان بوشهری حامی دکتر روحانی افزود: انتظار داریم دولت از نخبگان استان ها نظیر بوشهر در مسئولیت هایی چون معاونت وزارت بهره ببرد.

وی افزود: همچنین انتظار می رود در دوره جدید از نیروهای توانمند استان که محبوب قلوب مردم هستند در مسئولیت های استانی استفاده شود.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس با بیان اینکه نمی توان منکر حمایت اصلاح طلبان در پیروزی دکتر روحانی شد، ادامه داد: استاندار هم به برکت همین فضا عهده دار مسئولیت شده، اما امروز خیلی هایی که عطسه ای هم برای اصلاح طلبی نکردند، اکنون در مسند قدرت هستند که از این بابت گلایه مندیم و به دولت فرصت می دهیم.

نماینده چهار دوره استان در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: به عنوان فردی که خود را یکی از اعضای این جمع اصلاح طلب می دانم باید بگویم به اعتبار حمایت آقایان هاشمی و خاتمی، حامی دولت آقای روحانی هستم و امیدواریم در دوره تصدی این دولت شاهد اقدامات امیدبخشی برای مردم باشیم.

پورفاطمی با بیان اینکه باید از منابع انسانی شایسته ای که در استان وجود دارد استفاده کرد، اظهار داشت: اگر از تغییرات مدیریتی بترسیم و به این طرف و آن طرف خودمان نگاه کنیم که چه کسی را بگذاریم و چه کسی را نگذاریم، قطعا موفق نخواهیم شد.





وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به موضوع استعفای برخی نمایندگان در اعتراض به لایحه بودجه ۹۳ گفت: اگر استعفای نمایندگان مجلس ششم را بد می دانند، استعفای نمایندگان مجلس نهم هم بد است.

وی ادامه داد: در شرایطی که شاهد مشکلات عدیده ای پیش روی دولت هستیم و مقام معظم رهبری نیز بر کمک همه جانبه به دولت تاکید دارند، طرح استعفای برخی نمایندگان بخاطر بودجه صحیح نیست و به تزلزل در مدیریت کشور منجر می شود.

سیدمحمد مهدی پورفاطمی گفت: همه می دانیم به دلیل مشکلات اقتصادی و بدهی هایی که دولت روحانی میراث دار آن می باشد، بودجه ۹۳ انقباظی و با استراتژی اقتصاد مقاومتی بسته شده، ضمن اینکه طبق قانون مجلس می تواند تا ۱۰ درصد بودجه را تغییر دهد، از این رو نمایندگان بجای استعفا باید از ابزارهای قانونی که دارند استفاده کنند.

وی افزود: تهدید برخی نمایندگان به استعفا بخاطر برخی مسائل حوزه انتخابیه شان است، در حالی که براساس تاکیدات قانونی و فرمایشات رهبری، نمایندگان ابتدا باید خود را نماینده همه کشور بدانند و بعد منطقه شان.

وی در پایان با بیان اینکه خوشبختانه فضایی برای برگزاری نشست های اصلاح طلبان فراهم شده، ابراز امیدواری کرد: این فضا برای حضور همه تفکرات علاقمند به رشد و ترقی کشور فراهم باشد.

گفتنی است دومین همایش اصلاح طلبان حامی روحانی بعد از ظهر پنج شنبه و از سوی ستاد ائتلاف اصلاح طلبان برگزار شد.



درگمرک بوشهر چه خبراست؟!



مهدی جهانبخشان

اتفاقات ناخوشایندی درسال ۹۲برای گمرک بوشهر افتاده که همچنان نقل مجالس بوده وهست.

نقش اصلی گمرک طبق شعاری که ملاک عمل گمرک می باشد، این است : «گمرک امین دولت ، خدمتگزار مردم»، که با رویداهای جاری در سال ۹۲ این شعار زیر سوال رفت. اکثر مردم فکر می کنند که کمرگ نهاد متمولی است که میلیاردها تومان در حساب خود دارد و کارمندان گمرک نیز بیشترین حقوق را دریافت می کنند در صورتیکه مسئولیت گمرک ، جمع آوری وجوه هات و عوارض مالیاتی از تُجار و سپس واریز کردن آن به خزانه ملی است. حسابداری گمرک هم مثل همه ادارات و نهادها و شرکتها و سازمانها در حقیقت قلب اداره محسوب می شود ولی این بار در قلب این اداره اختلالی باور نکردنی بوقوع پیوست که خود گمرک نیز مدتها از آن بی خبر بود تا اینکه باعث سکته شدید گمرک گردید و آن اختلاس ۹۰میلیاردی است که عده ای در سایتها و محافل خصوصی خود ۷۰۰ میلیارد هم ذکر می کردند که کاملا اشتباه می باشد.

قصه آن بدین شرح پخش گردیده است که یکی از کارمندان در حسابداری گمرک از فیش هایی با مبالغ کلان سواستفاده کرده و با همدستی یک نفر دیگر در خارج از گمرک، فیش های واریزی مصرف شده را در چندین نوبت مورد استفاده قرار می داد. دو کارمند دیگر گمرک نیز به آنها در این امر یاری می رساندند که گفته می شود یکی از آنها در حال حاضر متواری است.

بر حسب وظیفه روزنامه نگاری قصد دارم مسائل را قدری روشن کنم، هرچند که ممکن است حرف وحدیثی متوجه من شود، سالهاست در گمرک رفت و آمد دارم، شاهدم که اکثریت کارمندان گمرک شریف و منزه اند. در دنیا رسم است که به کارمندان گمرک مبالغ زیادی به عنوان حقوق پرداخت می کنند تا مسئله مالی دغدغه ذهنشان نباشد و در ارتباط با ارباب رجوع طمعی در آنها بوجود نیاید.

اما در بوشهر حقوق ماهیانه کارمندان گمرک، حتی آنها که دارای مدرک کارشناسی ارشد می باشند چیزی حدود ۹۰۰ هزار تومان است که با توجه به تورم و گرانی وجه مناسبی به نظر نمی رسد و امضا های کارشناسان گمرک پای اسنادی است که گاهی میلیونها تومان را به جیب وارد کننده سرازیر می کند.

در این اختلاس تنها کارمندان خاطی نبودند که به این ورطه افتادند، بلکه طمع ورزانی بودند که با پیشنهادهای وسوسه برانگیز اختلاس را دامن زدند که هم اکنون گفته می شود آن خطاکاران با پرداخت جریمه های کلان میلیاردی، دارند مشکل خود را حل می کنند، ولی کارمندان خاطی گمرک کماکان باید به دولت پاسخگو بوده و مطابق جرمشان حبس را تحمل کنند.

ناگفته نگذارم که سیاستهای غلط اقتصادی و چرخش شدید اقتصاد به سمت اقتصاد تجاری دلالی هم دراین میان بی اثر نبوده که زندگی همگان را تباه ساخته است.



مسئله اسف بار در این است که تعداد دیگری از افراد شریف و خدمتگزار گمرک که نقشی در این قضیه نداشتند و بقول معروف شَستشان هم خبردار نبوده در روزهای اخیر دچار مشکل شده اند. این چند نفر کارمند همیشه مورد احترام مراجعین به گمرک بوده وخود نیز کاری جز برخورد مناسب با مردم نداشته اند.

مسئولین مرکز، این تعداد از کارشناسان را مقصر میدانند، دلیلشان هم این است که بر کار خطاکاران نظارتی نداشته اند. مطلعی می گفت: «این حرف نمی تواند مصداق صحیحی داشته باشد زیرا دایره امور مالی گمرک خود مستقل است و فیش های بانکی مربوطه قبل از اینکه به رویت کارشناسان برسد، مستقیما به دایره امور مالی ارسال می شود».

نقص کار هم در این است که این حجم واریزهای روزانه بصورت فیش های بانکی به حساب گمرک واریز می گردد که گاه می تواند توسط افراد سودجو دستکاری شود و گمرک هم در جریان آن نباشد.

همان مطلع می گفت: «حساب گمرک آن لاین (باز) بوده و امور مالی مرکز پس از واریز هر فیش در جریان آن قرار می گیرد و سوال این است که چرا در این سالها مغایرت در حساب را پیگیری نکرده اند؟»

مسئله دیگر این که خود گمرک بوشهر واقع امر را کشف کرده و به اطلاع ادارات ذیربط امنیتی و انتظامی رسانده و دیگر حرجی بر مسئولین گمرک بوشهر نیست. حتی یکی از مسئولین ارشد گمرک بوشهر دو سال قبل مغایرت وضع مالی یکی از خطاکاران شاغل در گمرک با حقوق دریافتی اش را گزارش نموده، ولی ترتیب اثری داده نشده است.

امیدواریم مسئولین محترم گمرک به افکار عمومی که از این اتفاق ناخوشایند نارحت اند، احترام گذاشته و در بررسی مجدد پرونده کارشناسان مغضوب که سلامت کارشان مورد تایید همگان است، جانب حق را رعایت نمایند.

هفت روز

دکتر محمد جعفر ایزدپناه

وی چت



اگر روزهای اول از وی چت برای رد و بدل کردن پیام های مخفیانه و آه و ناله از معشوق بی وفا استفاده می شد ولی این آخری ها تبدیل به محیط فامیلی سالمی شده بود که همه رعایت حال هم را می کردند و از گذاشتن عکس یا متن غیراخلاقی خودداری می کردند.

هرکس نکته مثبت یا بامزه ای را می دید برای بقیه ارسال می کرد. و بقیه هم با لایک کردن یا بیان نظرشان دیالوگ کردن را یاد می گرفتند، تفریح سالمی بود که مثل هر پدیده اجتماعی دیگری نقاط مثبت و منفی را با هم داشت. همان طور که در اوایل گسترش ماهواره مردم روش استفاده صحیح از آن را بلد نبودند و در برنامه های زنده روی خط می رفتند و فحش می دادند، به مرور یاد گرفتند که حرمت فضای عمومی را حفظ کنند و مخالفان بدون پرخاش کردن با هم گفتگو کنند.

حالا با فیلتر شدن اپلیکیشن «وی چت» روی گوشی های همراه، به بهانه پیشگیری از تهاجم فرهنگی این سوال پیش می آید که آیا مردم در حفظ حریم اخلاقی خود از مسئولین ناتوان تر هستند؟ یعنی اگر مسئولی بالای سر مردم نباشد، مردم نمی دانند چگونه خودشان از حریم خصوصی شان محافظت کنند؟ این بی اعتمادی مسئولین به مردم و نگاه قیم مآبانه باعث شده تا مسئولین بجای رسیدن به وظیفه اصلی و مملکت داری، مدام به حریم خصوصی مردم سرک بکشند و با فیلتر کردن و ممنوع کردن و سانسور کردن بخواهند جامعه را به زور در مسیر اخلاقی قرار دهند. تجربه سه دهه بگیر و ببند نشان داد که جامعه نه تنها اخلاقی تر نشد بلکه سال به سال با بحران های اخلاقی بیشتری از قبیل رواج دروغ و کلاهبرداری و خیانت و طلاق و بیماریهای جنسی روبرو شده است. تجربه نشان داده اجبار به هر چیزی نتیجه معکوس می دهد. از طرفی وزیر ارتباطات اعلام می کند فیلتر شدن کار ما نبوده و تصمیم با کمیته بررسی مصادیق بوده و ما فقط یک رای داریم. خوب دولتی که وزیرش نتواند جلو فیلتر شدن یک اپلیکیشن را بگیرد فردا با چه قدرتی میخواهد به وعده های بزرگترش عمل کند.

باز هم فتنه

هیئت اروپایی در سفر به ایران دیداری با نسرین ستوده و جعفر پناهی داشت. معلوم نیست این دیدار که با هماهنگی مجلس ایران صورت گرفت چرا به وسیله نمایندگان مجلس مورد انتقاد قرار گرفت، خودشان دعوت می کنند خودشان هم اعتراض می کنند. دیگر این که چگونه این دو، یک شبه تبدیل به سران فتنه شدند. جعفر پناهی که به جرم شرکت در راهپیمایی سال ۸۸ مثل بقیه معترضین دستگیر شد و پس از تحمل حبس آزاد شد. نسرین ستوده هم که اصولا جرمش دفاع از زندانیان سیاسی بود، مگر از یک وکیل انتظاری غیر از این می رود؟ او هم پس از تحمل حبس عفو شامل حالش شده و از زندان بیرون آمد. خوب اگر فردی خلافی هم کرده باشد پس از گذراندن دوران حبس دیگر مجرم شناخته نمی شود. نمایندگان مجلس اگر دنبال مجرم هستند کاش غارتگران بیت المال مثل مرتضوی و زنجانی را مواخذه می کردند که بدون هیچ جریمه ای راست راست برای خودشان توی مملکت می چرخند و به ریش ملت می خندند.

پرده آخر

از شخصیت علی مصفا و همسرش لیلا حاتمی همیشه خوشم می آمد. در فیلم پرده آخر این زوج هنرمند بازی درخشانی ارائه می دهند. پله آخر دیدنی ترین و شخصی ترین فیلم مصفا است. بازی با زمان چیزی که در فیلمنامه های ایرانی تا حالا تجربه نشده بود و مصفا به خوبی از عهده اش بر می آید. راوی قصه روح مرحوم است با وجودی که فیلم درباره مرگ است اما اصلا دلگیر نیست و نگاه شوخ فیلمساز باعث شده تا از تماشای فیلم خسته نشویم. پشت چهره های سرد آدم ها، شوخی های قوی وجود دارد که تماشاگر را می خنداند. فصل زیبای تبدیل شدن مجلس عزا به مجلس بزن و بکوب یکی از آنهاست. بازی های همه بازیگران اصلی و فرعی زیباست، برای نمونه بازی دکتر جراحی که به تازگی از خارج آمده در مجلس سالگرد مادر لیلا حاتمی آن قدر طبیعی از کار درآمده که آدم فکر می کند این هنرپیشه در زندگی واقعیش همین طور است. پله آخر از آن فیلم هایی است که در سینمای ایران بندرت ساخته می شوند و مژده از راه رسیدن کارگردان بزرگی مثل علی مصفا را می دهد.

کره شمالی

کشور کره شمالی کشور بامزه ایست، اگر زمانی نویسنده ای فرصت کند بر اساس حکومت تک حزبی و تک نفره و ایدئولوژیک کره رمانی بنویسد کتابی می شود بسیار خواندنی. مردمی که اجازه ندارند موبایل داشته باشند یا حق نزدیک شدن به توریست خارجی را نداشته باشند. کشوری که در آن غروب که می شود در شهر خاموشی زده می شود و همه باید بخوابند یا حتی برای عاشق شدن و ازدواج از حکومت مرکزی باید اجازه بگیرند. در مرگ رهبرشان همه وظیفه دارند گریه کنند حتی بچه های کودکستانی. و اصلا برای گریه کردن مسابقه به راه می افتد هر کارمندی بیشتر توی سرو کله خود بزند بیشتر ترفیع می گیرد و بدبخت کارمندی که اشکش در نیاید آن وقت سروکارش با اردوگاه کار اجباری می افتد. وقتی همه وسایل ارتباط جمعی ممنوع باشد و تلویزیون دولتی هم فقط اخبار مربوط به جنگ و آشوب در کشورهای غربی را پخش کند تعجبی ندارد که این مردم فلاکت زده تصور کنند در بهشت دنیا زندگی می کنند و کشورشان از همه جای دنیا بهتر باشد. وقتی هم که شخص دوم مملکت به فرمان رهبر جوانشان اعدام می شود تحت تاثیر تبلیغات دولتی بگویند فلانی جاسوس اجنبی بود و حقش بود.